





وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ



[illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بسم خدا بخواند عزیزان

أَكْمَدَ لِلَّهِ الَّذِي أَرْسَلَ الْأَنْبِيَاءَ وَالْمُرْسَلِينَ

الصَّلَاةُ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَقِعَ يَوْمَ دِيحَاءٍ

۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱  
 ۴۷۲  
 ۴۷۳  
 ۴۷۴  
 ۴۷۵  
 ۴۷۶  
 ۴۷۷  
 ۴۷۸  
 ۴۷۹  
 ۴۸۰  
 ۴۸۱  
 ۴۸۲

مِنْ النِّجَالِ الْخِزْمَاتِ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُ اللَّهِ

وَرَسُولُهُ الَّذِي هَدَانَا لِنَفْسِنَا ۚ إِنَّكَ رَءِيفٌ رَحِيمٌ

[illegible]

المنيعة والنيابة...  
 في العلم والدين...  
 في العلم والدين...

أدلة والظلمت صلى الله عليه صلوة دائمة لا تنفد

و تاركها درود و بفرستند خدا بر آن حضرت درود دائم گرفتار نشود

تنفد ما في علم ربي من الكيت وعلى إله وأصحابه

علم هر چه در کتاب است از کلمات درود و بفرستند خدا بر آن حضرت و اصحاب آن حضرت

و صومنا به الصديق و فتحنا أبواب المسنان

صوم کردیم در راههای صديق و گشودیم درهای درهای نیکوکاران

بعد يقول العبد المقتدر الى ربه ساجدا و شفاعة سيد

بعد میگوید بنده بگویند بنده محتاج بسوی رحمت پروردگار عالمی و بسوی شفاعت سید

ابن أبو الطيبات محمد عبد الواحد

ابو الطيبات محمد عبد الواحد

يروي الخازن يوري ابن المشي محمد

یوری الخازن یوری ابن المشی محمد

صير الدين صاتها الله عن الافات والشرور

بگردانده خداوند آن پروردگار را بر او و بر روزی و میوه شود در خدا

ما تحت لواء الحمد يوم يقيم في الصور ان الله

آنچه خداوند تعالی آن پروردگار را بر او و بر روزی و میوه شود در خدا

لا يجهل به يعنون باظهار شرف النبي الكريم و تعظيم

آن خدا را به تمام می کنند بظهور کردن بزرگی بنی کریم یعنی آن حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و بزرگ داشتن

في العظم كما قال العلامة البيضاء في تفسير

چنانکه گفت علامه بیضاوی در تفسیر

الفساد و الفساد...  
 في العلم والدين...  
 في العلم والدين...

في العلم والدين...  
 في العلم والدين...  
 في العلم والدين...



*(The music continues with a melodic flourish.)*

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

فوق این  
نیت کرد  
لی  
برای  
علی  
برای  
باب  
باب  
این عباس  
ولایت الهی  
سبب  
ظ

قدوة فقال في  
 اول الحزب اخذ من سن  
 اخذ من القرآن الحجة وقالوا  
 طوبى لمن عليه ملك لا يفتي  
 في قاعة يمدح من  
 التوسل من خبث السالكين  
 واما الامير في اسبغ  
 بغير علم في تقصيره  
 في سورة الاحقاس  
 في قوله من هو جلال  
 ان اتى الملك على  
 في قوله من هو جلال

[illegible]

۱۰۰  
 من اسماواتی کلام الامام اکبر  
 از عجب رسول الله صلی الله علیه و آله  
 و سلم که در افق مدار کائنات  
 از عجب الضعیف ناقلا کلام الامام  
 الرازی الذی میثقی فی کتب  
 الکبیری فی کتب  
 السیاقه والفاکمه والعهده  
 ردت چیم قال ایضا منین  
 العبد الخاسا والعدو الخاسی





[illegible]

الفضل است ان كتاب الفنا المسمى بحسن الحديث وهو من اروع ما وجدنا في هذا الفن  
 بمصنفه مع تيسير في باب حسن الشايخ والمصنفين  
 يعني ان حديث تيسير اروع  
 در باب حسن الشايخ  
 واما ما از جمله

قَالَ أَتَيْنَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفِيْنَا شَيْبَةٌ

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَفِيقًا لِّمَا ظَنَّنَا قَائِمًا شَهِيدًا  
 عليه السلام رَفِيقًا لِّمَا ظَنَّنَا قَائِمًا شَهِيدًا

نَالِ رَحِيْمًا اِلَى اَهْلِيكُمْ فَاَقْبُوا فِيْهِمْ وَسَلَامٌ عَلٰىكُمْ وَنُصْرَةٌ مِّنْكُمْ

صَلِّیْ فَاِذَا حَضَرَتْ الصَّلَاةُ فَلْيُؤْذِنْ لَكُمْ اَصَدُكُمْ  
 نمازی کہ نام میں گرگاہ بیاید وقت نماز  
 پس مایکہ اذان دہو برای شما کہے از شما

الحرفی اور منہ  
ازراۃ یومین الزمۃ  
بنا الذی یضیع اللہم  
قطعا ولا یخلفنا  
لحم یوکلکم الکرم فی  
عندنا لیس وکے  
مناسب للباب فی  
الند علیہ وسلم کان  
الھمال

[illegible][illegible]



عليه وسلم عليه السلام عليه السلام عليه السلام  
عليه وسلم عليه السلام عليه السلام عليه السلام  
عليه وسلم عليه السلام عليه السلام عليه السلام



روایت کرد که من فلان ای  
و لفظ فلان را تا به این حد  
آن که در حدیث آمده است  
روایت کرد که من فلان ای  
و لفظ فلان را تا به این حد  
آن که در حدیث آمده است

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعْطَى رَهْطًا وَسَعْدًا يَسِيرُ

فَتَرَكُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا هُوَ

أَعْجَبُهُمْ أَيْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَكَ عَنْ فُلَانٍ

فَوَاللَّهِ إِنِّي لَا أَرَاهُ مُؤْمِنًا فَقَالَ أَوْ مُسْلِمًا فَسَكَتُ قَلِيلًا

ثُمَّ عَلِمْتُ مَا أَعْلَمُ مِنْهُ فَعُدْتُ لِمَقَامِي فَقُلْتُ مَا لَكَ

عَنْ فُلَانٍ فَوَاللَّهِ إِنِّي لَا أَرَاهُ مُؤْمِنًا فَقَالَ أَوْ مُسْلِمًا

فَسَكَتُ قَلِيلًا ثُمَّ عَلِمْتُ مَا أَعْلَمُ مِنْهُ فَعُدْتُ لِمَقَامِي

فَعَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ

إِنِّي لَا أُعْطِي الرَّجُلَ وَغَيْرَهُ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهُ خَشْيَةً

أَنْ يَكْبَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي مَجْلَدِهِ فِي بَابِ

فلان ای که من فلان ای  
و لفظ فلان را تا به این حد  
آن که در حدیث آمده است  
فلان ای که من فلان ای  
و لفظ فلان را تا به این حد  
آن که در حدیث آمده است  
فلان ای که من فلان ای  
و لفظ فلان را تا به این حد  
آن که در حدیث آمده است  
فلان ای که من فلان ای  
و لفظ فلان را تا به این حد  
آن که در حدیث آمده است

ایکم اند از وی را خدا در دوزخ  
روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری باب  
ایکم اند از وی را خدا در دوزخ  
روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری باب  
ایکم اند از وی را خدا در دوزخ  
روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری باب

[illegible]

۱۲  
 بجا بگویم که کسور و مشتاق تحمید مستحق  
 الامین الاستغفار و عذر و قوله  
 فقال اي الله تعالی استغفرکم  
 سبعین مره فان یقف الله  
 فقال علیه الصلوة والسلام  
 لا یریدن علی السبعین فقام من  
 السبعین العدد الخمسون واربعا  
 قاله الطائفة القططانی فی شرح

كَانَ لَهَا بَحَاكُمِنْ النَّارِ فَقَالَتْ اَمْرًا اَوْ اثْنَيْنِ فَقَالَ  
 باشند آن پسران برای آن زن پرده از دوزخ پس گفت از ستم و دوزخ پس گفت  
 وَاثْنَيْنِ رَوَاهُ النَّجَّارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْعِلْمِ  
 روایت کرد این دو حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب العلم  
 وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ أَبِي لَمَّا  
 در روایت است از عبدالله بن عمر که از ابی عبدالله بن ابی  
 نُوِيٍّ جَاءَ ابْنُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 آمد پس روی سومی پیغمبر صلی الله علیه وسلم  
 فَقَالَ آعْطَنِي قَبِيضَكَ أَكْتَبُ فِيهِ وَصَلَ عَلَيْهِ  
 پس گفت آن پسریده آنی حضرت مرا بپراهن خود که کفن سازم دی را در آن پیر این مبارک و نماز نماز کند و در  
 فَاسْتَغْفِرْ لَهُ فَأَعْطَاهُ قَبِيضَهُ فَقَالَ أَذِنَ أَصْلُ  
 و طلب آموزش کن برای دی پس داد آنحضرت و در پیر این خود پس گفت آنحضرت خبر و مرا که ملاک نماز  
 عَلَيْهِ فَأَذَنَهُ فَأَمَّا أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهِ جَدُّهُ عُمَرُ  
 بر دی پس خبر داد آنحضرت را پس چون قصد کرد آنحضرت آنکه نماز کند بر دی کشید آنحضرت را عمر  
 فَقَالَ الْبَيْسُ اللَّهُ هَذَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى الْمُنَافِقِينَ  
 پس گفت ای نبیست پس که خدا منع کرد ترا اینکه نماز کنی بر منافقین  
 فَقَالَ أَنَا بَيْنَ خَيْرَتَيْنِ فَقَالَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ  
 پس گفت من میان دو اختیارم پس گفت خدا طلب آموزش کنی برای ایشان طلب آموزش  
 لَهُمْ إِنْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ  
 برای ایشان اگر طلب آموزش کنی برای ایشان هفتاد بار پس هرگز آموزش نکند خدا



لَهُمْ فَضْلٌ عَلَيْهِ فَاذْكُرْتُمْ وَلَا تَفْضِلْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ

ایشان را پس نذر کرد و آنحضرت بر محمد اسحاق بن ابی پس نازل شد و دیگران را از بر بیج یک از منافقان

مَاتَ أَبَدًا أَوْ لَا نَعْمَ عَلَى قَائِمِهِ سَوَاءٌ الْبَخَارِيُّ فِي

برگور و حمایت روایت گردان عوید را بخاری در

كُنْجِيهِمْ فِي كِتَابِ الْجَنَّةِ وَاللَّفْظُ كَوْنُهُ وَآهٌ مُسْتَلِمَةٌ

صحیح بخاری در کتاب الجنائز و حفظ عزیت در روایت اوست و روایت کرد ابن و شیخ الاسلام

مع تغية كسوف في حديقته في كتاب الفضائل وعن

بالتعمية انك في صحیح مسلم و کتاب الفضائل و درویشی و

جابر قال اني رايت النبي صلى الله عليه وسلم عبد الله

پنجشنبہ ۱۴۰۰ھ ۱۰/۱۲/۱۴۰۰ھ

نَ ابْنِ بَدْرٍ مَا دُفِنَ فَأُخْرِجَ قَفَّتْ فِيهِ مِنْ رِيْقِهِ

پس آنگاه از آنکه شد عبد اللہ بن اسبے و در گویش ازین کلام گفت و آنحضرت وی را ایسے و رویا و در حدیث اللہ

الْبَيْتُ قَبِيضُهُ رَوَاهُ النَّجَّارِيُّ فِي مَجْمُوعِهِ فِي كِتَابِ

پیشانیده اخلاص حضرت عبدالعزیز بن ابی رباح بن خود رواست که در این عهد بنجاری در مجمع بنجاری در کتاب

بِحَنَانٍ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ جَاءَ الطِّفْلُ بِسُحْرٍ

در روایتی است از انسبه بریه که گفت آمد

إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَيْنِ دَوْسًا

پس گفت طفیل سہ را کہ فیصلہ دوسرا

لَمْ يَكُنْ عَصِيًّا وَأَبَتْ قَادُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَقَالَ

یقین بدار شد تا فراموش کرد و در کار کرد پس از آنکه از خدا برای عزیزانشان پس گفته است که از خدمت

من فخرته وكان ياتوا مشركا على النبي  
 صلى الله عليه وسلم المشقة في  
 وصوله عليه الصلوة والسلام  
 فقام رجل يهيم قد دله في  
 فبصره اي اخذ الورد في كنفه  
 استعمل في قول ابن  
 في حديث ابن عمر  
 اعطيت في حبك الدنيا فاعطاهما  
 وجوب بان منته قوله فاعطاهما  
 انتم لم تبالوا فاطلق على العدة  
 اسم العلية في تحقيق وقوعه وقيل  
 اعطاه على العلية والسلام في اسبوع  
 اوله في حضرته واما في اسبوع  
 ولده واما في اسبوع في اسبوع  
 ذلك قال السلام في اسبوع في اسبوع  
 في اسبوع في اسبوع في اسبوع  
 في اسبوع في اسبوع في اسبوع  
 في اسبوع في اسبوع في اسبوع

من فخرته وكان ياتوا مشركا على النبي  
 صلى الله عليه وسلم المشقة في  
 وصوله عليه الصلوة والسلام  
 فقام رجل يهيم قد دله في  
 فبصره اي اخذ الورد في كنفه  
 استعمل في قول ابن  
 في حديث ابن عمر  
 اعطيت في حبك الدنيا فاعطاهما  
 وجوب بان منته قوله فاعطاهما  
 انتم لم تبالوا فاطلق على العدة  
 اسم العلية في تحقيق وقوعه وقيل  
 اعطاه على العلية والسلام في اسبوع  
 اوله في حضرته واما في اسبوع  
 ولده واما في اسبوع في اسبوع  
 ذلك قال السلام في اسبوع في اسبوع  
 في اسبوع في اسبوع في اسبوع  
 في اسبوع في اسبوع في اسبوع  
 في اسبوع في اسبوع في اسبوع

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعلی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بمقامه قدومه فی  
 فیصله ای افتاز الودعه فی کفینه  
 استغنی عن قول ابن عمر کن

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعلی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بمقامه قدومه فی  
 فیصله ای افتاز الودعه فی کفینه  
 استغنی عن قول ابن عمر کن

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعلی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بمقامه قدومه فی  
 فیصله ای افتاز الودعه فی کفینه  
 استغنی عن قول ابن عمر کن

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعلی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بمقامه قدومه فی  
 فیصله ای افتاز الودعه فی کفینه  
 استغنی عن قول ابن عمر کن

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والی غیره قبل  
 غلام علی الصلوة والسلام  
 حضرت قاسم بن یحیی قدومه فی  
 فیصله ای اخذ الوعد فی کفنه  
 فی صلیب ابن عمر کن  
 استعمل فی قول ابن  
 فی حدیث ابن عمر  
 اعطی فی صلیب الذی فی حدیثه  
 وجوب بان منته قولہ تا عطا فی  
 انتم لم یکن با طلق علی العدة  
 اسم العدة فی حدیثه تا سلام فی حدیثه  
 اعطاء علی الصلوة والسلام فی اسرار  
 اولاد فی حدیثه و الا فی اسرار  
 ولدہ و فی حدیثه فی حدیثه  
 ذاک قال السلام فی حدیثه و الا فی اسرار  
 حدیثه و فی حدیثه و فی حدیثه  
 حدیثه و فی حدیثه و فی حدیثه  
 حدیثه و فی حدیثه و فی حدیثه

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والی غیره قبل  
 غلام علی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بم یازید وکرم وعلیه  
 فیصله ای اخذ الودعه فی کفنه  
 استغفر علی قول این

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والی غیره قبل  
 غلامی وهدیم والی السلام  
 حضرت قاسم بن یزید وکرم الله  
 فیصله ای اخذ الوعد فی کفنه  
 استعمل فی قول ابن  
 حضرت ابن عمر وکرم الله  
 اعطی فی کفنه فی کفنه  
 وجوب بان منتهی قوله  
 انتم لم تبالک فاطم علی العدة  
 اسم العدة فی تحقیق وقوعه وکرم الله  
 اعطاء علی الصلوة والی فی اسبوع  
 اوله فی حضره علی وانی فی اسبوع  
 ولده وانی فی اسبوع علی وانی فی اسبوع  
 ذاک قال السلام فی اسبوع وانی فی اسبوع  
 علی وانی فی اسبوع وانی فی اسبوع  
 علی وانی فی اسبوع وانی فی اسبوع  
 علی وانی فی اسبوع وانی فی اسبوع

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والی غیره قبل  
 غلام علی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بم یازید وکرم وعلیه  
 فیصله ای اخذ الودعه فی کفنه  
 استغفر علی قول این

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعلی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بمقامه قدومه فی  
 فیصله ای افتاز الودعه فی کفنه  
 استعملت قول ابن عمر کن

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعلی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بمقامه قدومه فی  
 فیصله ای افتاز الودعه فی کفینه  
 استغنی عن قول ابن عمر کن

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعلی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بمقامه قدومه فی  
 فیصله ای افتاز الودعه فی کفنه  
 استعملت قول ابن عمر کن

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعلی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بم یازده وکول والیه  
 فیصرا ای اخذ الوعدہ فی کفینہ  
 فی صلیب ابن عمر کن  
 استعمل فی قول ابن  
 حضرت ابن عمر  
 اعطی فی صلیبک الذنوب فیما عطاها لی  
 وجوب بان منی قولہ عطاها لی  
 انعم لکم بک عطاها علی العبد  
 اسم العبد فیما تحقق وقولہ وکول  
 اعطاء علی الصلوة والسلام فی سبحان  
 اولاد فی حضرت علی واثنا فی سبحان  
 ولدہ وکول انما عطاها لی  
 ذاک قال السلام فیما عطاها لی  
 صلیب ابن عمر  
 علی بنی  
 علی بنی  
 علی بنی

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعلی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بم یازده وکول والیه  
 فیصرا ای اخذ الوعدہ فی کفینہ  
 فی صلیب ابن عمر کن  
 استعمل فی قول ابن  
 حضرت ابن عمر  
 اعطی فی صلیبک الذنوب فیما عطاها لی  
 وجوب بان منی قولہ عطاها لی  
 انعم لکم بک عطاها علی العبد  
 اسم العبد فیما تحقق وقولہ وکول  
 اعطاء علی الصلوة والسلام فی سبحان  
 اولاد فی حضرت علی واثنا فی سبحان  
 ولدہ وکول انما عطاها لی  
 ذاک قال السلام فیما عطاها لی  
 صلیب ابن عمر  
 علی بنی  
 علی بنی  
 علی بنی

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعل ویدیم قد دله من  
 فیضه ای اخذ الوعد من فیضه  
 استعمل فی قول این

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعل ویدیم قد دله من  
 فیضه ای اخذ الوعد من فیضه  
 استعمل فی قول این

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعل ویدیم قد دله من  
 فیضه ای اخذ الوعد من فیضه  
 استعمل فی قول این

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 صلوات علیہ وسلم المشقة فی  
 وصول علی الصلوة والتمیزه قبل  
 غلا وعل ویدیم قد دله من  
 فیضه ای اخذ الوعد من فیضه  
 استعمل فی قول این

۱۴  
 من حضرت وکان ایندوشتا علی بنی  
 علی اند علی و سلم الشقة فی  
 وصوله فبادر الی الخیرة فی  
 فلاحه علی الصلوة والسلام  
 حضرت قائم بهیم قدومه فی  
 فیضه ای اخذ الودعه فی کفیه  
 استغنی عن قول ابن  
 حضرت ابن عمر  
 اعطی فی حبسک الذی فیها عطاء  
 وحبیب بان منته قوله عطاء  
 انتم لم تبالک فاطی علی العدة  
 اسم العطیة فی تحقیق وقوعه و  
 اعطاء علی الصلوة والسلام  
 اولاً فی حضرته و الا فی اسبواب  
 ولده و فی ان سبیل الحاکم فی  
 ذاک قال السلامه فی سلطان فی  
 شیخ النجاشی و فی الحریث و  
 علی بن النعمان علی بن عبد  
 علی بن النعمان و فی الحریث و

سنة ثمان

قال الامام ابو جعفر عليه السلام في كتابه في بيان فضائل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

عن الصادق عليه السلام في كتابه في بيان فضائل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

عن الصادق عليه السلام في كتابه في بيان فضائل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

عن الصادق عليه السلام في كتابه في بيان فضائل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

اللهم اهدنا دوسا وآيت محمد روات البخاري في

صحيحه في كتاب المغازي في باب قصته دوس

والطفيل بن عمرو والد دوسي وعنه انه سمع رسول الله

خبره الله عليه وسلم يقول انما مثلي ومثل النصارى

كمثل رجل استوقد نارا فقام اخذها ما حوله

جعل الفراش وطينه الذي واكب التي تقع في النار

يقعن فيها وجعل ينزعهم ويغليهن فيقتعن فيها

فانا اخذن نحن كمن النار وهم يقتعنون فيها رواه

البخاري في صحيحه في كتاب الرقاق في باب

الايمان عن المعاصي ورواه مسامعنا في

الاعتناء عن المعاصي

عن الصادق عليه السلام في كتابه في بيان فضائل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

عن الصادق عليه السلام في كتابه في بيان فضائل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

عن الصادق عليه السلام في كتابه في بيان فضائل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

عن الصادق عليه السلام في كتابه في بيان فضائل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

ولفظ من  
 الاقام كما ان المسلمون قد  
 كان فخرهم من فخره انهم قد  
 الاستقامة والاشفاق و  
 والافضل ليلها جوده سبيلها  
 فذلكم القدر الذي سببها  
 الامه وبقوا بها بسببها  
 مع ذلك علمهم جميع  
 سفوفه فخره الاستقامة مثل ما  
 من الامم من الملوك كماله على الجوده  
 صاحب الذي كان من موسى  
 انشئ في قوله تعالى في حق  
 انما اولي في الدنيا والاخره  
 اناس منكم من انفسهم لان  
 وقال بعض الحكماء انما كان  
 والمسلم اولى بهم من انفسهم لان  
 تعويهم الى البلاك وهو يعويهم  
 انما قال ابن عطيه ولو سلمه قوله  
 الماد واهم ففهمون فماد يترتب  
 على كونه اولى بهم من انفسهم فترتب  
 عليهم انما رطاه على شواهد انفسهم  
 وان شئ ذلك عليهم وان يكونه  
 النعمان ففهم انفسهم ومن قال  
 الصلوة والسلام على النبي صلى الله عليه وسلم

**صَحِيحُهُ فِي كِتَابِ الْفَضَائِلِ وَفِي اخِرِ التَّوَايِئِ**  
 ودر آخر روایت مسلم است  
**فَاَنَا اخَذُ مِنْكُمْ عَنِ النَّارِ هَلُمَّ عَنِ النَّارِ هَلُمَّ عَنِ**  
 پس من می گیرم  
**النَّارِ مَغْلُوبِي وَتَقْتُمُونَ فِيهَا وَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ**  
 از آن  
**أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ**  
 که بر آینه پیوسته  
**إِلَّا وَأَنَا أَوَّلِي بِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَقْرَبُ إِلَى شَيْئَةٍ**  
 مگر حال اینست که من نزدیک تر بودم در دنیا و آخرت  
**إِلَى النَّبِيِّ أَوَّلِي بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَأَيُّكُمْ مِنْ**  
 بنی منزه از غر است مسلمانان از نفسهای ایشان پس هر مسلمان  
**مَاتَ وَتَرَكَ مَالًا فَلِرَّثَّةٍ عَصَبَتُهُ مِنْ كَانُوا**  
 که بمرد و بگذارد مال را پس باید که وارث بشوند عصبه و کسی که با ششند  
**مَنْ تَرَكَ دِينًا أَوْ ضَيَاعًا فَلِي أَنْفِي فَأَنَا مَوْكَلٌ بِرَوَاةٍ**  
 هر که بگذارد دین را یا ضیاع را پس باید که بیاورد آن نفس ترا پس من را و ایتم روایت کرد  
**الْبَخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي بَابِ الصَّوَابَةِ عَلَى مَنْ تَرَكَ**  
 بخاری در صحیح بخاری در باب نماز  
**دِينًا مِنْ كِتَابِ الْأَسْتِقْرَاضِ وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ**  
 در روایت کرد این حدیث را که مدعی

۱۴۱  
 احکم حق که از صاحب این  
 من نفس و دل و آفتاب و استقامت  
 بعضی من انما انزل الله على الصلوة والسلام  
 ان ياخذ العلم والادب والاحسان والعدل  
 العلم والادب والاحسان والعدل  
 السلام والادب والاحسان والعدل  
 فيكون كجنته بجهنم صلوات الله  
 سلامه عليه و آله و صلواته على الصلوة  
 والسلام على من لا ينقطع  
 التبريد من نفسه و ذنبه و انفسه  
 والسلام على من لا ينقطع  
 والسلام على من لا ينقطع  
 والسلام على من لا ينقطع

ودر این حدیث که در کتاب الاستقراض است و روایت کرده است ترمذی  
 و در این حدیث که در کتاب الاستقراض است و روایت کرده است ترمذی  
 و در این حدیث که در کتاب الاستقراض است و روایت کرده است ترمذی  
 و در این حدیث که در کتاب الاستقراض است و روایت کرده است ترمذی

٤٠  
 المجلس  
 الكاف  
 العدد  
 المجلد  
 المجلد  
 المجلد  
 المجلد  
 المجلد

[illegible]



**فِي بَابِ الدُّعَاءِ بِالْجِهَادِ وَالشَّهَادَةِ لِلْوَجَالِ وَالنِّسَاءِ**  
 در باب بیان دعا جهاد و شهادت برای مردان و زنان  
**وَرَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ بِمَعْنَاهُ فِي سُنَنِهِ فِي كِتَابِ الْجِهَادِ**  
 و روایت کرده این حدیث را ابو داود بمعنیش در سنن او در کتاب جهاد  
**وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ**  
 و روایت است از عبد الله بن عمرو بن العاص که هر آینه پیغمبر علیه السلام  
**عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَدَا قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى فِي إِبْرَاهِيمَ رَبِّ**  
 تلاوت کرد قول خدا را در حال حکایت قول پرسمان او در روزگار  
**إِيمَانٍ أَضَلَكُنْ كَثِيرًا قَبْلَ أَنْ تَجْعَلَ فَإِنَّهُ**  
 این بیان گمراه کردند بسیاری را از آدمیان پیش تنفیکه پیر و جوان را پس پراکنده  
**مِنِي الْآلَةِ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ تَعَدِّيَهُمْ**  
 از منست تا آخرت و گفت علیه السلام اگر عذاب کنی ایشان را  
**فَأَيْدِي عِبَادِهِ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ**  
 پس ایشان بنده گان تو اند و اگر بیامیزی ایشان را پس تو  
**الْحَكِيمُ فَرَفَعَ يَدَيْهِ وَقَالَ اللَّهُمَّ أُمِّتِي وَبَنِي**  
 پس بالا برداشت آغوش هر دوست خود را و گفت ای خدا یا مرامت مراست مرا بزرگوار  
**فَقَالَ اللَّهُ يَا جَبْرِيلُ اذْهَبْ إِلَى مُحَمَّدٍ وَرَبِّكَ أَعْلَمُ**  
 پس گفت خدا تعالی ای جبرئیل برو سوی محمد و پروردگار تو دانای تر است  
**فَأَسْأَلُهُ مَا يَبْكِيكَ فَاتَاهُ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ**  
 پس پرسش نمود از او چه چیز در گریه آورد ترا پس آمد جبرئیل علیه السلام

دار الدنيا لا يعلم  
يا يكون منك في الآخرة  
وقال الرجل النفس عبارة  
عن حياة الشيء وحقيقته  
يقول تاجي ما علم من  
صحيحه أرى ولا أعلم حقيقة  
أمرك لأنك أنت علام الغيوب  
يا كان ويكون في الخلق  
مسالم التسليم وقولنا  
حلاية عن قول علي عليه  
السلام ما كنا نعلم لكم  
ما كنا نعلمكم إلا ما

[illegible]

١٠٠  
 ١٠١  
 ١٠٢  
 ١٠٣  
 ١٠٤  
 ١٠٥  
 ١٠٦  
 ١٠٧  
 ١٠٨  
 ١٠٩  
 ١١٠  
 ١١١  
 ١١٢  
 ١١٣  
 ١١٤  
 ١١٥  
 ١١٦  
 ١١٧  
 ١١٨  
 ١١٩  
 ١٢٠  
 ١٢١  
 ١٢٢  
 ١٢٣  
 ١٢٤  
 ١٢٥  
 ١٢٦  
 ١٢٧  
 ١٢٨  
 ١٢٩  
 ١٣٠  
 ١٣١  
 ١٣٢  
 ١٣٣  
 ١٣٤  
 ١٣٥  
 ١٣٦  
 ١٣٧  
 ١٣٨  
 ١٣٩  
 ١٤٠  
 ١٤١  
 ١٤٢  
 ١٤٣  
 ١٤٤  
 ١٤٥  
 ١٤٦  
 ١٤٧  
 ١٤٨  
 ١٤٩  
 ١٥٠  
 ١٥١  
 ١٥٢  
 ١٥٣  
 ١٥٤  
 ١٥٥  
 ١٥٦  
 ١٥٧  
 ١٥٨  
 ١٥٩  
 ١٦٠  
 ١٦١  
 ١٦٢  
 ١٦٣  
 ١٦٤  
 ١٦٥  
 ١٦٦  
 ١٦٧  
 ١٦٨  
 ١٦٩  
 ١٧٠  
 ١٧١  
 ١٧٢  
 ١٧٣  
 ١٧٤  
 ١٧٥  
 ١٧٦  
 ١٧٧  
 ١٧٨  
 ١٧٩  
 ١٨٠  
 ١٨١  
 ١٨٢  
 ١٨٣  
 ١٨٤  
 ١٨٥  
 ١٨٦  
 ١٨٧  
 ١٨٨  
 ١٨٩  
 ١٩٠  
 ١٩١  
 ١٩٢  
 ١٩٣  
 ١٩٤  
 ١٩٥  
 ١٩٦  
 ١٩٧  
 ١٩٨  
 ١٩٩  
 ٢٠٠  
 ٢٠١  
 ٢٠٢  
 ٢٠٣  
 ٢٠٤  
 ٢٠٥  
 ٢٠٦  
 ٢٠٧  
 ٢٠٨  
 ٢٠٩  
 ٢١٠  
 ٢١١  
 ٢١٢  
 ٢١٣  
 ٢١٤  
 ٢١٥  
 ٢١٦  
 ٢١٧  
 ٢١٨  
 ٢١٩  
 ٢٢٠  
 ٢٢١  
 ٢٢٢  
 ٢٢٣  
 ٢٢٤  
 ٢٢٥  
 ٢٢٦  
 ٢٢٧  
 ٢٢٨  
 ٢٢٩  
 ٢٣٠  
 ٢٣١  
 ٢٣٢  
 ٢٣٣  
 ٢٣٤  
 ٢٣٥  
 ٢٣٦  
 ٢٣٧  
 ٢٣٨  
 ٢٣٩  
 ٢٤٠  
 ٢٤١  
 ٢٤٢  
 ٢٤٣  
 ٢٤٤  
 ٢٤٥  
 ٢٤٦  
 ٢٤٧  
 ٢٤٨  
 ٢٤٩  
 ٢٥٠  
 ٢٥١  
 ٢٥٢  
 ٢٥٣  
 ٢٥٤  
 ٢٥٥  
 ٢٥٦  
 ٢٥٧  
 ٢٥٨  
 ٢٥٩  
 ٢٦٠  
 ٢٦١  
 ٢٦٢  
 ٢٦٣  
 ٢٦٤  
 ٢٦٥  
 ٢٦٦  
 ٢٦٧  
 ٢٦٨  
 ٢٦٩  
 ٢٧٠  
 ٢٧١  
 ٢٧٢  
 ٢٧٣  
 ٢٧٤  
 ٢٧٥  
 ٢٧٦  
 ٢٧٧  
 ٢٧٨  
 ٢٧٩  
 ٢٨٠  
 ٢٨١  
 ٢٨٢  
 ٢٨٣  
 ٢٨٤  
 ٢٨٥  
 ٢٨٦  
 ٢٨٧  
 ٢٨٨  
 ٢٨٩  
 ٢٩٠  
 ٢٩١  
 ٢٩٢  
 ٢٩٣  
 ٢٩٤  
 ٢٩٥  
 ٢٩٦  
 ٢٩٧  
 ٢٩٨  
 ٢٩٩  
 ٣٠٠  
 ٣٠١  
 ٣٠٢  
 ٣٠٣  
 ٣٠٤  
 ٣٠٥  
 ٣٠٦  
 ٣٠٧  
 ٣٠٨  
 ٣٠٩  
 ٣١٠  
 ٣١١  
 ٣١٢  
 ٣١٣  
 ٣١٤  
 ٣١٥  
 ٣١٦  
 ٣١٧  
 ٣١٨  
 ٣١٩  
 ٣٢٠  
 ٣٢١  
 ٣٢٢  
 ٣٢٣  
 ٣٢٤  
 ٣٢٥  
 ٣٢٦  
 ٣٢٧  
 ٣٢٨  
 ٣٢٩  
 ٣٣٠  
 ٣٣١  
 ٣٣٢  
 ٣٣٣  
 ٣٣٤  
 ٣٣٥  
 ٣٣٦  
 ٣٣٧  
 ٣٣٨  
 ٣٣٩  
 ٣٤٠  
 ٣٤١  
 ٣٤٢  
 ٣٤٣  
 ٣٤٤  
 ٣٤٥  
 ٣٤٦  
 ٣٤٧  
 ٣٤٨  
 ٣٤٩  
 ٣٥٠  
 ٣٥١  
 ٣٥٢  
 ٣٥٣  
 ٣٥٤  
 ٣٥٥  
 ٣٥٦  
 ٣٥٧  
 ٣٥٨  
 ٣٥٩  
 ٣٦٠  
 ٣٦١  
 ٣٦٢  
 ٣٦٣  
 ٣٦٤  
 ٣٦٥  
 ٣٦٦  
 ٣٦٧  
 ٣٦٨  
 ٣٦٩  
 ٣٧٠  
 ٣٧١  
 ٣٧٢  
 ٣٧٣  
 ٣٧٤  
 ٣٧٥  
 ٣٧٦  
 ٣٧٧  
 ٣٧٨  
 ٣٧٩  
 ٣٨٠  
 ٣٨١  
 ٣٨٢  
 ٣٨٣  
 ٣٨٤  
 ٣٨٥  
 ٣٨٦  
 ٣٨٧  
 ٣٨٨  
 ٣٨٩  
 ٣٩٠  
 ٣٩١  
 ٣٩٢  
 ٣٩٣  
 ٣٩٤  
 ٣٩٥  
 ٣٩٦  
 ٣٩٧  
 ٣٩٨  
 ٣٩٩  
 ٤٠٠  
 ٤٠١  
 ٤٠٢  
 ٤٠٣  
 ٤٠٤  
 ٤٠٥  
 ٤٠٦  
 ٤٠٧  
 ٤٠٨  
 ٤٠٩  
 ٤١٠  
 ٤١١  
 ٤١٢  
 ٤١٣  
 ٤١٤  
 ٤١٥  
 ٤١٦  
 ٤١٧  
 ٤١٨  
 ٤١٩  
 ٤٢٠  
 ٤٢١  
 ٤٢٢  
 ٤٢٣  
 ٤٢٤  
 ٤٢٥  
 ٤٢٦  
 ٤٢٧  
 ٤٢٨  
 ٤٢٩  
 ٤٣٠  
 ٤٣١  
 ٤٣٢  
 ٤٣٣  
 ٤٣٤  
 ٤٣٥  
 ٤٣٦  
 ٤٣٧  
 ٤٣٨  
 ٤٣٩  
 ٤٤٠  
 ٤٤١  
 ٤٤٢  
 ٤٤٣  
 ٤٤٤  
 ٤٤٥  
 ٤٤٦  
 ٤٤٧  
 ٤٤٨  
 ٤٤٩  
 ٤٥٠  
 ٤٥١  
 ٤٥٢  
 ٤٥٣  
 ٤٥٤  
 ٤٥٥  
 ٤٥٦  
 ٤٥٧  
 ٤٥٨  
 ٤٥٩  
 ٤٦٠  
 ٤٦١  
 ٤٦٢  
 ٤٦٣  
 ٤٦٤  
 ٤٦٥  
 ٤٦٦  
 ٤٦٧  
 ٤٦٨  
 ٤٦٩  
 ٤٧٠  
 ٤٧١

۹  
 و ان لم يكن جدي ولا نوري اذ  
 لا محالة قوله انك قلت انك  
 هذا السؤال بعينه علم الله  
 عيسى عليه السلام ان  
 قوله وتعلم ان هذا السؤال  
 لا محالة انك قلت انك قلت  
 واستفهام الاستفهام لا  
 او اداسه وعمل ان الاستفهام  
 السلام على نفسه بالجدوة  
 منه وانه قد علم ان الاستفهام  
 انما هو على نفسه بالجدوة  
 انما هو على نفسه بالجدوة

[illegible]

فِي بَابِ الدُّعَاءِ بِالْجِهَادِ وَالشَّهَادَةِ لِلْوَجَّالِ وَالنَّسَاءِ  
 در باب بیان دعا و جهاد و شهادت برای مردان و زنان  
 وَرَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَبُيُحْتَمَلُ فِي سُنَنِهِ فِي كِتَابِ الْجِهَادِ  
 و روایت کرد این حدیث را ابو داود و یحتمل در سنن او در کتاب جهاد  
 وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ  
 روایت است از عبد الله بن عمرو بن عاص که هر یک از پیغمبر صلی الله  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَلَا قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى فِي إِبْرَاهِيمَ رَبِّ  
 علیه و سلم تلاوت کرد قول خدا تعالی را در حال حکایت قول پرسم ای پروردگار  
 إِنِّمِنْ أَضْلَلَنِي كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ مَن تَبِعَنِي فَإِنَّهُ  
 این بیان گمراه کردند بسیاری را از آدمیان پس شنیدم پیرو من کنند راهی را بگردانند  
 مِنِّي أَكَلَةٌ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ تَعَذُّبَهُمْ  
 از عنت تا آخرت و گفت علیه السلام اگر عذاب کنی ایشان را  
 فَإِنَّهُ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ  
 پس ایشان بنده گان تو اند و اگر بیاغری ایشان را پس تو  
 الْحَكِيمُ وَفَرَّقَ يَدَيْهِ وَقَالَ اللَّهُمَّ امْنَحْ أُمَّتِي وَكَلِي  
 و دانم پس بالا برداشت آنحضرت هر دو دست خود را و گفت ای خدا بیاغری مرا امت مرا و کاتب مرا  
 فَقَالَ اللَّهُ يَا جِبْرِيلُ اذْهَبْ إِلَى مُحَمَّدٍ وَرَبِّكَ أَعْلَمُ  
 پس گفت خدا تعالی ای جبرئیل برو سوی محمد و پروردگار تو دانای تر است  
 فَاسْأَلْهُ مَا يَسْئَلُكَ فَأَتَاهُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 پس پرسش نمود از او چه چیز در گنج او در را پس آمد و آنحضرت جبرئیل علیه السلام

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱



[illegible]





وہی پختہ ہے۔ وہی روح خداست و کلی خداست۔ ہر ہی پختہ ہے۔

[illegible]

وَأَدَمُ اصْطَفَا اللَّهُ تَعَالَى وَهُوَ كَذَلِكَ أَوَّلُ وَأَنَا حَبِيبُ اللَّهِ

و آدم برگزیده کرد و او را خدا تالاس و در پی چنین است خبر دار باشید من حبیب خدا ام

وَأَخْرَجَ وَأَنَا حَامِلٌ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ أَمَّا آدَمُ

و تازیت و من بردارنده نیزه محمد ام روز قیامت زیر آن نیزه آدم نوا بود

فَمِنْ دُونِهِ وَلَا خَيْرَ نَوْمٍ أَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفِّعٍ

و نه سوا ی او و تازیت و من اول شفاعت کننده و اول شفاعت قبول کرده شایسته

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا خَيْرَ نَوْمٍ أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُخْرِجُنِي لِيُخْلِقَ الْجَنَّةَ

و تازیت و من اول شخصی ام که حرکت خواهد داد و خلقه ای در جنت را

وَأَخْرَجَ فَيَقْتُلُ اللَّهُ فَيْدُ خَائِبَتَهَا وَمَعِيَ فَقَرَأَ الْمُؤْمِنِينَ

و تازیت پس کشاده خواهد کرد و خدا اول خواهد کرد و مرا در آن نیست و حالیکه همراه من فقره مؤمنان

وَأَخْرَجَ وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَخْرُجُ عَلَى اللَّهِ وَلَا خَيْرَ نَوْمٍ

و تازیت و من بزرگترین پیش رفتگان و پس آیند گانم نزد خدا و تازیت ناز

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ فِي أَوَّلِ سُنَنِهِ فِي بَابِ مَا أُعْطِيَ النَّبِيُّ

و روایت کرده این حدیث را دارمی در شروع سنن داری در باب بیان چیزی که داده شد به پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْفَضْلِ وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

صلی الله علیه وسلم از بزرگوار و روایت کرده این حدیث را ترمذی

### فِي جَامِعِهِ فِي أَبْوَابِ الْمَنَاقِبِ

در جامع ترمذی در ابواب المناقب

الْبَابُ الثَّالِثُ فِي أَكْوَامِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

باب سوم در بیان اکرام پیغمبر صلی الله علیه وسلم

مولا قالی بلی ایسی  
الانقا



[illegible][illegible]

17



وَمَعَهُ دَجُلَانِ يُقَاتِلَانِ عَنْهُ عَلَيْهِمَا ثِيَابٌ بَيْضٌ كَالْثَلَجِ  
وهمراه آنحضرت دو مرد بود جنگی کردند از جانب آنحضرت بران دو مرد با جامی سفید بودند  
الْفِتَالِ مَا رَأَيْتُهَا قَبْلُ وَلَا بَعْدُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ  
جنگ ندیدم آن مرد را قبل و نه بعد روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری  
فِي كِتَابِ الْخَارِجِيِّ فِي بَابِ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ  
در کتاب الخارژی در باب از همت طائفتان مسلم  
تَزِيدَا وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ مِمَّنْ عَنَّا فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْفَضَائِلِ  
نزداد روایت کرد این حدیث را مسلم مِمَّنْ عَنَّا در صحیح مسلم در کتاب الفضائل  
فِي بَابِ إِذَا مَرَّ بِقِتَالِ الْمَلَائِكَةِ مَعَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
در باب اگر آنحضرت بگذر از کردن فرشتگان از کفایت همراه آنحضرت صلوات الله علیه  
وَسَلَّمَ وَرَوَى مُسْلِمٌ بِإِسْنَادٍ آخَرَ فِي الْبَابِ  
و روایت کرد مسلم با سند دیگر در باب  
الْمَذْكُورِ عَنْهُ قَالَ رَأَيْتُ عَنْ مَبِينٍ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
نموده از آن معذ که گفت دیدم از راست مبین رسول الله صلوات الله  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَنْ شِمَالِهِ يَوْمَ أُحُدٍ جُلَيْنِ عَلَيْهِمَا  
علیه وسلم و از چپ وی بود واقعه احد دو مرد را بران دو مرد  
ثِيَابٌ بَيْضٌ مَا رَأَيْتُهَا قَبْلُ وَلَا بَعْدُ يَعْنِي جَبْرِئِيلَ  
جامی سفید بودند ندیدم آن مرد را قبل و نه بعد یعنی جبرئیل  
وَمِيكَائِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ  
و میکائیل علیهما السلام

[illegible]

وَالنَّبِيُّ فَلَمْ يَزَلْ يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ  
وَاللَّهُ يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ

وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِرَأْسِ الْدَّارِ فِي أَوَّلِ سُنَّتِهِ وَآخِرِهَا

الجزء مني كذا في مشكوة المصابيح في باب المحربات  
 چنین است در مشكوة المصابيح در باب محربات

وَمَكَنَ كَيْسِيُّ بْنُ هُرَيْرَةَ الثَّقَفِيَّ قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ رَأَيْتُهَا

وَمِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَنَا خُنْ

سید کریم سر او آنحضرت را که در کریم بشری کتاب کشیده میشد بروی پس و میگردید آنحضرت را

البیاض جحر فوضع جرانہ فوق علیہ الیہ  
شتر آورد کرد پس ناد شتر گردن خود را پس ایستاد  
نزد وی پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ ابْنُ صَاحِبِ هَذَا  
 صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس گفت آنحضرت مجاہد صاحب این

البیاض فیحاء لا فقال یغنیه فقال بل تمیه لك  
شتر ہیں آدم صاحب شتر نزد آنحضرت ہیں گفت آنحضرت ایزدش این شتر را این میں گفت صاحب شتر

يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنَّ لَهَا لَهْلَ بَيْتٍ مَا لَكُمْ مَعِيشَةً

والجہ کہ جو اس سے پہلے تھا وہ اس سے زیادہ ہے

ومن الظاهر ان جميع ما قلناه لا ينافي مع ما قلناه في كتابنا

کتاب فی علم غایتی بین ان ارباب

لَا يَخْشَى الْإِنْسَانُ عَذَابَ النَّارِ

۱۱

ولان ما في الاسلام

يحيى الله تعالى روحه

وَمَا يَكْفُرُ الْإِنْسَانُ لِرَبِّهِ  
لَمَّا رَأَىٰ الْآيَاتِ

[illegible]

الكلوي

۱۳

24

عَبْرُهُ قَالَ أَمَا إِذْ ذَكَرْتُ هَذَا مِنْ أَمْرِ قَائِلِهِ تَشْكُرُ كَثْرَةً  
سواي این شکر گفت آنحضرت لیکن برگاه و نو ذکر کردی این حال را از امر این شکر پس بر آید این شکر کرد  
وَقِيلَ الْعَلَفُ فَاحْسِنُوا إِلَيْهِ ثُمَّ سِرْنَا حَتَّى زَلَمْنَا مَرْكَبَهُ  
وکی خوش پس نکوئی کنید بدو گفت یعلی بن مره پسر سیر کردیم تا که فرود آمدیم بر سر  
فَتَأَمَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَاءَتْ شَجَرَةٌ تَشُقُّ  
پس نرفت پیغمبر صلی الله علیه و سلم پس آمد درختی در حالیکه می شکافت  
الْأَرْضَ حَتَّى غَشِيَتْهُ ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى مَكَانِهَا فَآمَنَّا  
زمین را تا آنکه پوشید گرد آن درخت آنحضرت پس باز برگشت بسوی پای خود پس چون  
اسْتَيْقِظَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرْتُ  
بیدار شد پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم و ذکر کردم  
لَهُ فَقَالَ هِيَ شَجَرَةٌ اسْتَأْذَنْتُ رَجُلًا فِي أَنْ يَسْلُمَ عَلَيْهِ  
از آنحضرت آن واقعه پس گفت آنوقت این در حقیقت که اذن طلب کرد از پدر و دو کار خود و بیا امر که سلام کند  
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَذِنَ لَهَا قَالَ  
پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم پس دستور داد و خدا آن درخت را گفت  
ثُمَّ سِرْنَا فَمَرَرْنَا بِمَاءٍ فَأَتَتْهُ أَمْرًا فَأَبْنَى كَهَابَهُ حَتَّى  
یعلی بن مره پسر سیر کردیم پس گذر کردیم بآبی پس آمد نزد آنحضرت نزدی با پسر عیال که از آن زن بود و بان پسر  
فَأَخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَنْحَرِهَا ثُمَّ قَالَ  
پس گرفت پیغمبر صلی الله علیه و سلم سوراخ بینی آن پسر را پس گفت  
اُخْرِجْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ثُمَّ سِرْنَا فَلَمَّا رَجَعْنَا  
خارج شو پس بر آید من محمد پیغمبر خدا ام پسر سیر کردیم پس برگاه بر گشتیم





حَدَّثَنِي قُلْتُ نَعَمْ قَالَ مَا حَاجَّتْكَ غَفْرَ اللَّهِ لَكَ وَلِأَمْرِكَ

خزیده است گفتم ار می گفت آنحضرت چه بخت حاجت تو بیامرزده را تو و مادر ترا

قَالَ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ لَمْ يُنْزَلْ إِلَّا رِضًا قَطُّ قَبْلَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ

گفت آنحضرت هر گز این فرشته است نازل نشده است ازین راه که قبل ازین طلب

اسْتَأْذَنَ رَبَّهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَيَّ وَيُنَبِّئَنِي بِأَنْ فَاطِمَةَ

اذن طلب کردم از پروردگار خود اینکه سلام کند بر من و خبر خوش دهد مرا فاطمه

سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا

سرور زنان اهل جنت است و اینکه الحسن و حسین رزم سرداران

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي جَامِعِهِ فِي الْإِبْرَةِ

جوانان اهل بهشت اند روایت کرد این حدیث را ترمذی در جامع ترمذی در ابواب

النَّقَائِبِ وَقَالَ هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ

النقائب وگفت ترمذی این حدیث حسن غریب است ازین وجه

لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا مِنْ حَدِيثِ إِسْرَائِيلَ وَعَنْ نُبَيْهِ بْنِ وَهْبٍ

نمی شناسم این حدیث را مگر از حدیث اسرائیل و روایت است از نبیه بن وهب

أَنَّ كَعْبًا دَخَلَ عَلَى عَائِشَةَ فَذَكَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

که کعبه کعب در آمد نزد عائشه و پس ذکر کردند پیغمبر خدا صلی الله

تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ كَعْبٌ مَا مِنْ يَوْمٍ يُطْلَعُ إِلَّا تَرَى

تعالی علیه و سلم را پس گفت کعب نیست از صبح روزی که طلوع می کند مگر ترا می

سَبَّحُونَ الْفَاطِمَةَ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يَخْفُوا بِقَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ

پشتند و بزرگوار از فرشتگان تا آنکه گردد می آیند بقبر پیغمبر صلی الله

۳۳

تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَضْرِبُونَ بِأَجْنَتِهِمْ وَيُصَلُّونَ عَلَيْهِ

تعالی علیه وسلم می زنند بازوهای خود را در دود فرستند بر

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى إِذَا امْسَوْا

پیغمبر خدا صلوات الله تعالی علیه وسلم تا آنکه هرگاه شبانگاه می کنند

عَرَجُوا وَهَبَطَ مِثْلَهُمْ فَصَنَعُوا مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى إِذَا اشْرَقَتِ

بالا می روند و فرود می آیند مثل آن فرشتگان پس می کنند این فرشتگان دیگر مانند آن فرشتگان سابق

عَنْهُ الْأَرْضُ خَرَجَ فِي سَبْعِينَ الْفَأَمِنْ الْمَلَائِكَةِ نَزَفُوا

از آنکه زمین خارج خواهد شد از حضرت در هفتاد هزار فرشتگان در حالیکه خدا بندگان را

سَرَّاءَ الدَّارِ فِي أَوَّلِ سُنَّتِهِ فِي بَابِ مَا أَلَمَّ اللَّهُ

روایت کرد این حدیث را در امری در شروع سنن داری در باب چیزیکه اگر کسی که خدا را

نَبِيَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ مَوْتِهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

پیغمبر خدا صلوات الله علیه وسلم بعد موت آن پیغمبر روایت است از ابی هریره

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ صَلَّى

که هر آنکه پیغمبر خدا صلوات الله علیه وسلم گفت کسیکه در دود فرستد

عَلَى وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا سَرَّاءَ الدَّارِ مُسْلِمًا فِي

بر سر یکبار در دود فرستد خدا بر وی ده بار روایت کرد این حدیث را بسم در

صَلَاتِهِ فِي كِتَابِ الصَّلَاةِ فِي بَابِ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ

در کتاب الصلوة در باب در دود فرستادن بر پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ الشَّهَادَةِ وَرَوَاهُ الدَّارُ

صلوات الله علیه وسلم بعد تشهد روایت کرد این حدیث را در امری

الحق فواته على ما كان عليه  
قال القاضي عياض في النور في شرح  
عشر اشراقات من جليل  
الشيخ بكون الصلوة  
في جهاد ظاهرها بالشرع  
لكن الصلاة في كتاب الحديث  
ولا ذكره في كتاب الحديث  
ولا غير من انتهى  
١٢ ١١ ١٠ ٩ ٨ ٧ ٦ ٥ ٤ ٣ ٢ ١

فِي سُنَنِهِ فِي كِتَابِ الْإِقَاقِ فِي بَابِ فَضْلِ الصَّلَاةِ عَلَى

در سنن دارمی در کتاب الرقاق در باب فضیلت صلاوة

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَنْ أَبِي مَكْلَمَةَ أَنَّ

پیغمبر صلی الله علیه وسلم روایت است از ابی مکلّمه

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَ ذَاتَ يَوْمٍ

پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد

وَالْبُشَيْرِيُّ يُرِي فِي وَجْهِهِ فَقَالَ إِنَّهُ جَاءَنِي جِبْرِيلُ

و خوشحال دیده میشد در روی آنحضرت پس گفت آنحضرت مرا آیدین نشان اینست که آمد نزد من جبرئیل

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَمَا يُرْضِيكَ يَا مُحَمَّدُ

پیغمبر صلی الله علیه وسلم پس گفت جبرئیل آیا خوشنودن می سازد ترا یا محمد

أَنْ لَا يَصِلَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا صَلَّيْتُ

اینکه درود نفرستد بر تو هیچ کس از امت تو مگر صلاوة نفرستم

عَلَيْهِ عَشْرًا وَلَا يَسْلَمُ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ

بر آنکس ده بار و سلام نفرستد بر تو هیچ کس از امت تو

إِلَّا سَلَّمْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا رَوَاهُ الْإِسْنَائِيُّ فِي سُنَنِهِ فِي

مگر سلام بفرستم بر آنکس ده بار روایت کرد این حدیث را اسنائی در سنن اسنائی در

كِتَابِ الشُّهُوفِ فِي بَابِ الْفَضْلِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ

کتاب الشهووف در باب فضیلت در درود بر پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَوَاهُ الدَّارِمِيُّ فِي سُنَنِهِ

پیغمبر صلی الله علیه وسلم روایت کرد این حدیث را دارمی در سنن دارمی

فِي كِتَابِ الْيَسَاقِي وَلَفْظُهُ قَالَ جَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ أُحُدٍ وَهُوَ يُرَى الْبَشَرُ فِي وَجْهِهِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
 إِنَّ أَنْوَى فِي وَجْهِكَ بَشَرًا لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ قَالَ أَجَلٌ إِنَّ مَلَكَ  
 آدَمَ مِنْ بَنِي آدَمَ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ لَكَ أَمَّا بِضَيْكَ  
 أَنْ لَا يَصِلَ إِلَيَّ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ  
 عَشْرًا وَلَا يَسْلِمُ عَلَيْكَ إِلَّا سَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا قَالَ قُلْتُ  
 بَلَى وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَوةٍ وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ عَشْرًا وَهَؤُلَاءِ وَحُطَّتْ عَنْهُ عَشْرُ خَطِيئَاتٍ وَ  
 رُفِعَتْ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ فِي مُسْنَدِهِ

فِي كِتَابِ الرِّقَاقِ فِي بَابِ الْفَضْلِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ

در کتاب الرقاق در باب فضیلت در صلوة بر پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

صلی الله علیه وسلم روایت است از عبدالله بن مسعود

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَوَّلُ النَّاسِ

که بر آئینه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت نزدیکترین مردم

بِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَى صَلَاةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

بن روز قیامت زیاده ترین ایشان بر من از روی در داند روایت گردان حدیث را

فِي جَامِعِهِ فِي كِتَابِ الصَّلَاةِ فِي بَابِ مَا جَاءَ فِيهِ

در جامع ترمذی در کتاب الصلوة در باب چیزیکه آمد در

فَضْلِ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فضیلت صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم روایت است از

كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

کعب بن عجره اگر گفت گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَخْضَرُ وَالنَّبِيُّ أَحْضَرُ فَأَقْلَمًا أَرْتَقَى دَرَجَةً قَالَ أَمِينٌ

حاضر شود و تر دمنبر پس حاضر شدیم پس چون بر آمد آنحضرت بر یک پای برنگزنت آمین

فَلَمَّا أَرْتَقَى الدَّرَجَةَ الثَّانِيَةَ قَالَ أَمِينٌ فَلَمَّا أَرْتَقَى

پس چون بر آمد بر پایه دوم گفت آمین پس چون بر آمد آنحضرت

الدَّرَجَةَ الثَّالِثَةَ قَالَ أَمِينٌ فَلَمَّا نَزَلَ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ

بر پایه سوم گفت آمین پس چون فرود آمد آنحضرت گفت یا رسول الله



لَقَدْ سَمِعْتُ امِينَكَ الْيَوْمَ شَيْئًا مَا كُنَّا نَسْمَعُهُ قَالَ اَنْ جَبْرِئِيلُ  
 هر آنچه بتحقق شنیدیم از تو امروز سخنی را شنیدیم که شنیدیم آنرا گفت آنوقت بتحقیر جبرئیل  
 عَرْضَ لِي فَقَالَ بَعْدَ مَنْ اَدْرَكَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُفْقِرْ لَهُ  
 پیش آمد مرا پس گفت و در باد از غیر کسی که در یابد ماه رمضان را پس آنرا دیده شود و اگر کسی  
 قُلْتُ امِينٌ فَلَمَّا رَقِيتُ الثَّانِيَةَ قَالَ بَعْدَ مَنْ ذَكَرْتُ  
 گفتم امین پس برگاه بر آمدم بر پایه دوم گفت جبرئیل و در باد از غیر کسی که ذکر کرده  
 عِنْدَكَ فَاَمَّا يُصَلِّ عَلَيْكَ فَقُلْتُ امِينٌ فَلَمَّا رَقِيتُ  
 نزدی پس در دو نفر ستم بر تو پس گفتم امین پس برگاه بر آمدم  
 الثَّلَاثَةَ قَالَ بَعْدَ مَنْ اَدْرَكَ ابُو يَهْلِكَ الْكَبَرُ اَوْ اَحَدَهُمَا  
 بر پایه سوم گفت جبرئیل و در باد از غیر کسی که در یابد هر دو را که بزرگ سال اند یا در یابد  
 فَلَمْ يُدْرِكْ اَحَدَهُمَا فَقُلْتُ امِينٌ رَوَاهُ الْحَاكِمُ وَقَالَ  
 پس در نیافتد هر دو را و در یابد هیچکدام را گفتم امین روایت کرد این حدیث را حاکم و گفت  
 صَحِيحٌ لَا شَكَّ اَنَّ فِي التَّرْغِيبِ وَالتَّرْهِيْبِ لِلْحَافِظِ  
 صحیح الاستناد است بهین است در ترغیب و ترهیب مولف حافظ  
 عَبْدُ الْعَظِيمِ الْمُنْدَرِي فِي التَّرْغِيبِ فِي صِيَامِ رَمَضَانَ  
 عبد العظیم مندری در ترغیب در روزه ماه رمضان  
 اَحْسَبُ اَنَّ عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  
 خالصا لله روایت است از ابی هریره که گفت گفت بنابر خدا  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَى عِنْدِ قَابِرِي سَمِعْتُهُ  
 صلوات الله علیه و سلم کسی که در دو نفر ستم بر من نزد قبر من می خوانم در دوش

كتاب الترغيب والترهيب

وَمَنْ صَلَّى عَلَى نَائِبِ الْبَيْتِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعْبِ الْإِيمَانِ

وکیله

وکیله درود بفرستد بر بن از دور رسانیده شود درودش بر او ادبیت کرد این حدیث را بیهقی در شعب

وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در روایت است از آن الی هر چه گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را

يَقُولُ لَا تَجْعَلُوا بَيْوتَكُمْ قُبُورًا وَلَا تَجْعَلُوا قُبُورَكُمْ بَيْوتًا

که می گفت نگردانید خانه های خود را به چو قبر و نگردانید قبر مرا عید

وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُ سَرًّا وَاعْلَمًا

و درود فرستید بر من پس بر آئینده درود شما میرسد مرا هر جا که باشم در روایت کرد این

النَّسَائِيُّ كَذَا فِي مَشْكُوتِ الْمَصَائِبِ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ

نسائی چنین است در مشکوة المصابیح و روایت است از عبد الله که گفت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلَّهِ مَلَكَةً

گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر آئینده مر خدا را فرستاده اند

سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ يُبَلِّغُونِي مِنْ أُمَّتِي السَّلَامَ رَوَاهُ

رونده در زمین میرسانند مرا از امت من سلام رعایت کرد

النَّسَائِيُّ فِي سُنَنِهِ فِي كِتَابِ السَّهْوِ فِي بَابِ السَّلَامِ

نسائی در سنن نسائی در کتاب السهو در باب سلام فرستادن

عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَوَاهُ الدَّارِمِيُّ فِي

به پیغمبر صلی الله علیه وسلم در روایت کرد این حدیث را دارمی در

سُنَنِهِ فِي كِتَابِ الرَّقَاقِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ

سنن دارمی در کتاب الرقاق و روایت است از ابی هریره که گفت گفت

رسول الله

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ

پیشتر خدا صلوات الله علیه وسلم نیست هیچ یک که سلام بفرستد

عَلَى الْأَكْرَدَةِ اللَّهُ عَلَى رُوحِي حَتَّى أُرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ

برین اگر باز میفرستد خدا برین روح مرا تا آنکه روی کنم بر روی سلام را

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَهْيَظٍ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرَةِ

روایت کرد این حدیث را ابو داود و ابن مهیظ در دعوات کبیر در روایت است از

عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ إِنَّ الدُّعَاءَ

عمر بن خطاب رضی الله عنه گفت هر آینه دعا

مَوْقُوفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ شَيْءٌ

موقوف می باشد در میان آسمان و زمین بالائی رود از آن دعا چیزی نرسد

حَتَّى تُصَلِّيَ عَلَى نَبِيِّكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ كَذَا فِي

تا آنکه درود میفرستی بر پیغمبر خود روایت کرد این حدیث را ترمذی چنین است در

مَشْكُوتِ الْمَصَائِبِ وَعَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ

مشکوت المصائب در روایت است از فضاله بن عبید

قَالَ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا

گفت شنید پیغمبر خدا صلوات الله علیه وسلم مردی را

يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ كَمَا يُدْعَى اللَّهُ وَكَمَا يُصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ

که دعای کرد در نماز همچو آنکه خدا را و درود فرستاد بر پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

صلوات الله علیه وسلم پس گفت پیغمبر خدا صلوات الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَجَّلَتْ إِلَيْهَا الْمُرْسَلِي ثُمَّ عَلَيْهِمُ الرَّسُولُ

صلی اللہ علیہ وسلم جلت کردی ای مہلی پستہ تعلیم کر گسان را پیغمبر خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يُصَلِّيُ تَجْدُّهُ اللَّهُ تَعَالَى وَكَوْنَهُ

مردی را که نمازی گزارده پس بزرگی بیان کرد و در آن وقت طهارت و غسل

عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم اَدْعُ عَجَبٌ وَسَلَّ

سَوَاءُ النِّسَاءِ فِي سُنَنِهِ فِي بَابِ التَّحْيِيدِ وَالصَّلَاةِ

روایت کرد این حدیث را نشان داد سنن نشان در باب تجمید و صلوة  
عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الصَّلَاةِ

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ أَنَّهُ قَالَ رَأَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ

در روایت است از عبد الله بن دینار که برائینه او گفته دیدم  
 بَنُ عُمَرَ يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بِأَمْرِ الرَّسُولِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
فِي صَلَاتِي عَلَى النَّبِيِّ وَعَلَى آلِهِ وَوَحْشَتِي

دو ایکنه برائی ابو کرب و عمر

[illegible]



[illegible]

وَسَمِعْنَا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
دَسْمِ رَا فَرَسِدِ الدَّ تَعَالَى دَرَسُورَةُ بَقَرَةِ ۱۳

[illegible]

صلی اللہ علیہ وسلم کہ بیدون میشد پستتر بر جوی می کرد و ایالتان ششست

72

100

تغیاتی باغیچہ انڈین اسٹور  
لاٹری کے ذریعہ  
کامیابی

تقاضای بابت این  
لا نقد و ای لا نقد و ای  
حسب الوهم فی کل ما یکن  
نقد و ای لا نقد و ای

المقصود  
المقصود  
قدرة الجيش

ادخلان  
تلاوة  
بخط

اولا نقول

مجلس شورای اسلامی  
جمهوری اسلامی ایران

لقدوم من

في الاشارة

المستشرقين الذين  
الذين لا تقدر

ما نوعه  
بدرق المراكبي  
عليه

فقیہ ابن عیاض  
فی اصول الفقه

1

يَتَّخِذُونَ قَائِلَ اللَّهِ تَعَالَىٰ يَأْتِيهِمُ الَّذِينَ آمَنُوا

لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ بِالطَّعَامِ

غَيْرَ فَاضِلِينَ اِنَا اِلَى قَوْلِهِ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ قُضِيَ

وَقَامَ الْقَوْمُ مَسْرُوعًا بِنَجَارِي فِي

فِي كِتَابِ التَّفْسِيرِ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِرُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ

رسول الله ﷺ وَاتَّقُوا اللَّهَ مَا كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا يَا

الَّذِينَ آمَنُوا أَكْثَرُ أَعْدَاءَكُمْ فَوقَ صَوْتِ  
کسانیکہ ایمان آورده اید بلندکنید آوازهای خود را بالای

وَلَا يَجْعَلُ وَالَهُ الْقَوْلُ فِي بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ  
وَأَوْدَ بَلَدٌ كَوَيْدٌ بِأَوْدَ سَخِرَ

اعمالکم وانتم لا تشعرون ان الدين يعطى

من الذين جعلوا الله عضداً لهم في الدنيا والآخرة  
وقيل ان الحكماء هم الذين جعلوا الله عضداً لهم في الدنيا والآخرة  
وقيل ان الحكماء هم الذين جعلوا الله عضداً لهم في الدنيا والآخرة

والله في التقدير والقدر  
الذي لا يحد ولا يحد  
قاله البضاوي في تفسيره  
القول في تفسيره

الابن والابن والمسلم قال في معالم السنن

فمن بعد  
أحد من غنمه ولله  
كما ينادي بعضه بعضا  
أما لك في الخطب  
فإنه إن خطب  
أما لك في الخطب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين  
وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين

*(Faint handwritten text at the bottom of the page, likely bleed-through from the reverse side.)*

أَصْوَاتُهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أَوْ لِيَاكَ الَّذِينَ آمَنُوا اللَّهُ  
 قُلُوبُهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ إِنَّ  
 الَّذِينَ يَبْنِئُونَ دُونَكَ مِنْ قَرَارٍ أَجْرًا أَكْثَرُ هُمْ  
 لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَكَوَانَهُمْ صَبْرٌ وَاحٍ خُجْرُج  
 إِلَيْهِمْ كَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝  
 عَنْ نَافِعِ بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ قَالَ كَادَ  
 الْخَبْرَانِ يَهْلِكَا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرُ رَفَعَا أَصْوَاتَهُمَا عِنْدَ  
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ قَدِمَ عَلَيْهِ  
 رَكِبَ بَنِي تَيْمٍ فَأَشَارَ أَحَدُهُمَا بِالْأَقْرِعِ بْنِ حَاسٍ  
 أَخِي بَنِي جَحَاشٍ وَأَشَارَ الْآخَرُ بِرَجُلٍ آخَرَ قَالَ نَافِعٌ  
 وَأَشَارَتْ كَرْدٌ دُخْرٌ مِنْ بَرْدٍ وَبُرْدٍ دُخْرٌ مِنْ بَرْدٍ

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 قُلُوبُهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۝  
 الَّذِينَ يَبْنِئُونَ دُونَكَ مِنْ قَرَارٍ أَجْرًا أَكْثَرُ هُمْ  
 لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَكَوَانَهُمْ صَبْرٌ وَاحٍ خُجْرُج  
 إِلَيْهِمْ كَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝  
 عَنْ نَافِعِ بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ قَالَ كَادَ  
 الْخَبْرَانِ يَهْلِكَا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرُ رَفَعَا أَصْوَاتَهُمَا عِنْدَ  
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ قَدِمَ عَلَيْهِ  
 رَكِبَ بَنِي تَيْمٍ فَأَشَارَ أَحَدُهُمَا بِالْأَقْرِعِ بْنِ حَاسٍ  
 أَخِي بَنِي جَحَاشٍ وَأَشَارَ الْآخَرُ بِرَجُلٍ آخَرَ قَالَ نَافِعٌ  
 وَأَشَارَتْ كَرْدٌ دُخْرٌ مِنْ بَرْدٍ وَبُرْدٍ دُخْرٌ مِنْ بَرْدٍ

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 قُلُوبُهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۝  
 الَّذِينَ يَبْنِئُونَ دُونَكَ مِنْ قَرَارٍ أَجْرًا أَكْثَرُ هُمْ  
 لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَكَوَانَهُمْ صَبْرٌ وَاحٍ خُجْرُج  
 إِلَيْهِمْ كَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝  
 عَنْ نَافِعِ بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ قَالَ كَادَ  
 الْخَبْرَانِ يَهْلِكَا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرُ رَفَعَا أَصْوَاتَهُمَا عِنْدَ  
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ قَدِمَ عَلَيْهِ  
 رَكِبَ بَنِي تَيْمٍ فَأَشَارَ أَحَدُهُمَا بِالْأَقْرِعِ بْنِ حَاسٍ  
 أَخِي بَنِي جَحَاشٍ وَأَشَارَ الْآخَرُ بِرَجُلٍ آخَرَ قَالَ نَافِعٌ  
 وَأَشَارَتْ كَرْدٌ دُخْرٌ مِنْ بَرْدٍ وَبُرْدٍ دُخْرٌ مِنْ بَرْدٍ



[illegible]

١٥  
 بيشارة عتيقة قالوا اننا لموسى بن بيان  
 البشير والبشارة التامة من الله البشير  
 ما يظله البشير فيقولون اننا لموسى بن بيان  
 وقال في الصلح بنار فها هم والكر من زده  
 وباتح نادى من اهل البيت قال غلبنا زاده  
 اهل البيت زاده وروى احمد قال غلبنا زاده  
 بيشارة من اهل البيت بنار فها هم والكر من زاده  
 كان يوم الجمعة كان فيها بعض الاكابر فها  
 فها زاده بنار فها هم والكر من زاده  
 وفي الايام في اورد في الحشر في البشير بنار  
 لان خصم العدد الاصل في البشير بنار  
 طالع في شرع في البخاري ١٣

۱۰۸  
 امر الاقرع بن حابس فقال ابو بكر ما اردت  
 امير مقرر بن اقرع بن حابس را پس گفت ابو بكر  
 الى اولادك في فقال عمر ما اردت خلافك  
 بسوی یا این گفت بخاستی که خلاف مرا پس گفت عمر  
 فتمار يا حتى ارتفعت اصواتها فنزل في ذلك  
 پس خصوصت کردند و در آنکه بلند شد آوازهای ایشان پس نازل شد و درین امر  
 ايها الذين امنوا لا تقلوا موآيين يدي الله  
 یا ایها الذين امنوا لا تقلوا موآيين يدي الله  
 ورسولهم حتى انقضت الآية وعن موسى بن  
 و رسول ما آنکه تمام شد آیت و روایت است از موسی بن  
 اكس عن اكس بن مالك ان النبي صلى الله عليه  
 الش و او روایت کرد از الش بن مالک که تحقیق پیغمبر صلی الله علیه  
 وسلم افتقد ثابت بن قيس فقال رجل يا  
 و سلم تلاش کرد ثابت بن قیس را پس گفت مردی یا  
 رسول الله انا اعلمك علة فانك فوجدك  
 رسول الله من دریافت می کنم برای تو خبری پس آید آن مرد نزد ثابت بن قیس پس  
 جالساً في بيتهم منكساراً فقال له ما شانك  
 نشست در خانه خود سرنگون پس گفت آن مرد ثابت بن قیس را چیست  
 فقال شراً كان يرفع صوته فوق صوت النبي  
 پس گفت ثابت بن قیس حال من بد است بودم که بالای کردم آواز خود را بر آواز پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَدْ حَيَّ عَمَلُهُ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ  
صلی اللہ علیہ وسلم پس بر آئینہ تابود شد عمل من و من از دوزخیان شدم  
فَإِنَّ الرَّجُلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ  
پس آرد آن مرد نزد پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم پس خبر داد آن مرد از خود را  
قَالَ كَذَّافٌ كَذَّافٌ قَالَ مُوسَى فَرَجِعْ إِلَيْهِ الْمَرَّةَ الْآخِرَةَ  
گفت ثابت بن قیس چنین چنین پس گفت موسی پس باز گشت آن مرد سوی ثابت بن قیس بار آخر  
بِبُشَارَةٍ عَظِيمَةٍ فَقَالَ أَذْهَبَ إِلَيْهِ فَقُلْ لَهُ إِنَّكَ لَسْتَ  
بمژده بزرگ پس گفت آنحضرت برو سوی ثابت بن قیس پس بگو او را که بر آئینہ تابود ری  
مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَلَيْتَكَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ سَرَوَى الْبُخَارَى  
از دوزخیان ولیکن تو از بهشتیان روایت کرد بخاری  
الْأَحَادِيثُ الثَّلَاثَةُ فِي صَيِّغِهِ فِي كِتَابِ التَّفْسِيرِ  
این سه احادیث را در صیغ بخاری در کتاب التفسیر در  
تَفْسِيرِ سُورَةِ الْحَجَرَاتِ وَعَنِ الثَّوْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ  
تفسیر سورة الحجرات در روایت است از ثمان بن کثیر که گفت  
اسْتَأْذَنَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
اذن خواست ابو بکر رض برای در آمدن نزد پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم  
فَسَمِعَ صَوْتَ عَائِشَةَ عَالِيًا فَلَمَّا دَخَلَ تَنَاولَهَا لِيَلْبِسَهَا  
پس شنید ابو بکر رض آواز عائشه را بالا پس چون داخل شد ابو بکر رض گرفت عائشه را  
وَقَالَ أَلَا أَرَكَ تَرْفَعِينَ صَوْتَكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ  
وگفت ابو بکر رض آیا نمی بینم ترا که بالای کنی آواز خود را  
پس خبر خدا

پس خبر خدا

پس خبر خدا

پس خبر خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرَ خُرُجٍ أَبُو بَكْرٍ مُضْبًا فَقَالَ النَّبِيُّ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ خَرَجَ أَبُو بَكْرٍ كَيْفَ رَأَيْتَنِي

أَنْقَذْتُكَ مِنَ الرَّجُلِ قَالَ فَمَكَتَ أَبُو بَكْرٍ أَيْامًا مَآثِمَ

الرَّيْثَانِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فَوَجَدَهُمَا قَدْ اضْطَلَمَا فَقَالَ لَهَا أَدْخِلَانِي فِي سِلْكِكُمَا

كَمَا أَدْخَلْتُمَانِي فِي سِلْكِكُمَا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وَسَلَّمَ قَدْ فَعَلْنَا قَدْ فَعَلْنَا وَاهُ أَبُو دَاوُدَ فِي

سُنَنِهِ فِي كِتَابِ الْأَدَبِ فِي بَابِ مَا جَاءَ فِي الزَّوْجِ

وَحَنَّ امْتِحَاقٌ قَالَ كَمَا عِنْدَ عِمْرَانَ بْنِ حَصِينٍ

وَرَوَاهُ اسْتِزْهَاقٌ كَقَوْلِهِ بَدِيعُ الزَّمَانِ

۵۳



11/14/11



لِلنِّسَاءِ بِالْكَبَلِ إِلَى الْمَسَاجِدِ فَقَالَ ابْنُ كَهْ يَقَالُ لَهُ  
برای زنان در مسجد برای وقت سجده مساجد پس گفت پس این عمر که گفته میشود او را

وَإِقْدُرَ إِذْ يَتَخَذَنَّهَا عَصَا قَالَ فَضْرَكَ فِي صَدْرِهِ  
وآند در وقت خواندن گرفت زنان این کار را پس گفت مجاهد پس در این عمر سینه پس خود

وَقَالَ أَحَدُ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وگفت حدیثی که گفته است از پیغمبر خدا صلوات الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَسْرُوهَا فَمَا سَلِمَ فِي حَبِيبِهِ  
وسلم و میگوید که هر که این کار را این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم در

كِتَابِ الصَّلَاةِ فِي بَابِ رُفُوحِ النِّسَاءِ إِلَى الْمَسَاجِدِ  
کتاب الصلوة در باب بیرون در آمدن زنان سجده مساجد

أَخْبَرَنَا عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
اخبار و روایت است از عائشه که هر آنکه پیغمبر خدا صلوات الله علیه

وَسَلَّمَ كَانَ فِي ثَقِيرَتَيْنِ الْهَاجِرَتَيْنِ وَالْأَنْصَارِ  
وسلم بود در گردن آن دو هاجرین و انصار

فَجَاءَ بَيِّنَةٌ لَهُ فَقَالَ أَصْحَابُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
پس آمد شترے پس بجهت کرد آن شتر را بختی پس گفتند اصحاب آنحضرت یا رسول الله

كَيْفَ تَجِدُ لَكَ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى قَتْلَ أَحَقَّ أَنْ تَسْجُدَ  
سجده میکنند ترا چنانچه یهود و نصاری و درخت پس اسرا و اتریم بآنکه سجده میکنند

لَكَ فَقَالَ اسْعُدُوا رِجْلَيْكُمْ وَأَكْمُوا أَنْفُسَكُمْ وَكَلِمَةً  
خدا پس گفت آنحضرت عبادت کنید خدا را و کار خود را و اگر ای دارید برادر خود را و اگر بودی

اَمْرٌ اَحَدًا اَنْ يُسَبِّحَ لَا حَيْدَ لَا كَرِهَتْ الْمَرْأَةُ  
 که امر کرد و هیچ چیز را که سبوح کند بچه را هر آنکه امر کردی زن را  
 اَنْ يُسَبِّحَ لِي وَجْهًا وَلَوْ اَمْرًا هَا اَنْ تُثْقَلَ مِنْ  
 که سبوح کند من را چهره خود را و اگر امر کرد و تو هر زن را که سبوح سنگ را از  
 جَبَلٍ اَصْفَرٍ اِلَى جَبَلٍ اَسْوَدَ وَمِنْ جَبَلٍ اَسْوَدَ  
 کوه زرد به سوی کوه سیاه و از کوه سیاه  
 اِلَى جَبَلٍ اَبْيَضٍ كَانَ يُنْبِئُ لَهَا اَنْ تَهْجُرَ كَهْ سَوَاءُ  
 به سوی کوه سفید بود سزاوار آن زن را که بگوید این کار روایت کرد این حدیث را  
 اَحَدُ كُنَّ فِي مَشْكُوَةٍ الْمَتَابِعِ فِي كِتَابِ الْبَحَاثِ  
 از آن چنانست در مشکوٰۃ و در کتاب التلخیص  
 فِي بَابِ عَشْرَةِ الْاِنْسَاءِ وَكُنَّ ابْنُ شَرَاَسَةَ الْمُهْرِي  
 در باب عَشْرَة زنان و روایت است از ابن شَرَاَسَة مَهْرِي  
 قَالَ حَضَرَ نَاعِمٌ بَنَ الْعَاصِ وَهُوَ فِي سِيَاقَةِ الْمَوْتِ  
 که گفت حاضر شدیم نزد عمرو بن عاص و در حالیکه او در حضور موت بود  
 يَبْكِي طَوِيلًا وَحَوْلَ وَجْهِهِ اِلَى الْجَنَّةِ اِنْ جَعَلَ  
 بیکریت بسیار و در گردانیده بود روی خود را به سوی دیوار پس شروع کرد  
 ابْنُهُ يَهْوِلُ يَا اَبْنَاهُ اَمَا بُشِّرُكَ بِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّ  
 پسر او که می گزید ای پسر من بشارت می دهم از پیغمبر خدا  
 اللّٰهُ تَعَالٰی وَتَسَلَّمَ بِكَ اَنَا اَمَا بُشِّرُكَ بِرَسُولِ اللّٰهِ  
 خدا تعالی و تسلم بکنم من بشارت می دهم از پیغمبر خدا

لعل قوله و هو في سياقة الموت  
 ترجمه می کند علی بن ابی حمزة در مشکوٰۃ  
 آنست ثلاث الدابة المعنى الطلاق  
 قال الامام النووي في شرح مع  
 المسلم

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا أَرْثَاكَ فَأَقْبِلْ بَوَّعِيهِ

وَقَالَ إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَبِعِدُ شَهَادَةً أَنْ كَلَّاهُ لَا

اللَّهُ وَكَانَ مُحَمَّدٌ أَرْثَاكَ اللَّهُ إِنْ كُنْتُ عَلَى أَطْبَاءِ

تَلَاثٍ لَقَدْ رَأَيْتُنِي وَمَا أَحَدٌ إِلَّا سَدُّ بَعْضًا

لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّتِي وَكَأَنَّ

إِلَى مِنْ أَنْ أَكُونَ قَلْبًا اسْمُكَتُ مِنْهُ فَقَدْ كُنْتُ وَنَدَى

فَلَوْ مِتُّ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ لَكُنْتُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ

فَلَمَّا جَعَلَ اللَّهُ الْإِسْلَامَ فِي قَلْبِي آتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ لَيْسَ بِمِثْلِكَ وَلَا بِأَمْرِكَ

فَلَيْسَ بِمِثْلِكَ قَالَ فَقِيلَتْ يَدِي قَالَ مَا لَكَ يَا عَمْرُو

پس در آن حال برآیند بودی از اهل دوزخ

در دوزخ

در دوزخ

در دوزخ

قَالَ قُلْتُ ارَدْتُ اَنْ اَسْتَرْطِقَالَ تَشْتَرِطُ بِمَاذَا قُلْتُ  
 گفت عمو گفته ام میخواهم که شرط کنم گفت آنحضرت شرط میکنی چه گفتم اینکه  
 اَنْ يُعْفِرَنِي قَالَ اَمَاعَلَيْتَ يَا عَمْرُو اَنْ اِلَا سَلَامٌ يَهْدُمُ  
 آمرزیده شود مرا که ایان کرده ام گفت آنحضرت آیا میخواهی تا تو ای عمرو که هر آینه اسلام می افکنی  
 مَا كَانَ قَبْلَهُ وَاَنْ اَلْهَجْرَةَ تَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهَا وَاَنْ  
 هر گناهی را که قبل اسلام بوده و هر آینه هجرت می افکنی هر گناهی را که پیش از او بوده و هر آینه  
 اَلْحَجَّ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ وَمَا كَانَ اَحَدٌ اَحَبَّ اِلَيَّ  
 حج می افکنی گناهی را که پیش از آن بوده و نبود هیچ یک دوست و برتری من  
 مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاَجَلَ  
 از پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم وند بزرگتر  
 فِي عَيْنِي مِنْهُ وَمَا كُنْتُ اُطِيقُ اَنْ اَمْلَأَ عَيْنِي مِنْهُ  
 در چشمهای من آنحضرت وند بودم که تمام کنم سیر کنم چشمهای خود را از دیدن آنحضرت  
 اِجْلَالًا لَهُ وَكَوْنُ سُلَيْتُ اَنْ اَصِفَهُ مَا اَطَقْتُ لَا نِي  
 بخت بزرگ آنحضرت و اگر پرسیده شد می آنکه بیان کنم وصف آنحضرت را نمیتوانستم برای آنکه  
 لَمْ اَكُنْ اَمْلَأُ عَيْنِي مِنْهُ وَكَوْنُتُ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ  
 نبودم که سیر کنم چشمهای خود را از دیدن آنحضرت و اگر مردوی بر آن حال  
 لَرَجَوْتُ اَنْ اَكُونَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ وَلِينَا الشَّيْءَ  
 بر آینه امید داشتی آنکه باشم از اهل بهشت پس دست یافتیم بر چیز را  
 مَا اَدْرِي مَا حَالِي فِيهَا فَاِذَا اَنَا مُتٌ فَلَا تَصْبِرُ عَلَيَّ  
 نمیدانم چیست حال من در آن پس هرگاه من بمیرم پس باید که همراه نشود مرا زنده

و نہ آتش پس و تشیکہ دشن کنید مرا پس بزمی بریزید بر من خاک را

گرد گورین اندازه آنچه فرج کرده شود شترس و تقسیم کرده شود گوشت آن

تا آنکه آرام گیرم بشما و همچنین بچه خواب بازی گردانم فرستادای

بهر در گذار خود را روایت کرد این حدیث را مسلم در صحیح مسلم در کنان  
الامان در

در دگر خود را روایت کرد این حدیث را مسلم در صحیح مسلم در کتاب

باب في الاستسلام في مقدم ما قبله **و** حسن النسي

ثُمَّ مَالِكٌ أَنْ سُوِّدَ الْإِسْلَامُ

بن مالک کہراچہ پیغمبر خدا ﷺ علیہ السلام

میرون آمد پس استاد عبدالعزیز بن خذافہ

فَقَالَ ابْنُكَ حَذَافَةٌ ثُمَّ أَكْثَرُ أَنْ يَقُولَ سَلَوْنِي

بسیار زیاد و در آن وقت که اینها را میگویند، بسیار زیاد است.

پس شش عمرم بر سر دوازدهوی خود پس گذشت عمرم خوش و شادمانی از آن روزم و روزم

بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَنَحْمَدُكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

[illegible]

ثَلَاثًا فَسَكَتَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْعِلْمِ

وَعَنْ الْمُقَدَّمِ بْنِ مَعْدِي كَرِبَ الْكِنْدِيُّ أَنَّ

سَأَلَ سَوْفَ أَرَادَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُوشِكُ

الْوَجَلُ مَتَى عَلَى كَيْفَ يُحَدِّثُ بِحَدِيثٍ مِنْ حَدِيثِ

فَيَقُولُ بَيْنَهُمَا وَيَتَكَلَّمُ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَا وَجَدْنَا

نَبِيَّهُ مِنْ حَكَمٍ اسْتَحْلَلْنَا وَمَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ

حَرَامٍ حَرَّمَ اللَّهُ الْآوَانَ مَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ عَنْ قَبِيصَةَ

عَنْ أَبِيهِ أَنَّ سَيِّدَ بَنِي النَّهْمَانِ الْأَنْصَارِيَّ

النَّقِيبَ صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الحديث في صحيح البخاري في كتاب العلم  
عن المقدم بن معدي كرب الكندي  
سأله فقال صلى الله عليه وسلم قال يوشك  
الوجل متى على كذا يحدث بحديث من حديث  
فيقول بينهما ويتكلم كتاب الله عز وجل فما وجدنا  
نبيه من حكم استحللنا وما وجدنا فيه من  
حرام حرّم الله الآوان ما حرّم رسول الله صلى  
الله عليه وسلم مثل ما حرّم الله وعن قبيصة  
عن أبيه أن سيّد بن النهمان الأنصاري  
النقيب صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم



عَزَّامَعَ مُعَاوِيَةَ أَرْضَ الرُّومِ فَنَظَرَ إِلَى النَّاسِ وَ  
عزوه کرد بمصاحبت معاویه بن زمین روم پس نگاه کرد بسوی مردم در حالیکه  
هُمْ يَتَّبِعُونَ كَيْسَرَ الدِّينِ بِالْأَنْزَارِ وَكَيْسَرَ الْفَيْصَةِ  
این مردم را یکدیگر گردید و فروخت میکردند پارهای زر را بادینار را و پارهای سیم را  
بِالدِّينَارِ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ قَدْ كُنْتُمْ لِرَبِّ  
در سیمها پس گفت عباد من عباد من است ای مردم بختیق شما می خرید  
سَمِعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ  
شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت  
لَا تَبْتَاعُوا الدِّينَ بِالدِّينَارِ وَلَا بِالدِّينَارِ بِالدِّينَارِ لِأَنَّ بَيْعَهُ  
را یکدیگر خرید و فروخت نکنید زر را با زر و سیم را با سیم بابتند که بابتند زیادت  
بَيْنَهُمَا وَلَا تَخْطِرَ فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ يَا أَبَا الْوَلِيدِ أَرَى  
در میان هر دو و نه تاخیر کردن و زمان دادن پس گفت معاویه ای ابو الولید ای دینار  
الرَّبِّيَّ فِي هَذَا إِلَّا مَا كَانَ مِنْ تَخْطَرَةٍ فَقَالَ عِبَادَةُ أَحَدُ  
ربارا و زمین مگر چیزی که باشد از هلاکت دادن پس گفت عبادو حدیث میگویم ترا  
عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَدَّيْ  
از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و سخن میگوئی قدما  
عَنْ تَائِيكِ لَنْ أَخْرَجَنِي اللَّهُ لَا أَسْأَلُكَ بِأَرْضِ  
از رای خود میرا نیند اگر بیرون خواهد کرد مرا خدا سکونت اختیار خواهم کرد بدینینکه  
لَكَ عَلَى قِيَمَتِهِمَا أَفْرَاقًا فَلَمَّا قَفَلَ لِحَقِّ بِالْمَدِينَةِ فَقَالَ لَهُ  
مر ترا بر زمین امارت باشد پس چون از سفر بازگشت عبادو در رسید در مدینه پس گفت

در این باب

عمر بن الخطاب ما أقدمك يا أبا الوليد فقض عليه

عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ

الْقِصَّةَ وَمَا قَالَ عَيْنُ مُسَاكِينَةٍ فَقَالَ اِيْحَيَاكَ الْوَلَدُ

إِلَى أَرْضِكَ فَقَالَ اللَّهُ أَكُفُلُكَ فِيهَا وَأَمْنُكَ وَ

کتاب الی معاویہ کلام فیک عا دہ واسخا الی

دانشگاه خوارزمی، مشهد، ۱۳۸۵

آنکه گفت عباد و پس بپوشید که عباد و گفت آن حکم است و در وایت است از ابی سلمه که هر آینه

کھفت بھر دے اسی پیر اور من

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَى مِثَالِ رَوَى ابْنُ مَاجَةَ الْأَحَادِيثُ الثَّلَاثَةَ

أَقْرَأَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

مرع سنن ابن ماجه و در ايت است از قيس بن سعد گفت گيس بن سعد

در همه  
سپید ویدم اهل حیره را که سجده میکردند سر دار خود را

کے قتل کی اطلاع کے بعد انھوں نے فوراً پولیس کو اطلاع دی اور قتل کی جگہ پر پہنچے۔

و اما این  
عن ابن عباس

۴

بجاء المقدم على الملك

کتابخانه مرکزی کربلا

بسم الله الرحمن الرحيم

فَقُلْتُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَقُّ  
 أَنْ يُسَبِّدَ لَهُ قَالَ فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 وَسَلَّمْتُ فَقُلْتُ إِنِّي أَتَيْتُ الْخَيْرَةَ فَرَأَيْتُكُمْ كَيْسَبِدًا  
 لِيُزْبَانَ لَهُمْ فَأَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَقُّ أَنْ يُسَبِّدَ  
 لَكَ قَالَ أَرَأَيْتَ لَوْ مَرَرْتُ بِقَبْرِ بَنِي إِسْرَءِيلَ  
 قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ فَلَا تَفْعَلُوا لَوْ كُنْتُ أَمْرًا حَدًّا  
 أَنْ يُسَبِّدَ لِأَحَدٍ لَا قَرُبَتِ النِّسَاءُ أَنْ يُسَبِّدَنَّ  
 لَا زَوَاجَهُنَّ لِمَا جَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْحَقِّ  
 رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ فِي سُنَنِهِ فِي كِتَابِ النِّكَاحِ  
 كَابِرُ حَقِّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ

پس گفتم و بعد از آنکه خداوند علیه السلام فرمود که حق است  
 باینکه سجده کرده شود و او را گفت پس بنی آدم نزد پیغمبر علیه السلام  
 پس گفتم پس دیدم این را که سجده می کنند  
 پس گفتم پس دیدم این را که سجده می کنند  
 مرزبان خود را پس تو ای پیغمبر خدا سزاوارتری باینکه سجده کرده شود  
 مرزا گفت آنحضرت مفرده مرا اگر بگذری بقیمن ایاسنی تو که سجده کنی او را  
 گفت پس گفتم سجده نکنم گفت آنحضرت پس نکنید سجده مرا اگر بیدم که زمان می کردم یک را  
 اینکه سجده کند بیک را تحقیق حکم می کردم زنان را آنکه سجده کنند  
 شوهران خود را از برای آنچه که گردانیده است خدا برای مردان و زنان حق  
 روایت کرده این حدیث را ابو داود در سنن ابی داود در کتاب النکاح در  
 باب حق شوهر بر زن

فان على احد العلماء ان يقول في الزمان  
الذي هو اشد من السنين والسنين اشد من الايام  
والايام اشد من الساعات والساعات اشد من الدقائق  
والدقائق اشد من الثواني والثواني اشد من الدقائق  
والدقائق اشد من الثواني والثواني اشد من الدقائق  
والدقائق اشد من الثواني والثواني اشد من الدقائق

من حيث  
 قال الخليل عليه السلام  
 القلب على ما يرى الرب  
 تعالى فوجب أن  
 يبره أنه مختلف  
 عن جبراته فكذلك  
 في الباب بالاعتدال  
 اختلافات لا في النقط  
 بل في أصل السبب  
 في جافا حسب السبب  
 فيكون ما يثبت  
 الإنسان كسبب  
 الكمال العبدية والهووت  
 الطعام والشراب  
 ينقل الكمال  
 الصالحين والعلماء  
 الفضل مطلقا  
 لا حسنة اليه  
 والكمال عنه  
 كماله وجوده  
 الله عليه وسلم  
 جلال الظاهر  
 كماله في الجلال  
 الفضائل  
 بالانجيل  
 وقال الخليل  
 القلب على ما يرى  
 تعالى فوجب أن  
 يبره أنه مختلف  
 عن جبراته فكذلك  
 في الباب بالاعتدال  
 اختلافات لا في النقط  
 بل في أصل السبب  
 في جافا حسب السبب  
 فيكون ما يثبت  
 الإنسان كسبب  
 الكمال العبدية والهووت  
 الطعام والشراب  
 ينقل الكمال  
 الصالحين والعلماء  
 الفضل مطلقا  
 لا حسنة اليه  
 والكمال عنه  
 كماله وجوده  
 الله عليه وسلم  
 جلال الظاهر  
 كماله في الجلال  
 الفضائل  
 بالانجيل

حکومت ایران را اینکه باشد خدا در سبیل خدا محبوس است

بسیاری و سے ان پر حیرت سوا ہی تھا اور رسول و ایسکے دوست دار و انسان را دوست نہاد اور ان کے

بہارِ نبوی دے اہلِ برہنہ

وایله ناعوس وار داین رال باز دراید در لفر چنانله ناعوس ی دار دایله اندا حله

روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب الايمان

باب خلافت اہلبان دروایت کرد این حدیث را سلم در کتب مسند

فیز در کتاب ایمان در باب خصلت‌های

مقدمه و بیان یافت علل و آثار آن را در و است و است

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

یا رسول اللہ کیف لعل فی ریحل احب الی

۶۷

تفہیم فی شریعت

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰

۱۰۱

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۵

۱۰۶

۱۰۷

۱۰۸

۱۰۹

۱۱۰

۱۱۱

۱۱۲

۱۱۳

۱۱۴

۱۱۵

۱۱۶

۱۱۷

۱۱۸

۱۱۹

۱۲۰

۱۲۱

۱۲۲

۱۲۳

۱۲۴

۱۲۵

۱۲۶

۱۲۷

۱۲۸

۱۲۹

۱۳۰

۱۳۱

۱۳۲

۱۳۳

۱۳۴

۱۳۵

۱۳۶

۱۳۷

۱۳۸

۱۳۹

۱۴۰

۱۴۱

۱۴۲

۱۴۳

۱۴۴

۱۴۵

۱۴۶

۱۴۷

۱۴۸

۱۴۹

۱۵۰

۱۵۱

۱۵۲

۱۵۳

۱۵۴

۱۵۵

۱۵۶

۱۵۷

۱۵۸

۱۵۹

۱۶۰

۱۶۱

۱۶۲

۱۶۳

۱۶۴

۱۶۵

۱۶۶

۱۶۷

۱۶۸

۱۶۹

۱۷۰

۱۷۱

۱۷۲

۱۷۳

۱۷۴

۱۷۵

۱۷۶

۱۷۷

۱۷۸

۱۷۹

۱۸۰

۱۸۱

۱۸۲

۱۸۳

۱۸۴

۱۸۵

۱۸۶

۱۸۷

۱۸۸

۱۸۹

۱۹۰

۱۹۱

۱۹۲

۱۹۳

۱۹۴

۱۹۵

۱۹۶

۱۹۷

۱۹۸

۱۹۹

۲۰۰

۲۰۱

۲۰۲

۲۰۳

۲۰۴

۲۰۵

۲۰۶

۲۰۷

۲۰۸

۲۰۹

۲۱۰

۲۱۱

۲۱۲

۲۱۳

۲۱۴

۲۱۵

۲۱۶

۲۱۷

۲۱۸

۲۱۹

۲۲۰

۲۲۱

۲۲۲

۲۲۳

۲۲۴

۲۲۵

۲۲۶

۲۲۷

۲۲۸

۲۲۹

۲۳۰

۲۳۱

۲۳۲

۲۳۳

۲۳۴

۲۳۵

۲۳۶

۲۳۷

۲۳۸

۲۳۹

۲۴۰

۲۴۱

۲۴۲

۲۴۳

۲۴۴

۲۴۵

۲۴۶

۲۴۷

۲۴۸

۲۴۹

۲۵۰

۲۵۱

۲۵۲

۲۵۳

۲۵۴

۲۵۵

۲۵۶

۲۵۷

۲۵۸

۲۵۹

۲۶۰

۲۶۱

۲۶۲

۲۶۳

۲۶۴

۲۶۵

۲۶۶

۲۶۷

۲۶۸

۲۶۹

۲۷۰

۲۷۱

۲۷۲

۲۷۳

۲۷۴

۲۷۵

۲۷۶

۲۷۷

۲۷۸

۲۷۹

۲۸۰

۲۸۱

۲۸۲

۲۸۳

۲۸۴

۲۸۵

۲۸۶

۲۸۷

۲۸۸

۲۸۹

۲۹۰

۲۹۱

۲۹۲

۲۹۳

۲۹۴

۲۹۵

۲۹۶

۲۹۷

۲۹۸

۲۹۹

۳۰۰

۳۰۱

۳۰۲

۳۰۳

۳۰۴

۳۰۵

۳۰۶

۳۰۷

۳۰۸

۳۰۹

۳۱۰

۳۱۱

۳۱۲

۳۱۳

۳۱۴

۳۱۵

۳۱۶

۳۱۷

۳۱۸

۳۱۹

۳۲۰

۳۲۱

۳۲۲

۳۲۳

۳۲۴

۳۲۵

۳۲۶

۳۲۷

۳۲۸

۳۲۹

۳۳۰

۳۳۱

۳۳۲

۳۳۳

۳۳۴

۳۳۵

۳۳۶

۳۳۷

۳۳۸

۳۳۹

۳۴۰

۳۴۱

۳۴۲

۳۴۳

۳۴۴

۳۴۵

۳۴۶

۳۴۷

۳۴۸

۳۴۹

۳۵۰

۳۵۱

۳۵۲

۳۵۳

۳۵۴

۳۵۵

۳۵۶

۳۵۷

۳۵۸

۳۵۹

۳۶۰

۳۶۱

۳۶۲

۳۶۳

۳۶۴

۳۶۵

۳۶۶

۳۶۷

۳۶۸

۳۶۹

۳۷۰

۳۷۱

۳۷۲

۳۷۳

۳۷۴

۳۷۵

۳۷۶

۳۷۷

۳۷۸

۳۷۹

۳۸۰

۳۸۱

۳۸۲

۳۸۳

۳۸۴

۳۸۵

۳۸۶

۳۸۷

۳۸۸

۳۸۹

۳۹۰

۳۹۱

۳۹۲

۳۹۳

۳۹۴

۳۹۵

۳۹۶

۳۹۷

۳۹۸

۳۹۹

۴۰۰

۴۰۱

۴۰۲

۴۰۳

۴۰۴

۴۰۵

۴۰۶

۴۰۷

۴۰۸

۴۰۹

۴۱۰

۴۱۱

۴۱۲

۴۱۳

۴۱۴

۴۱۵

۴۱۶

۴۱۷

۴۱۸

۴۱۹

۴۲۰

۴۲۱

۴۲۲

۴۲۳

۴۲۴

۴۲۵

۴۲۶

۴۲۷

۴۲۸

۴۲۹

۴۳۰

۴۳۱

۴۳۲

۴۳۳

۴۳۴

۴۳۵

۴۳۶

۴۳۷

۴۳۸

۴۳۹

۴۴۰

۴۴۱

۴۴۲

۴۴۳



وَلَمْ يَلْقَ بِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ وَعَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي الْجَعْدِ  
 عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَتَى السَّاعَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
 فَقَالَ مَا أَعَدَدْتُ لَهَا قَالَ مَا أَعَدَدْتُ لَهَا مِنْ  
 كَيْفٍ صَلَوةٍ وَلَا صَوْمٍ وَلَا صَدَقَةٍ وَلَكِنِّي أَحِبُّ  
 اللَّهُ وَرَسُولَهُ قَالَ أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحَبَّتَ رَوَاهُ  
 الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْأَدَبِ فِي بَابِ  
 عِلْمَةِ الْحُبِّ فِي اللَّهِ وَعَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَنَسٍ أَنَّ  
 رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ السَّاعَةِ

له قد صرح الرازي باب قال  
 القسطلاني الزرععي ادا در این باب  
 احب به فليس رغب اليك في فضل  
 الرقة وقال ابداء كل من رغبة  
 انتهى باقال الصلاة القسطلاني في  
 الحديث الذي قبله في شرح  
 في شرح قد صرح الرازي باب احب  
 لان رغبة ثم طاعتهم والى  
 من انما قال القسطلاني  
 شبيب على اعتقاد لان الله اوصى  
 لا يستجاب في الادب احب  
 في القسطلاني في كتاب الادب  
 الذي قال في السجدة في بيان  
 من قد اورد في هذا الباب  
 في شرح قد صرح الرازي باب احب  
 في شرح قد صرح الرازي باب احب

باب الاحب

باب الاحب

باب الاحب

فَقَالَ مَتَى السَّاعَةُ قَالَ وَمَا ذَا أَعْلَمْتُ لَهَا قَالَ

پس گفت آن مردی خواهد آمد قیامت گفت آنحضرت و چه میا کردی برای قیامت گفت آن مرد

لَا شَيْءَ إِلَّا أَنِّي أَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ

چیزی میانیت مگر اینکه محبوبی دارم خدا و پیغمبر خدا را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ قَالَ

پس گفت آنحضرت تو با کس خواهی بود که آن دوست می داری گفت

أَكُنْ فَمَا فَرَحْنَا بِشَيْءٍ فَرَحًا يَقُولُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ

اگر پس خوشنود شده بودیم چیزی اند خوشنودی باین قول پیغمبر صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ قَالَ أَكُنْ فَإِنَّا

که تو با کس خواهی بود که آنرا محبوب داری گفت انس پس من

أَحِبُّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ

دوست می دارم پیغمبر صلی الله و ابوبکر و عمر را و ابوبکر و عمر را

وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ مَعَهُمْ يَحْيَىٰ أَيَّامَهُمْ وَإِنْ لَمْ أَفْعَلْ

و امیدوارم اینکه با ایشان محبت دوست داشته باشم و ایشان را اگر عمل نکردم

بِمِثْلِ أَعْمَالِهِمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ

انند در صحیح بخاری روایت کرد این حدیث را بخاری در در صحیح بخاری

كِتَابُ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ مَنَاقِبِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ

کتاب الانبياء در باب مناقب عمر بن خطاب رضی الله عنه

وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ مَعَ تَغْيِيرٍ يَسِيرٍ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ

در روایت کرد این حدیث را مسلم با اندک تغییر در صحیح مسلم در کتاب البر

*(Faint handwritten Arabic script, likely bleed-through from the reverse side of the page.)*

فَاسْتَبَيَّ فَاسْتَبَيَّ اللَّهُ مِنْهُ وَأَمَّا الْآخَرُ فَأَعْرَضَ فَأَعْرَضَ

پس شرم کرد پس شرم کرد خدا . ازان ولیکن دیگر پس روگردانید پس اعراض کرد

اللَّهُ عَنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْعِلْمِ

خدا از او روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب العلم

وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ السَّلَامِ فِي

و روایت کرد این حدیث را مسلم در صحیح مسلم در کتاب السلام

بَابِ مَنْ أَتَى مَجْلِسَ الْخَوْفِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ

باب کسیکه آید در مجلس الخ روایت است از ابن عباس که گفت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحِبُّوا

گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دوست دارید

اللَّهُ لِمَا يَعْزُدُكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ وَأَحِبُّوا لِلَّهِ

خدا را از برای آنکه طعام دهد شما را از نعمت و دوست دارید مرا از جهت دوستی خدا

وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي

و دوست دارید اهل بیت مرا از جهت دوستی من روایت کرد این حدیث را ترمذی در

جَامِعِهِ فِي أَبْوَابِ الْمَنَاقِبِ فِي بَابِ مَنَاقِبِ أَهْلِ

جامع ترمذی در ابواب المناقب در باب مناقب اهل

بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ عُمَرَ أَنَّ

بیت پیغمبر صلی الله علیه وسلم روایت است از اسلم و او روایت کرد از عمر که فرمود

فَوْضَ لَا سَامَةَ فِي ثَلَاثَةِ أَلْفٍ وَخَمْسِمِائَةٍ

مقرر کرد برای اسامه بن زید در سه هزار و پانصد

و پانصد

وَفَرَضَ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ فِي ثَلَاثَةِ أَكْفَانٍ فَقَالَ  
و مقرر کرد برای عبد الله بن عمر در سه چیز و پس گفت  
 عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ لَا يَنْبَغُ لِي أَنْ أَفْضَلْتُ أَسْمَاءَ عَلَى  
عبد الله بن عمر هر چه خود را چرا فضیلت دادی اسماء را بر من  
 قَوْلِ اللَّهِ مَا يَسْتَقِينُ إِلَى مَبْشَرَةٍ قَالَ لَا تَنْبَغُ لَكَ أَنْ  
پس بگویند بخدا سبقت نکرده است اسماء مرا بسوی آنچه عرو و گفت عرو بر منی و اگر بر من بود  
 أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
دوست تر بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم  
 مِنْ أَمِيكَ وَكَانَ أَسْمَاءُ أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ  
از پدر تو و بود اسماء محبوبتر بسوی پیغمبر خدا  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْكَ فَأَثَرَتْ حَبَّ  
صلی الله علیه و سلم از تو پس اختیار کردم محبوب  
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى حَبِّي رَوَاهُ  
رسول الله صلی الله علیه و سلم را بر محبوب خود روایت کردی  
 التِّرْمِذِيُّ فِي الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ فِي بَابِ مَنَاقِبِ  
ترمذی در کتاب مذکور در باب مناقب  
 زَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ قَالَ هَذَا أَحَدُ بَيْتِ حَسَنِ وَغَرِيبٌ  
زید بن حارثه گفت ترمذی این حدیث حدیث حسن غریب است  
 وَعَنْ جَمِيلَةَ بْنِ حَارِثَةَ قَالَ قَدِمْتُ عَلَى  
و روایت است از جمیل بن حارثه که گفتم آمدن نزد

رسول الله

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ كَيْدًا رَسُولُ اللَّهِ  
 ابْعَثْ مَعِيَ أَخِي زَيْدًا قَالَ هُوَ ذَا قَاتٍ أَفْطَلِقُ مَعَكَ  
 لَمْ أَمْنَعُهُ قَالَ زَيْدٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَا اخْتَارُ عَلَيْكَ  
 أَحَدًا قَالَ فَوَ أَيْتُ رَأَى أَخِي أَفْضَلَ مِنْ رَأَى  
 رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي الْبَابِ الْمَذْكُورِ وَقَالَ هَذَا  
 حَدِيثٌ غَرِيبٌ لَا نَعْرِفُهُ إِلَّا مِنْ حَدِيثِ ابْنِ  
 الرُّومِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ شُعَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
 هِشَامٍ قَالَ كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 وَهُوَ اخْتَدَى بِيَدِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ  
 يَا رَسُولَ اللَّهِ لَأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

لاَ إِلَهَ إِلَّا أَنَا الَّذِي رَفَعْتُ رَبِّيَ إِلَى سَنَاءٍ مُّجِيدٍ ۖ قُلْ أَتَدْعُونَ لِي آلَ آدَمَ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ ۚ لَآبَدُ لَهُمُ الْعَذَابُ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمُ اللَّهُ سَبِيلَ رَحْمَةٍ ۖ فَمِىْذَنَ عَسَىٰ أَن يَكُونَ رَدُنَا إِلَىٰ سَبِيلِ الْفِتْنَةِ أَوْ أَن نَّخْلُقَ لَهُمْ فِتْنَةً أُخْرَىٰ ۚ وَلَقَدْ جَاءُوكَ بِالْحَقِّ أَكْثَرَ بِالْأَلْفِ أَوْ مِائَتِ الْآلَافِ وَلَٰكِنْ أَكْثَرُهُمْ أَتَمَتُوا بِغُلَاظِ الْقُلُوبِ ۚ لَقَدْ جِئُوا بِحَقِّ آيَاتِنَا وَلَٰكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۚ

لاَ إِلَهَ إِلَّا أَنَا الَّذِي رَفَعْتُ رَبِّيَ عَلِيَّ السَّمَاءِ وَرَفَعْتُ لَكَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ لِلْاِغْتِيَاضِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَالْجَنَّةَ مَوْجِدَةً لِمَن يَمُوتُ فِيهَا وَنُفِثَ لَكُمْ فِيهَا مِنْ أَنْبَاءِ طَائِفَتٍ لَكُمُ الْوَيْسَاءُ فِي الدَّارِ الْمُوَسَّوَسَةِ وَالْجَنَّةَ مَوْجِدَةً لِمَن يَمُوتُ فِيهَا وَنُفِثَ لَكُمْ فِيهَا مِنْ أَنْبَاءِ طَائِفَتٍ لَكُمُ الْوَيْسَاءُ فِي الدَّارِ الْمُوَسَّوَسَةِ وَالْجَنَّةَ مَوْجِدَةً لِمَن يَمُوتُ فِيهَا وَنُفِثَ لَكُمْ فِيهَا مِنْ أَنْبَاءِ طَائِفَتٍ لَكُمُ الْوَيْسَاءُ فِي الدَّارِ الْمُوَسَّوَسَةِ

ایمان کامل نیست سوگند بان خدا که ذات حق در دوست قدرت اوست تا آنکه با تمام محبت تو به او  
 مِنْ نَفْسِي فَقَالَ لَهُ عَمْرُو بْنُ قَامَرَةَ الْكَلْبِيُّ قَالَتْ قَالَتْ

اِنْ نَفْسِي تَدْعِي  
اَحْبِبُّ اِلَى مَنْ نَفْسِي فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ

وَسَامَ لَهُ الْاَنَامُ عَمْرٍو وَابْنُ الْخَارِثِ عَمْرٍو

فِي أَوَّلِ كِتَابِ الْإِيمَانِ وَالْمَدِينَةِ وَدَفْنِ الْأَنْبِيَاءِ

قال قاتلوا رسول الله المجلد عليه السلام

لا يَنْصَحُكُمْ أَنْ يَجْمَعُوا مِثْلًا بِمَا كُنْتُمْ تَجْمَعُونَ أَلَمْ تَكُنْ أَتَىٰكَ الْبَيْتُ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُودٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیت مخم من است و دست را به الداری

مستند آنحضرت بود که کسی نخواهی بود که از او دور است و از روی روایت مکرر این حدیث را در

قوله فقال له عرفه قال ان  
اي فقال له صلى الله عليه وسلم عرفني  
انك عرفت ما علم ان النبي صلى الله عليه  
وسلم هو ارسب في غاية نفسه من الكفا  
فانه قال ان و انما ارسل الله لانت  
اجل لي ان يخلصه من غيابة

الاستعداد الا انفسا كما يستعد  
السياسة كوكبا لا ساءيا  
الزمن صلي الله عليه وسلم  
عنه فلهذا كانت به حبيب  
محبته

في زمانه  
الاستعداد كوكبا



فِي كِتَابِ الرِّقَاقِ فِي بَابِ الْمَرْمَعِ مَنْ أَحَبَّ  
 وَكَانَ ابْنُ سِيرِينَ قَالَ قُلْتُ لِعَبِيدَةٍ تَعْبُدُكَ  
 مِنْ شَجَرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَبُّنَا  
 مِنْ قَبْلِ الْكَلْبِ أَوْ مِنْ قَبْلِ أَهْلِ الْبَيْتِ فَقَالَ  
 لَأَنْ تَكُونَ عِنْدِي شَجَرٌ فَاقْبِضِيهِ أَحَبُّ إِلَيَّ  
 مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَآهَ الْبُخَارَى فِي حَبِيبِهِ  
 فِي كِتَابِ الْوَضُوءِ فِي بَابِ الْكَلْبِ الْبُخَارَى يُفَسِّلُ  
 بِهِ شَعْرًا كَثِيرًا وَكَانَ عُبَيْسُ بْنُ عَمْرِو بْنِ  
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَحَدُ خَبَرٍ  
 يُحِبُّنَا وَحُبُّهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي حَبِيبِهِ

در کتاب الرقاق در باب المرمع که دوست دارد  
 و روایت است از ابن سیرین که گفتم به یک عبيده که تو را  
 از شجره نبی صلی الله علیه و سلم احبتر است از هر  
 انچه از پیش من است یا از قبل اهل بیت یا از قبل  
 از آنکه در دنیا است یا از آنکه در دنیا است و آنچه در دنیا  
 در کتاب الوضوء در باب الکلب البخاری تفصیل  
 آن سوی روایت است از عباس و در روایت دیگر از زید و  
 آن سوی روایت است از عباس و در روایت دیگر از زید و  
 آن سوی روایت است از عباس و در روایت دیگر از زید و

۱۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]





باقی بچھڑے

در هیچ بخاری در کتاب التفسیر در تفسیر سورہ شمس

لَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا

وَأَن ذُكِّرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ الْعَظِيمَةِ وَهَذَا بَيَانُهُ

[illegible][illegible]

وَقَالَ فِي الْمَلَأِ شَيْءٌ مِّنْ خَلْقِهِمْ هَاجِبٌ  
فَسَمِعَ الْمُعْتَرِثُ تَرْجِمَ كَقَوْلِهِمْ  
الْعُلَّ دَلَّ التَّوْبَعِيدَ لِلْعُلَمَاءِ  
أَجَابَ قَوْلَهُ

من لایحه ای که به امضای  
- دکتر علی شریعتی -

اینکه خداوند تعالی فرموده است که هر که این کتاب را بخواند و عمل کند به او عفو و مغفرت دهد و هر که از آن بگریزد و عمل نکند به او عتاب و عقاب دهد. و این کتاب را در هر روز بخواند و عمل کند به او عفو و مغفرت دهد و هر که از آن بگریزد و عمل نکند به او عتاب و عقاب دهد.

وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ نَارًا أَنْ تَبْلُغَ أَشُدَّهُ فَأَوْثَقَ لَهَا مِنْ يَدَيْهِ ذِكْرًا وَبَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ يَقْرَأُوا آيَاتِ الْكِتَابِ وَلِيُنذِرَ لِقَوْمِهِمْ آيَاتِ الْكِتَابِ وَلِيُنذِرَ لِقَوْمِهِمْ آيَاتِ الْكِتَابِ وَلِيُنذِرَ لِقَوْمِهِمْ آيَاتِ الْكِتَابِ

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِي سُورَةِ الْأَنْفَالِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ هَكَذَا نَبِّئُكَ بِمَا لَمْ يَحْصُرُوا فِي الْكِتَابِ وَرَبُّكَ يُدْعِيكَ إِلَىٰ أَنْ يَكُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ الْحَقُّ الْمُبِينُ

وَقَالَ كُنْتُ أَصِلِّي فِي الْمَسْجِدِ فَقَدْ عَاقَبَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا أَحْبَبَهُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي كُنْتُ أَصِلِّي فَقَالَ لَمْ يَقُلْ اللَّهُ تَعَالَىٰ اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

وَقَالَ تِلْكَ سُورَةٌ مِنْ أَعْظَمِ السُّورِ فِي الْقُرْآنِ

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِي سُورَةِ الْأَنْفَالِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ هَكَذَا نَبِّئُكَ بِمَا لَمْ يَحْصُرُوا فِي الْكِتَابِ وَرَبُّكَ يُدْعِيكَ إِلَىٰ أَنْ يَكُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ الْحَقُّ الْمُبِينُ

وَقَالَ كُنْتُ أَصِلِّي فِي الْمَسْجِدِ فَقَدْ عَاقَبَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا أَحْبَبَهُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي كُنْتُ أَصِلِّي فَقَالَ لَمْ يَقُلْ اللَّهُ تَعَالَىٰ اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

وَقَالَ تِلْكَ سُورَةٌ مِنْ أَعْظَمِ السُّورِ فِي الْقُرْآنِ

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِي سُورَةِ الْأَنْفَالِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ هَكَذَا نَبِّئُكَ بِمَا لَمْ يَحْصُرُوا فِي الْكِتَابِ وَرَبُّكَ يُدْعِيكَ إِلَىٰ أَنْ يَكُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ الْحَقُّ الْمُبِينُ

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

**قَبْلَ اَنْ يُخْرِجَ مِنَ الْمَسْجِدِ ثُمَّ اخَذَ بِيَدَيْ قَلْبِ اِيَادِهِ**  
 قَبْلَ اَنْ يُخْرِجَ قُلْتُمْ لَهُ اَلَمْ تَقُلْ لَا عَلَيْكَ سُوْرَةٌ هِيَ  
 اَعْظَمُ سُوْرَةٍ مِّنَ الْقُرْآنِ قَالَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
 اَلْعَالَمِينَ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِ وَالْقُرْآنُ الْعَظِيْمُ  
 الَّذِي اُوْتِيْتُهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي اَوَّلِ  
 كِتَابِ التَّفْسِيْرِ وَقَالَ اللهُ تَعَالٰى فِيْ اٰخِرِ سُوْرَةِ التَّوْبَةِ  
 لَقَدْ تَابَ اللهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِيْنَ وَالْأَنْصَارِ  
 الَّذِينَ اتَّبَعُوْهُ فِيْ سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ  
 يَزِيْغُ قُلُوْبُ فَرِيْقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ اٰيَةٌ مِنْهُ  
 رَوْفٌ رَّحِيْمٌ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوْا

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

خداوند متعال را در این آیه تعظیم نموده و میفرماید که ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بترسید و از او بپرهیزید. و از آنچه خدا را نهی کرده است، بپرهیزید. و از آنچه خدا را امر کرده است، عمل کنید. و بدانید که خداوند متعال را در این آیه تعظیم نموده و میفرماید که ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بترسید و از او بپرهیزید. و از آنچه خدا را نهی کرده است، بپرهیزید. و از آنچه خدا را امر کرده است، عمل کنید.

هَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ  
 عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ  
 ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ  
 مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ  
 أَنْ يَتَخَفُوا عَن رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يُغَبِّوْا أَنْفُسَهُمْ  
 عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ  
 وَلَا مَخْصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطُئُونَ مَوْطِئًا  
 يَغِيظُ الْكَافِرَ وَلَا يَنَالُونَ مِنَ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا  
 كَيْتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ

خداوند متعال را در این آیه تعظیم نموده و میفرماید که ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بترسید و از او بپرهیزید. و از آنچه خدا را نهی کرده است، بپرهیزید. و از آنچه خدا را امر کرده است، عمل کنید. و بدانید که خداوند متعال را در این آیه تعظیم نموده و میفرماید که ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بترسید و از او بپرهیزید. و از آنچه خدا را نهی کرده است، بپرهیزید. و از آنچه خدا را امر کرده است، عمل کنید.

این آیه در سوره انفال است و در آنجا که خداوند متعال میفرماید که ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بترسید و از او بپرهیزید. و از آنچه خدا را نهی کرده است، بپرهیزید. و از آنچه خدا را امر کرده است، عمل کنید. و بدانید که خداوند متعال را در این آیه تعظیم نموده و میفرماید که ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بترسید و از او بپرهیزید. و از آنچه خدا را نهی کرده است، بپرهیزید. و از آنچه خدا را امر کرده است، عمل کنید.



انما هو قول الله عز وجل ولا ينفقون نفقة صغيرة  
 ولا كبيرة ولا يقطعون واديا الا كتب لهم  
 الله احسن ما كانوا يعملون عن ابن شهاب  
 عن عبد الرحمن بن عبد الله بن كعب بن مالك  
 ان عبد الله بن كعب بن مالك كان قاتلا  
 كعب من بني حنظلة حين قال سمعت كعب  
 بن مالك يحدث حين تخلف عن قصة  
 نبوك قال كعب لم اخلف عن رسول الله  
 صلى الله عليه وسلم في غزوة عزا ما انا في  
 غزوة نبوك غير اني كنت تخلفت في غزوة عزا

**أَجْرَ الْحَسَنِينَ وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً**  
**وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًّا إِلَّا كُتِبَ لَهُم**  
**بِاللهِ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ عَنْ ابْنِ شَهَابٍ**  
**عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كَعْبٍ بْنِ مَالِكٍ**  
**أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ كَعْبٍ بْنِ مَالِكٍ وَكَانَ قَاتِلًا**  
**كَعْبٌ مِّنْ بَنِي حَنْظَلَةَ حِينَ قَالَ سَمِعْتُ كَعْبَ**  
**بْنِ مَالِكٍ يُحَدِّثُ حِينَ تَخَلَّفَ عَنْ قِصَّةِ**  
**نُبُوكَ قَالَ كَعْبٌ لَّمْ أَتَخَلَّفْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ**  
**صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي غَزْوَةِ عِزَاءَ مَا أَنَا فِي**  
**غَزْوَةِ نُبُوكَ غَيْرَ أَنِّي كُنْتُ تَخَلَّفْتُ فِي غَزْوَةِ عِزَاءَ**

انما هو قول الله عز وجل ولا ينفقون نفقة صغيرة  
 ولا كبيرة ولا يقطعون واديا الا كتب لهم  
 الله احسن ما كانوا يعملون عن ابن شهاب  
 عن عبد الرحمن بن عبد الله بن كعب بن مالك  
 ان عبد الله بن كعب بن مالك كان قاتلا  
 كعب من بني حنظلة حين قال سمعت كعب  
 بن مالك يحدث حين تخلف عن قصة  
 نبوك قال كعب لم اخلف عن رسول الله  
 صلى الله عليه وسلم في غزوة عزا ما انا في  
 غزوة نبوك غير اني كنت تخلفت في غزوة عزا

انما هو قول الله عز وجل ولا ينفقون نفقة صغيرة

انما هو قول الله عز وجل ولا ينفقون نفقة صغيرة  
 ولا كبيرة ولا يقطعون واديا الا كتب لهم  
 الله احسن ما كانوا يعملون عن ابن شهاب  
 عن عبد الرحمن بن عبد الله بن كعب بن مالك  
 ان عبد الله بن كعب بن مالك كان قاتلا  
 كعب من بني حنظلة حين قال سمعت كعب  
 بن مالك يحدث حين تخلف عن قصة  
 نبوك قال كعب لم اخلف عن رسول الله  
 صلى الله عليه وسلم في غزوة عزا ما انا في  
 غزوة نبوك غير اني كنت تخلفت في غزوة عزا



توضیح  
 حاشیه  
 در بعضی از کتب آمده است که این حدیث در بعضی کتب دیگر نیز آمده است

وَكَمْ يَحَاتِبُ أَحَدٌ تَخَلَّفَ عَنْهَا إِنَّمَا خُجِرَ رَسُولُ اللَّهِ  
 و عتاب کرده شد یکی که سپس ماند از غزوه بدر چون این نیست که بیرون شد پس خدا  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُرِيدُ عَيْرَ قُرَيْشٍ حَتَّى يَجْمَعَ  
 علیه و سلم در حالیکه اراده داشت قافلۀ قریش را آنکه جمع کرد  
 اللَّهُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ عَدُوِّهِمْ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ وَلَقَدْ  
 خدا در میان ایشان و در میان دشمن ایشان بر غیر ميعاد و در آنکه جمع کرد  
 شَهِدْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 حاضر بودم با پیغمبر خدا علیه و سلم  
 كِبْلَةَ الْعُقْبَةِ حِينَ تَوَاقَعْنَا عَلَى الْإِسْلَامِ وَمَا أَجِبَ  
 در شب عقبه و تکیه عهد کردیم بر اسلام و دوستی نمودیم  
 أَنِّي لِي بِهَا مَشْهُدٌ بَدْرٌ وَإِنْ كَانَتْ بَدْرٌ أَذْكَرُ فِي  
 آنکه مرا بپوش شب عقبه مشهود بدر بود و اگر بدر مشهورتر در  
 النَّكَاسِ مِنْهَا كَانَ مِنْ خَيْرِي أَنِّي لَمْ أَكُنْ قَطُّ أَقْوَى  
 مردم از ایله عقبه شد از خیر من آنکه هرگز نبودم برگزیده تر از آنکه  
 وَلَا أَكْبَرُ حِينَ تَخَلَّفْتُ عَنْهُ فِي تِلْكَ الْغَزَاةِ وَاللَّهُ  
 و نه تو اگر زیاده از آنکه بودم و تکیه سپس ماندم از آنحضرت علیه و سلم در آن غزوه و گویند  
 مَا أَجْمَعْتُ عِنْدِي قَبْلَهُ رَأْسَ لَتَانِ قَطُّ حَتَّى يَتَقَا  
 هیچ نگردیدم پیش از آن غزوه و دو سواران بارکش هرگز تا آنکه جمع کردم  
 فِي تِلْكَ الْغَزَاةِ وَلَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 در آن غزوه و نبود پیغمبر خدا علیه و سلم

فول و تفسیر  
 رسول الله صلی الله علیه و سلم  
 در آن غزوه بدر چون این نیست که بیرون شد پس خدا  
 علیه و سلم در حالیکه اراده داشت قافلۀ قریش را آنکه جمع کرد  
 خدا در میان ایشان و در میان دشمن ایشان بر غیر ميعاد و در آنکه جمع کرد  
 حاضر بودم با پیغمبر خدا علیه و سلم  
 در شب عقبه و تکیه عهد کردیم بر اسلام و دوستی نمودیم  
 آنکه مرا بپوش شب عقبه مشهود بدر بود و اگر بدر مشهورتر در  
 مردم از ایله عقبه شد از خیر من آنکه هرگز نبودم برگزیده تر از آنکه  
 و نه تو اگر زیاده از آنکه بودم و تکیه سپس ماندم از آنحضرت علیه و سلم در آن غزوه و گویند  
 هیچ نگردیدم پیش از آن غزوه و دو سواران بارکش هرگز تا آنکه جمع کردم  
 در آن غزوه و نبود پیغمبر خدا علیه و سلم

توضیح  
 حاشیه  
 در بعضی از کتب آمده است که این حدیث در بعضی کتب دیگر نیز آمده است



و قتيكہ معلوم ميشد ہار پاي درخت وسايبا و آادہ شدند و سبغير خدا

میلے احمد علیہ وسلم و مسلمانان با کفرت پس شروع کر دیے

کہ برقت بامداد میرفتی تا آنکہ آما و شوم با ایشان پس رجوع میکردم درحالیکہ میانما ختم چیزهای

پس میگفتم در نفس خود و من قادرم پس همیشه بودم این حال

و تکیه سخت بود با مردم کوکوشش پس بوقت آباد شدن کرد پیغمبر

فصل فی احکام علیہ وسلم و مسلمانان با انصاف و بیابا کردہ بعد دم

از رخت خود چیزے را پس گفتم آماده شوم بعد آنحضرت در روزے یاد دوزخ

پستردیدیم ایشان را پس بوقت پاسداریتم بعد از آنکه جدا شدند ایشان تا آناده شوم

پس از ششم و مہما نکردم چیزے را پستریوت باہر دہم رستم پس از ششم

وہ کیا کر دم چیز سے را ہیں پختہ بود با من این حال تا آنکہ بزودی رفتند ایشان

1

[illegible]

بِئْسَ مَا قُلْتِ وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ إِلَّا  
 بدست آنچه که گفتی سوگند بخدا یا رسول الله ندانستیم بروی کسی  
 خیراً فسکت رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 نیکی را پس خاموش شد پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم  
 قَالَ كَبُّ بْنُ مَالِكٍ فَلَمَّا بَلَغَنِي أَنَّهُ تَوَجَّهَ قَافِلًا  
 گفت کب بن مالک پس چون رسیدم مرا آنکه آنحضرت متوجه پشت از منفرات گردید  
 حَضَرَنِي هَيَّيْ وَطَقِيتُ أَتَدْرِكُ الْكِنْبَ وَأَقُولُ  
 لاحق شد مرا اندوه من و شروع کردم که یاد میکردم دروغ را و میگفتم  
 يَمَّا ذَا أَخْرَجَ مِنْ سَخَطِهِ غَدَاً وَاسْتَعْنَتْ عَلَيَّ  
 بجز سبب بیرون شوم از خشم آنحضرت فردا و بدو خواستم بر  
 ذَلِكَ يَكِلُ ذِي رَأْيٍ مِنْ أَهْلِ قَلْبٍ قِيلَ إِنَّ  
 آن از هر صاحب رای از اهل من پس چون گفته شد بتحقیق  
 رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ أَظَلَّ  
 پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم قریب آمد در حالیکه  
 قَادِمًا زَااحِقًا هَيَّيْ الْبَاطِلُ وَعَرَفْتُ أَنِّي لَنْ أَخُورَ  
 باز آئنده است از سر ز اهل شد از من باطل و دانستم آنکه هر آنکه من هرگز بیرون نخواهم  
 مِنْهُ أَبَدًا لَيْسَتْ فِيهِ كَذِبٌ فَأَجْعَلُ صِدْقَهُ  
 از آن گاه بپذیرد که دروغ نباشد پس مصمم گردم که خود را بر است گواهی  
 وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 و بامداد آمد کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

۹۳

که



عِنْدَ غَيْرِكَ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا لَوَيْتَ أَنْ سَاخَرْتُ  
 زود غیر تو از اهل دنیا بر آئینه دیدم آنکه بیرون شوم  
 مِنْ سَخَطِهِ يُعَذِّبُ وَقَدْ أُعْطِيتُ جَدًّا وَلَكِنِّي  
 از خشم او سبب عذر و بر آئینه تحقیق داده شده ام فصاحت ولیکن من  
 وَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُ لَنْ تُحَدِّثَكَ الْيَوْمَ حَدِيثَ  
 سوگند بخدا به تحقیق دانستم بر آئینه اگر گویم بنو امروز سخن  
 كَذِبٍ تَوْضِي بِهِ عَنِّي لِيُوثِّقَنَّ اللَّهُ أَنَّ بَسْطَكَ  
 دروغ خوشنودشوی بان سخن از من بر آئینه قریب است آنکه خدا خشکیین گرداند ترا  
 عَلَيَّ وَلَكِنْ حَدِّثْكَ حَدِيثَ صِدْقٍ تَقْدِرُ  
 بر من و بر آئینه اگر گویم ترا سخن راست خشم گیری  
 عَلَيَّ فِيهِ إِنِّي لَا رُجُوفِيهِ عَفْوًا لِلَّهِ لَا وَاللَّهِ  
 بر من در آن سخن بر آئینه من امید دارم در آن سخن در گذشتن خدا از گناه البته سوگند بخدا  
 مَا كَانَ لِي مِنْ عَذْرٍ وَاللَّهِ مَا كُنْتُ قَطُّ أَقْوَى  
 نبود برای من پشیزی از عذر سوگند بخدا نبودم هرگز نه اتاثر  
 وَلَا أَكْبَرُ مِنِّي حِينَ تَخَلَّفْتَ عَنْكَ فَقَالَ  
 و تو اگر زیاده از آن که بودم من وقتی که سپس ماندم از تو پس گفت  
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَا هَذَا  
 پیغمبر خدا صلوات الله علیه و سلم لیکن این  
 فَقَدْ صَدَّقَ فَقَدْ حَقَّ يَقْضَى اللَّهُ فِيكَ فَقَمْتُ  
 پس به تحقیق راست گفت پس بایست تا آنکه حکم کند خدا در شان تو پس استادم یعنی رفتم

سَلَّمَ قَوْلُهُ فَقَدْ عَلِمْتُ لَنْ تُحَدِّثَكَ الْيَوْمَ حَدِيثَ  
 وقوفه فی الکلام بحیث اخرج من عند الکاتب  
 الی انما اورد فی ایام الاعتذار من  
 التخلّف عن جواب کلامی صحیح بالانوار  
 وقوله ولکن حدّثک حدیث صدق تقدیر  
 بکسر الهمزة تعظیفاً لکلام العبد المذنب  
 القسطلانی ۱۱



ورفتند مردم از قبیلہ بنی سلیہ پس پسر وی کردند مرا پس گفتند مرا

سوگند بخدا نداشتیم ترا کہ کردہ بودی گناہ

بر آئینه تحقیق عاجز شدی آنکه نبودی که عذر خواستی که دمی

بسم الله الرحمن الرحيم

بود کانی ترا بیخه برای گناه تو طلب آمرزش گیرن

برای تو پس سوختند قدامت و مسلم

طاعت می کردند سرا تا آنکه اراده کردم آنکه باز کردم پس تا سبب نفس خود را

عظیم مرآتیان را آیا در رسید این حال را با من بیچ می گفتند

پس منہ سے سر نکالیاں اور اس کا دم رانہ

[illegible][illegible]

وَهَلَالُ بْنُ أُمَيَّةَ الْوَاقِفِي فَذَكَرُوا لِي رَجُلَيْنِ

در حال بن امیه واتی اند پس ذکر کردند بن دوم مردم

صَالِحَيْنِ قَدْ شَهِدَا بَدْرًا فِيهَا أَسُوفَةٌ مُضِيدَةٌ

صلح را که تحقیق حاضر شده بودند در غزو بدر و در ایشان قابلیت پیشوایی بود پس گفت

حِينَ ذَكَرُوا هَآلِي وَتَمَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

وقتی که ذکر کردند آن دوم دم را بن و باز داشت پیغمبر خدا صلوات الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُسْلِمِينَ عَنْ كَلَامِنَا إِلَيْهَا الثَّلَاثَةُ

علیه و سلم مسلمانان را از کلام ما که شمرده بودیم

مِنْ بَيْنِ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ فَأَجْتَنَبْنَا النَّاسَ وَتَغَيَّرُوا

از میان کسانی که پس ماندند از آنحضرت پس پشیمان گردیدند از مردم و متغیر شدند

لَنَا حَتَّى تَنَكَّرْتُ فِي نَفْسِي الْأَرْضُ فَمَا هِيَ إِلَّا أَعْوَتْ

از ما تا آنکه متغیر شد در نفس من زمین پس نبود آن زمین که چشم نام آوردا

فَلَيْتُنَا عَلَى ذَلِكَ خَمْسِينَ لَيْلَةً فَأَمَّا صَاحِبَايَ

پس درنگ کردیم بر آن حال پنجاه شب پس لیکن دو یاران من

فَأَسْتَكْنَا وَقَعَدَا فِي يَوْمَيْهِمَا يَبْكِيَانِ وَأَمَّا أَنَا فَكُنْتُ

پس فروتنی کردند و نشستند در خانه های خود در حالیکه می گریستند و لیکن من پس بودم

أَشْبَ الْقَوْمِ وَأَجَلَدُهُمْ فَكُنْتُ أَخْرَجُ فَأَشْهَدُ

نزداترین قوم و دیر بکترین ایشان پس بودم که بیرون می شدم پس ماضی شدم

الصَّلَاةَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ وَأَطُوفُ فِي الْأَسْوَاقِ

برای نماز با مسلمانان و می گردیدم در بازارها

[illegible]

أَحَبُّ إِلَهٍ وَرَسُولِهِ فَسَكَتَ فَعَدَّتْ لَهُ فَتَشَدُّ  
 که دوست می دارم خدا و پیغمبر خدا را پس خاموش ماند پس باز گفتم کلام خود را بجا نیاورد پس  
 فَسَكَتَ فَعَدَّتْ لَهُ فَتَشَدُّ فَقَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ  
 پس خاموش ماند پس از گفتم کلام خود را با او پس سوال کردم از او پس گفت خدا و رسول او  
 أَعْلَمُ فَقَاضَتْ عَيْنَايَ وَتَوَلَّيْتُ حَتَّى تَشَوَّرْتُ  
 و آنرا تراست پس روان شد از من چشمهای من در دو گردانیدم تا آنکه برآمدم  
 الْحَدَّ قَالَ فَبَيْنَا أَنَا أَمْشِي بِسُوقِ الْمَدِينَةِ  
 بر دیوار گفت کعب بن مالک پس در ششای آنکه من میرفتم در بازار مدینه  
 إِذْ أَنْبِئُنِي مِنْ أَنْبَاءِ أَهْلِ الشَّامِ مِمَّنْ قَدِمَ بِالطَّعَامِ  
 هنگامی که از کشته و زنده از اهل شام از جمله کسانی که آورده طعام را  
 بِبَيْعَةٍ بِالْمَدِينَةِ يَقُولُ مَنْ يَدُلُّ عَلَى كَعْبِ بْنِ  
 در حالیکه می فروختند آنرا و مدینه میگفت کدام کس رهنمای میکند بسوی کعب بن مالک  
 مَالِكٍ فَطَفِقَ النَّاسُ يُشِيرُونَ لَهُ حَتَّى إِذَا جَاءَ  
 پس شروع کردند مردم که اشارت می کردند او را تا آنکه چون آمد آن شخص نزد  
 دَفَعَ إِلَيَّ كِتَابًا مِنْ مَلِكِ غَسَّانَ فَإِذَا فِيهِ أَمْرٌ  
 داد بمن نامه از جانب شاه غسان پس نگاه در آن نامه این بود  
 بَعْدُ فَإِنَّهُ قَدْ بَلَغَنِي أَنَّ صَاحِبَكَ قَدْ جَفَاكَ  
 پس بر آنید شان اینست که تحقیق در رسید مرا آنکه صاحب تو تحقیق ستم کرد بر تو  
 وَلَمْ يَجْعَلْكَ اللَّهُ بِدَارِ هَوَانٍ وَلَا مَضْيَعَةٍ  
 و نگردانید ترا خدا در خانه خواری و نه در جاییکه ضایع شود حق تو

قَالِحَقِّ يَا نَوَاسِيكَ فَقُلْتُ لِمَا قَرَأْتُهَا وَهَذَا أَيْضًا  
 مِّنَ الْبَكَاءِ فَيَقِمْتُ بِهَا التَّوَرُ فَيَجُزُّتُهُ بِهَا  
 حَتَّى إِذَا مَضَتْ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً مِّنَ الْخَمْسِينَ  
 إِذَا رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 يَا أَيَّتُهَا فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَسَلَّمَ يَا مُرَّةَ أَنْ تَعْتَرِكِ أَعْرَافَكَ فَقُلْتُ  
 أَطْلِقِيهَا أَمْ مَاذَا أَفْعَلُ قَالَ لَا بَلْ اعْتَرِكِيهَا  
 لَا تَقْرُبِيهَا وَأَرْسَلَنِي إِلَى صَاحِبِي مِثْلَ ذَلِكَ  
 فَقُلْتُ لَا مُرَاتِي الْحَقِّ يَا هَلِكُ فَتَكُونِي عِنْدَهُمْ  
 حَتَّى يَقْضَى اللَّهُ فِي هَذَا الْأَمْرِ قَالَتْ كَيْفَ فَجَاءَتْ

[illegible]

امراً هلاكاً بن أمية رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 زن هلال بن امیه نزد پیغمبر خدا علیه السلام  
 وسلم فقالت يا رسول الله ان هلاكاً بن أمية  
 پس گفت یا رسول الله هلال بن امیه  
 شیخ ضایع لیس له خیاره فهل تکره ان امتد  
 پیریت تافشونده نیت مرا در کار این آیا ناپسنداری آنکه خدمت کنم او را  
 قال لا ولكن لا یقر بک قالت لانه والله ما به  
 گفت آنحضرت نه ولیکن سباحت کند با تو گفت آن زن بر آنکه شایسته اینست بگویند بخوانید  
 حركة الى شئ والله ما زال يبكى منذ كان  
 جنبه بسوی چیزی سوگند خدا همیشه است که بگرید از دقیقه شد  
 من امره ما كان الى يومه هذا فقال لي بعض  
 از امر او آنچه گرشد تا امروز پس گفت مرا بعض  
 اهل لواء استاذنت رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 اهل من اگر طلب اذن کنی از پیغمبر خدا علیه السلام  
 وسلم في امر آيتك كما آذن لامرأة هلال بن  
 و سلم در حال زن خود چنانکه دستوری داد آنحضرت برای زن هلال بن  
 أمية ان تخدمه فقلت والله لا استأذن فيها  
 امیه خدمت کند آن زن هلال بن امیه را پس گفتم سوگند خدا طلب اذن نخواهم کرد در میان او  
 رسول الله صلى الله عليه وسلم وما يدري  
 از پیغمبر خدا علیه السلام و منم چه چیز آید از او





مصلحت قوله در کفر الی  
 قوله فی ان از این سخن العام  
 و قوله سیح ساج من اسلم  
 یؤمن فین عمر و الا سلم فمناه  
 الوافدی و عند من کان  
 ان الدین سیمایه و عمر  
 و فی عند من کان  
 بقوله و قوله فاسلم فمناه  
 فی من الشیبه و غیره  
 کما صرح به فی بیان و قوله  
 و اخبرت توین الی من  
 الی مآله که عند الوافدی  
 کما فی شرح صحیح البخاری  
 للعلامة الفسطاطی ۱۲

قَالَ فَخَرَرْتُ سَاجِدًا اَوْ عَرَفْتُ اَنْ قَدْ جَاءَنِي  
 گفت کعب پس برود و افتادم سجد کننده و دانستم آنکه تحقیق آمد کشائش  
 وَ اِذَنْ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 و آنگاه نامید پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم  
 بِتَوْبَةِ اللهِ عَلَيْنَا حِينَ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ فَذَهَبَ  
 باز گشتن خدا برعت بر ما و توبه گنارد آمد حضرت نماز فجر را پس رفتند  
 النَّاسُ يَكْثُرُ فَنَاوَذَهُ بَقَبْلٍ صَاحِبِي مَبْشُرُونَ  
 مردم برای آنکه خبر خوش دهند مرا و رفتند بسوی دو صاحبان من خبر خوش دهنده  
 وَ رَكَضَ اِلَيَّ رَجُلٌ فَرَسًا وَ سَعَى سَاعِرٌ مِنْ اَسْلَمَ  
 و تاخت بسوی من مردی اسب را و دوید و دوند از قبیله اسلم  
 فَأَوَيْ اَعْلَى الْجَبَلِ وَ كَانَ الصَّوْتُ اَسْرَعَ مِنَ الْفَرَسِ  
 پس برآمد بر کوه و بود آواز نیز تر در رسیدن از اسب  
 فَلَمَّا جَاءَنِي الَّذِي سَمِعْتُ صَوْتَهُ يَكْثُرُ فِي تَوَعُّتِ  
 پس چون آمد نزد من آنکه شنیدم آواز او در حالیکه مژده میداد مرا کشیدم و  
 لَهُ ثَوْبِي فَكَسَوْتُهُ اِيَّاهَا يُبْشِرَاةً وَاللهُ مَا اَمْلِكُ غَيْرَ  
 برای او دو جامهای خود را پس پوشانیدم آن مرد را این هر دو جامها بسبب مژده او و شدم بخدا مالک نبودم  
 يَوْمَئِذٍ وَ اسْتَعْرِفْتُ ثَوْبَيْنِ فَلَبِسْتَهُمَا وَ انْطَلَقْتُ  
 در آن روز و بجا رفت خواستم دو جامها پس پوشیدم آن دو جامها و رفتم  
 اِلَى رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَتْلِقَانِي  
 بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم پس پیش آمدند مرا



قُلْتُ أَمِنْ عِنْدَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمِنْ عِنْدِ اللَّهِ

گفتم آری از نزد تو یا رسول الله یا از نزد خدا

قَالَ لَا بَلْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

گفت آنحضرت نه بلکه از نزد خدا و بود پیغمبر خدا صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا سُرَّ اسْتَبَارَ وَجْهَهُ حَتَّى كَانَهُ

الله علیه وسلم چون شاد میشد روشن میشد روی مبارک آنحضرت تا آنکه گویا

قِطْعَةً مَّقْرُوكًا نَعُوتُ ذَلِكَ مِنْهُ فَلَمَّا جَلَسْتُ

پاره ماه بود و بودیم مکه می خواستیم آنرا اذان پس چون نشستم

بَيْنَ يَدَيْهِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ مِنْ تَوْبَتِي

پیش آنحضرت گفتم یا رسول الله بر آنیم از توبه نیست

أَنْ أَخْلِعَ مِنْ مَالِي صَدَقَةً إِلَى اللَّهِ وَإِلَى

آنکه بیرون شوم از مال خود از روی صدقه بسوی خدا و بسوی

رَسُولِ اللَّهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پیغمبر خدا گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه و

سَلَّمَ أَمْسِكْ عَلَيْكَ بَعْضَ مَا لَكَ فَهُوَ خَيْرٌ

بیا سر بردار از خود بعض مال خود را پس این کار نیکوتر است

لَكَ قُلْتُ فَإِنِّي أُمْسِكُ سَهْمِي الَّذِي يَجِبُ لِي

مرزا گفتم پس بر آنیم من میدارم نزد خود آن بهره خود را که بخیر است

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يَنْجَا نَفْسَ

پس گفتم یا رسول الله بجز این نیست که نجات داد مرا

بِالصِّدْقِ وَإِنْ مِنْ تَوْبَتِي أَنْ لَا أَحَدٌ يَتَّبِعُنِي  
 بِصِدْقِ رَاسْتِي و هر آینه از نوم پشت آنکه سخن بگویم  
 إِلَّا صِدْقًا مَا يَقْبُتُ قَوْلَ اللَّهِ مَا أَعْلَمُ أَحَدًا  
 رست تا زنده مانم پس سوگند بخدا نمی دانم هیچ یکی را  
 مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا اللَّهُ فِي صِدْقِي الْحَدِيثُ  
 از مسلمانان که نعمت داده باشد او را خدا در راستی سخن  
 مِنْذُ ذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
 از وقتی که ذکر کردم آنرا از پیغمبر خدا علیه السلام  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى يَوْمِي هَذَا أَحْسَنَ مِمَّا أَيْلَانِي  
 دسلم تا امروز نیکوتر از آنکه نیت داشتم  
 وَمَا تَعَدَّتْ مِنْذُ ذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ  
 و آنچه نگزیدم از وقتی که ذکر کردم آنرا از پیغمبر خدا  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى يَوْمِي هَذَا الْكَذِبَ  
 علیه السلام تا امروز دروغ گویی را  
 وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَحْفَظَنِي اللَّهُ فِيمَا يَقْبُتُ وَأَنْزَلَ  
 و تحقیق من هر آنچه امید دارم آنکه نگاه دارد مرا خدا در آن زمان که زنده مانم و نازل کرد  
 اللَّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 خدا بر پیغمبر خدا علیه السلام  
 لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَى قَوْلِهِ  
 لقد تاب الله على انبیا و المهاجرین تا قول خدا

این توبه فایده  
 با اهل احسان  
 المسلمین ایضا  
 بالوصف و الکلمه  
 ای انتم علیه السلام  
 انفسه و انفسه

قِيلَ مِنْهُمْ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 پذیرفت از ایشان پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

[illegible]

حِينَ حَلَفُوا لَهُ فَبَايَعَهُمْ وَأَسْتَغْفَرَهُمْ وَأَرْحَمَهُمْ  
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَهْرَ نَاحِي  
 قَضَى اللَّهُ فِيهِ فَبِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ  
 الَّذِينَ خَلَفُوا وَلَيْسَ كَلَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ فَمَا خَلَفْنَا  
 عَنِ الْغَزْوِ وَأَنَّمَا هُوَ تَخْلِيْفُهُ إِيَّانَا وَارْجَاءُ كَأَمْنٍ  
 حَلَفَ لَهُ وَاعْتَدَ رَأْيَهُ فَقَبِلَ مِنْهُ رَوَاهُ  
 الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْمَغَازِي فِي بَابِ  
 حَدِيثِ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي  
 صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ التَّوْبَةِ وَعَنْ إِسْحَاقَ بْنِ  
 زَيْدٍ أَنَّ الزُّهْرِيَّ حَدَّثَهُ قَالَ أَخْبَرَنِي

صلوات الله عليه  
 ایانا وارجاء امرنا کن طفت  
 لرد اعتذار قبل من قال  
 العذر القسطاني والرد  
 علی تو را هم غفر علی التوبة  
 لان الغزو وقایع الحول  
 واما الله فاستحب توبة  
 بولك وتوبة الله علی كعب  
 بن زهير ووافقه مطولاد  
 طبراد بن سفيان  
 ۱۸۸  
 بولك ووافقه مطولاد  
 طبراد بن سفيان  
 ۱۸۸  
 بولك ووافقه مطولاد  
 طبراد بن سفيان  
 ۱۸۸

در این باب از ابن عباس

در این باب از ابن عباس

در این باب از ابن عباس

عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ  
 عبد الرحمن بن عبد الله بن كعب بن مالک  
 عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي كَعْبَ بْنَ مَالِكٍ  
 از پدر خود عبد الله گفت عبد الله شنیدم پدر خود کعب بن مالک را  
 وَهُوَ أَحَدُ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ تَبَيَّنَ عَلَيْهِمُ أَنََّّهُ  
 و آن یکی از آن سه کسانست که بر حق بودنشان که بر آئینه  
 لَمْ يَتَخَلَّفْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ  
 کعب پیش نماند از پیغمبر خدا صلی الله علیه و  
 سَلَّمَ فِي غَزْوَةِ غَزَا حَاقِظَ غَيْرِ غَزْوَتَيْنِ  
 مسلم در هیچ غزوه که غزوه کرده آنحضرت بجز دو غزوه  
 غَزْوَةِ الْعُسْرَةِ وَغَزْوَةِ بَدْرٍ قَالَ فَاجْتَمَعَتْ  
 غزوه العسرة یعنی غزوه تبوک و غزوه بدر گفت کعب پس هم گردم تقدیر خود را  
 صِدْقَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 راست گویی با پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم  
 ضَحَى وَكَانَ قُلُوبُ مَا يَقْدَمُ مِنْ سَفَرٍ سَافِرَةً إِلَّا  
 بوقت چاشت و بود آنحضرت کم باز می آمد از سفر که سفر کرده آنحضرت که  
 ضَحَى وَكَانَ يَبْدَأُ بِالْمَسْجِدِ فَيَبْرُكُ رُكْعَتَيْنِ  
 چاشتگاه و بود آنحضرت که اول می آمد در مسجد پس میزارد دو رکعت  
 وَنَهَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ كَلَامِي  
 و از داشت پیغمبر صلی الله علیه و سلم از کلام من

سَمِعْتُ فَارُوقَ بْنَ عَمْرٍو  
 و سَمِعْتُ فَارُوقَ بْنَ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ  
 النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ



[illegible]



[illegible]

التَّوْبَةُ فَلَا ذِكْرَ الَّذِينَ كَذَبُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى  
 حال قبول توبه پس هرگاه ذکر کرده شد که کسی دروغ گفتند خدا بخیر  
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْمُتَخَلِّفِينَ وَاعْتَدِرُوا  
 الله عليه وسلم از جمله پس ماندگان و عذر خواهی کردند  
 بِالْبَاطِلِ ذِكْرُوا لَيْسَ مَا ذَكَرَ بِهِ أَحَدٌ قَالَ يُعَذِّرُ  
 ذکر کرده شد نه آن کسان به بدترین جای که ذکر کرده شد آن بچه که گفت خدا من  
 الْيَكْمُ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَدِرُوا وَالَّذِينَ  
 بسوی شما چون باز آید بسوی ایشان بگو عذر خواهی کنید او بچه بسوی شما  
 لَكُمْ قَدْ تَبَيَّنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ  
 سخن شما را بشنود خبر داده است اما خدا از اخبار شما زود بیند خدا  
 عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ الْآيَةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي  
 عمل شما را و پیغمبر او تا آخر است روایت کرد این حدیث را بخاری در  
 صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ التَّفْسِيرِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى  
 صحیح بخاری در کتاب التفسیر الله گفت تعالی  
 فِي سُورَةِ الْأَحْزَابِ الْبَنِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ  
 در سوره احزاب بنی من است از اولیای مؤمنان  
 مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا  
 از نفسهای ایشان و زنان پیغمبر مادران مسلمانانند و صاحبان  
 الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ  
 قرابت بعضی ایشان سزاوارترند ببعض کتاب خدا

والمراد بالادريس  
المؤمنون والمؤمنات  
الذين لا يشكوا في الدين كان  
ذلك من صفات الكتاب  
مسكود اى التواتر  
بالادريس كان مسكود  
في النوع هذا من  
مدارك التفريل ١١

[illegible]

فقدنا العبد المذنب عبد الله بن محمد بن علي بن الحسين  
بن علي بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن محمد بن علي بن الحسين

تفويض بعضهم على بعض، ولكن  
بالعلم والاعتناء الذي هو

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ  
 أَوْلِيَائِهِمْ مِمَّا كُنْتُمْ فِيهِ كَافِرِينَ  
 مَسْطُورًا ۚ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِي سُورَةِ التَّغْوِينِ  
 وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ  
 فَأَعْلَىٰ رُسُولِنَا الْبَيْعُ الْمُبِينُ ۝  
 الْبَابُ الثَّامِنُ فِي بَيَانِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى  
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ  
 عَلَيْهِمْ صَلَوَاتُ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ  
 فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ  
 عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ  
 دَرَجَاتٍ ۚ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ

[illegible][illegible]



قسطنطين الاكبر  
 وسليم كان بالجزيرة  
 دكلا من صلي اللورد  
 من الجاني في الجزيرة  
 من الجاني في الجزيرة  
 من الجاني في الجزيرة

*[Faint handwritten notes at the bottom left corner.]*

اولین و آخرین را بر زمین کشاد و مستوی پس ایشان را پیغمبر و ایشان را پادشاهان



آدم است پس بیاید ایشان نزد حضرت آدم <sup>علیه السلام</sup> و فرمود <sup>خدا</sup> خَلَقَكَ اللَّهُ بِيدِهِ وَفَضَّلَكَ مِنْ رُوحِهِ  
 وَاَمَّا الْمَلَكَةُ فَسَجَدُ وَالْكَوَاكِبُ وَاسْكَنْكَ الْجَنَّةَ  
 وَفِيهَا رِيشَانٌ رَا <sup>پس سجده کردند</sup> تَمَا <sup>و ساکن کرد</sup> و رَا خَدَا وَرَبَّ شَت  
 اَلَا تَسْتَغْفِرُ لَنَا اِلَى رَبِّكَ اَلَا تَرَى مَا خُفِيَ فِيهِ  
 وَمَا لَكُنَا فَيَقُولُ رَبِّي غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَبًا  
 لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ وَلَا يَغْضَبُ بَعْدَهُ  
 كَرِهْتُكَ امْرُوزَ <sup>پیش امروز</sup> مَاتَدَايْنِ خَشَمٌ وَخَشَمٌ فَوَاحِدٌ كَرِهْتُكَ امْرُوزَ

و فرمود <sup>خدا</sup> خَلَقَكَ اللَّهُ بِيدِهِ وَفَضَّلَكَ مِنْ رُوحِهِ  
 وَاَمَّا الْمَلَكَةُ فَسَجَدُ وَالْكَوَاكِبُ وَاسْكَنْكَ الْجَنَّةَ  
 وَفِيهَا رِيشَانٌ رَا <sup>پس سجده کردند</sup> تَمَا <sup>و ساکن کرد</sup> و رَا خَدَا وَرَبَّ شَت  
 اَلَا تَسْتَغْفِرُ لَنَا اِلَى رَبِّكَ اَلَا تَرَى مَا خُفِيَ فِيهِ  
 وَمَا لَكُنَا فَيَقُولُ رَبِّي غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَبًا  
 لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ وَلَا يَغْضَبُ بَعْدَهُ  
 كَرِهْتُكَ امْرُوزَ <sup>پیش امروز</sup> مَاتَدَايْنِ خَشَمٌ وَخَشَمٌ فَوَاحِدٌ كَرِهْتُكَ امْرُوزَ

و فرمود <sup>خدا</sup> خَلَقَكَ اللَّهُ بِيدِهِ وَفَضَّلَكَ مِنْ رُوحِهِ  
 وَاَمَّا الْمَلَكَةُ فَسَجَدُ وَالْكَوَاكِبُ وَاسْكَنْكَ الْجَنَّةَ  
 وَفِيهَا رِيشَانٌ رَا <sup>پس سجده کردند</sup> تَمَا <sup>و ساکن کرد</sup> و رَا خَدَا وَرَبَّ شَت  
 اَلَا تَسْتَغْفِرُ لَنَا اِلَى رَبِّكَ اَلَا تَرَى مَا خُفِيَ فِيهِ  
 وَمَا لَكُنَا فَيَقُولُ رَبِّي غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَبًا  
 لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ وَلَا يَغْضَبُ بَعْدَهُ  
 كَرِهْتُكَ امْرُوزَ <sup>پیش امروز</sup> مَاتَدَايْنِ خَشَمٌ وَخَشَمٌ فَوَاحِدٌ كَرِهْتُكَ امْرُوزَ

مِثْلَهُ وَنَهَانِي عَنِ الشَّجَرَةِ فَحَصَيْتُ نَفْسِي نَفْسِي  
 مانند این شستم و باز داشت مرا از درخت پس نافرمانی کردم نفسی نفسی  
 إِذْ هَبُوا إِلَى غَيْرِي إِذْ هَبُوا إِلَى نُوحٍ قِيَادُونَ  
 بروید بسوی غیر من بروید بسوی نوح پس قیاد  
 نُوحًا فَيَقُولُونَ يَا نُوحُ أَنْتَ أَوَّلُ الرُّسُلِ  
 نوح را پس گویند ای نوح تو اول نبی رسولان  
 إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَسَمَّاكَ اللَّهُ عَبْدًا شَكُورًا  
 بسوی اهل زمین و نام نهاد ترا خدا عبد شکور یعنی سپاسگزار  
 الْأَتْرَى مَا تَحْنُ فِيهِ الْأَتْرَى إِلَى مَا بَدَلْنَا  
 ای آنکه بینی و ما را که ما در اینیم آیا نظر نمی کنی بسوی دیگر که ما را  
 الْأَتْرَى لَنَا إِلَى رَبِّكَ فَيَقُولُ رَبِّي غَضِبَ  
 ای شفاعت نمی کنی برای ما نزد پروردگار خود پس گوید نوح پروردگار من خشم گرفت  
 الْيَوْمَ مَغْضَاهُ يَغْضَبُ قَبْلَهُ مِثْلَهُ وَلَا يَنْصُرُ  
 امروز خشم گرفتن امروز خشم گرفتن مانند آن و شتم نمی تواند بر او  
 بَعْدَ مِثْلِهِ نَفْسِي نَفْسِي إِيَّاكَ الْبَنِي قِيَادُونَ  
 بعد از این نفسی مانند آن پس بیاید نزد آنحضرت پس اینها را  
 فَاسْجُدْ تَحْتَ الْعَرْشِ فَيَقَالُ يَا مُحَمَّدُ ارْفَعْ  
 پس سجده کن زیر عرش پس گفته شود ای محمد ای بالا بردار  
 رَأْسَكَ وَاشْفَعْ تَشْفَعُ وَرَسُولُ نَعْمَةَ قَالَ هَلْ  
 سر خود را و شفاعت کن مقبول شفاعت شوی و بطلب داده شوی گفتند ای محمد

این قول  
 قال محمد بن عبد  
 لا اختلاف  
 بر او در روایة  
 بنی الحدیث و او  
 عن ابی حسان  
 عن ابی زرارة  
 عن ابی هریرة  
 و قال فی آن  
 ما اخف سكره  
 قال العلاء بن رزق  
 عن ابی حنيفة  
 عن ابی جابر  
 عن ابی بصیر  
 عن ابی سلمة  
 عن ابی ذر

بَنُ عُبَيْدٍ لَا أَحْفَظُ سَائِرَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ  
بن عبید یاد نمی دارم باقی حدیث را روایت کرد ابن حدیث البخاری  
 فِي صَحِيحِهِ فِي أَوَّلِ كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ وَعَنْ  
در صحیح بخاری در شروع کتاب الانبیاء و روایت است از  
 أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
ابن سعید گفت گفت پیغمبر خدا صلی الله  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
علیه وسلم من سردار اولاد آدم روز قیامت  
 وَلَا خَيْرَ وَبَيْدَى لَوَاءِ الْحَمْدِ وَلَا خَيْرَ وَمَا مِنْ  
درین روز نیست و در دست من لوار حمد خواهد بود و درین روز نیست و نبود کدای  
 نَبِيٍّ يَوْمَئِذٍ آدَمُ مِنْ سِوَاهِ الْأَخْتِ لَوَائِي  
پیغمبر در آن روز آدم و هیچ پیغمبر این سوای او مگر زید نیزه منم  
 وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ وَلَا خَيْرَ  
و من اول شخصم که از او تنه زمین از آن روز نیست  
 وَفِي الْحَدِيثِ قِصَّةُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي  
و در حدیث قصه روایت کرد ابن ترمذی در  
 جَامِعِهِ فِي أَوَّلِ أَبْوَابِ الْمَنَاقِبِ وَقَالَ هَذَا  
جامع ترمذی در شروع ابواب المناقب و گفت ندی این  
 حَدِيثٌ حَسَنٌ وَعَنْ جَبْرِ بْنِ مُطْعِمٍ  
حدیث حسن است و روایت است از جبر بن مطعم

در صحیح بخاری  
 در کتاب الانبیاء  
 در روایت است از  
 ابن سعید  
 گفت  
 گفت  
 پیغمبر  
 خدا  
 صلی الله  
 علیه وسلم  
 من  
 سردار  
 اولاد  
 آدم  
 روز  
 قیامت  
 درین  
 روز  
 نیست  
 و در  
 دست  
 من  
 لوار  
 حمد  
 خواهد  
 بود  
 و درین  
 روز  
 نیست  
 و نبود  
 کدای  
 پیغمبر  
 در آن  
 روز  
 آدم  
 و هیچ  
 پیغمبر  
 این  
 سوای  
 او  
 مگر  
 زید  
 نیزه  
 منم  
 و من  
 اول  
 شخصم  
 که از  
 او  
 تنه  
 زمین  
 از آن  
 روز  
 نیست  
 و در  
 حدیث  
 قصه  
 روایت  
 کرد  
 ابن  
 ترمذی  
 در  
 جامع  
 ترمذی  
 در  
 شروع  
 ابواب  
 المناقب  
 و گفت  
 ندی  
 این  
 حدیث  
 حسن  
 است  
 و روایت  
 است  
 از  
 جبر  
 بن  
 مطعم



في محنتهم ودارهم ليدلوا ذلك على انه  
 معدن الايمان هناك كلهم فاض  
 لانهم كمن حينئذ دراهم مسجد وهو  
 المسجد الاقصي بموسم المقدس  
 الاضطلاني في تفسير قوله تعالى اسنة  
 فاضت الصلوة فاضهم قال العلامة  
 في قوله اسنة من قوله اسنة  
 في قوله اسنة من قوله اسنة  
 في قوله اسنة من قوله اسنة

فَخَانَتْ الصَّلَاةَ فَأَمَّتْهُمْ فَلَمَّا فَرَغَتْ مِنَ الصَّلَاةِ  
 پس آمد وقت نماز پس امام پیغمبران شدم پس هرگاه که فارغ شدم از ادای نماز  
 قَالَ لِي قَائِلٌ يَا مُحَمَّدُ هَذَا مَالُكَ صَاحِبُ  
 گفت مرا گوینده ای محمد این مالک  
 النَّارِ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ فَالتَقْتُ إِلَيْهِ فَبَدَأَ بِي بِالسَّلَامَةِ  
 آتش است پس سلام کن بر او پس نظر کردم جانب وی پس اول مرا مالک سلام کرد  
 رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْإِيمَانِ  
 روایت کرد این حدیث را مسلم در صحیح مسلم در کتاب ایمان  
 فِي بَابِ الْأَسْرَاءِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 باب اسرا پیغمبر خدا صلی الله علیه  
 وَسَلَّمَ وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ  
 در روایت است از انس بن مالک گفت گفت  
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا أَكْثَرُ  
 خدا صلی الله علیه وسلم من پیغمبران  
 الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَقُومُ  
 از روی پیروی کنندگان روز قیامت و من اول شخصم که بیدار  
 بَابُ الْجَنَّةِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  
 در بهشت را در روایت است از پیغمبر خدا  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنِّي بَابُ الْجَنَّةِ  
 صلی الله علیه وسلم بیایم نزد در بهشت

فَدَلَّ مُسْلِمٌ  
 أَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ  
 شَيْخًا قَالَتْ فِي  
 الْقَامَةِ  
 وَالتَّحْقِيقُ  
 أَنَا أَكْثَرُ  
 الْأَنْبِيَاءِ  
 تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَقُومُ  
 ۱۲۲

١٦  
سياقي بيان الزور  
مع البحار  
لنقله عما ذكره  
اضيف اليه هذا  
لما كان باره  
في وصف  
ذكره في الوصف  
بان ابن الجوزي  
على



لیکن کما جہ  
 اولاد ارشاد  
 و ثواب علیہ  
 لیتفق بہ الذہ  
 لنفسہ او  
 اسلہ السکھما  
 الذہ عالمہ انقاد  
 طلب من ائمہ  
 فی الوسیلہ  
 صلعم سوادہ  
 سلام

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَأَلَ اللَّهَ  
 فِي الْوَسِيلَةِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْوَسِيلَةُ  
 قَالَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ لَا بَيْنَ لَهَا إِلَى الْأَجَلِ  
 وَاحِدٌ أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ  
 وَقَالَ هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ وَكَعْبٌ لَيْسَ هُوَ  
 بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَعْلَمُ أَحَدًا رَوَى عَنْهُ غَيْرُ  
 لَيْثِ بْنِ أَبِي سَلِيمٍ وَعَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ عَنِ  
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ  
 الْقِيَامَةِ كُنْتُ إِمَامَ النَّبِيِّينَ وَخُطِيبَهُمْ وَصَاحِبَ  
 شَفَاعَتِهِمْ غَيْرَ فِي رِوَاةِ التِّرْمِذِيِّ وَقَالَ هَذَا

ایستخمس  
 بر این وسیله  
 گفتند  
 رسول الله  
 و بیعت و وسیله  
 گفت اخفرت بالاتر مرتبه است  
 در بهشت نباید آن مرتبه را اگر شخصی  
 امید میدارم اینکه باشم  
 من آن شخص روایت کرد این حدیث را ترمذی  
 و گفت ترمذی این حدیث غریب است و کعب نیست  
 و نمی دانم هیچ کس را که روایت کرد از آن جز  
 لیت بن ابی سلیم و عن ابی بن کعب  
 در حدیث است از ابی بن کعب و ابو ذر  
 صلعم  
 ایستخمس  
 بر این وسیله  
 گفتند  
 رسول الله  
 و بیعت و وسیله  
 گفت اخفرت بالاتر مرتبه است  
 در بهشت نباید آن مرتبه را اگر شخصی  
 امید میدارم اینکه باشم  
 من آن شخص روایت کرد این حدیث را ترمذی  
 و گفت ترمذی این حدیث غریب است و کعب نیست  
 و نمی دانم هیچ کس را که روایت کرد از آن جز  
 لیت بن ابی سلیم و عن ابی بن کعب  
 در حدیث است از ابی بن کعب و ابو ذر

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible]

دارمی در شروع سفری واری

نام: در بیان دعا سیدنا ابراهیم

علیہ السلام ہر اسے نعمت ہے

دوربان اول شان

وہیلاد آنحضرت صلیم و آنحضرت سرور ما محمد است علیہ السلام

عليه وسلم  
عبد الله  
عبد المطلب  
عليه

کتاب

پیر مر پیر پیر لوی پیر غالب پیر مر

باب اول فی بیان کلیات و احوال

پسر الیاس پسر محضر پسر نزار پسر سعد پسر عدنان

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

۸  
 فی صلی اللہ علیہ وسلم  
 انتم بادا منی الا عباد  
 الیہم انتم فی الدنیا  
 والآخرۃ صلی اللہ علیہ وسلم  
 تک فی التقریرات الخ  
 الیہم اوم جنتہ ولی  
 فانک جنتہ انما انقل  
 فی انشاء الاستبانه  
 تفراد فیہ تحقیق انک  
 تذاب القم تقول انک  
 فی الذکر وکوردن  
 فی القم نقل الکلام  
 صلی اللہ علیہ وسلم

[illegible]

۸  
 فی صلی اللہ علیہ وسلم  
 انتم بادا منی الا عباد  
 الیہم انتم فی الدنیا  
 والآخرۃ صلی اللہ علیہ وسلم  
 تک فی التقریرات الخ  
 الیہم اوم جنتہ ولی  
 فانک جنتہ انما انقل  
 فی انشاء الاستبانه  
 تفراد فیہ تحقیق انک  
 تذاب القم تقول انک  
 فی الذکر وکوردن  
 فی القم نقل الکلام  
 صلی اللہ علیہ وسلم

[illegible]

۸  
 فی صلی اللہ علیہ وسلم  
 انتم بادا منی الا عباد  
 الیہم انتم فی الدنیا  
 والآخرۃ صلی اللہ علیہ وسلم  
 تک فی التقریرات الخ  
 الیہم اوم جنتہ ولی  
 فانک جنتہ انما انقل  
 فی انشاء الاستبانه  
 تفراد فیہ تحقیق انک  
 تذاب القم تقول انک  
 فی الذکر وکوردن  
 فی القم نقل الکلام  
 صلی اللہ علیہ وسلم

[illegible]

۸  
 فی صلی اللہ علیہ وسلم  
 انتم بادا منی الا عباد  
 الیہم انتم فی الدنیا  
 والآخرۃ صلی اللہ علیہ وسلم  
 تک فی التقریرات الخ  
 الیہم اوم جنتہ ولی  
 فانک جنتہ انما انقل  
 فی انشاء الاستبانه  
 تفراد فیہ تحقیق انک  
 تذاب القم تقول انک  
 فی الذکر وکوردن  
 فی القم نقل الکلام  
 صلی اللہ علیہ وسلم

[illegible]

۸  
 فی صلی اللہ علیہ وسلم  
 انتم بادا منی الا عباد  
 الیہم انتم فی الدنیا  
 والآخرۃ صلی اللہ علیہ وسلم  
 تک فی التقریرات الخ  
 الیہم اوم جنتہ ولی  
 فانک جنتہ انما انقل  
 فی انشاء الاستبانه  
 تفراد فیہ تحقیق انک  
 تذاب القم تقول انک  
 فی الذکر وکوردن  
 فی القم نقل الکلام  
 صلی اللہ علیہ وسلم

[illegible]

۸  
 فی صلی اللہ علیہ وسلم  
 انتم بادا منی الا عباد  
 الیہم انتم فی الدنیا  
 والآخرۃ صلی اللہ علیہ وسلم  
 تک فی التقریرات الخ  
 الیہم اوم جنتہ ولی  
 فانک جنتہ انما انقل  
 فی انشاء الاستبانه  
 تفراد فیہ تحقیق انک  
 تذاب القم تقول انک  
 فی الذکر وکوردن  
 فی القم نقل الکلام  
 صلی اللہ علیہ وسلم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل الأرض داراً للعبادة  
والآخرة داراً للقائه  
والموتى فيها ربيهم  
والموتى فيها ربيهم

[illegible]

وقالوا ربك يا آدم  
 قال ابن عباس قال  
 جبرئيل عليه السلام  
 على ذلك الى ايام  
 فقال الى الله  
 سبعون الف ملك  
 الى يوم القيامة  
 عليه السلام في  
 جيل الى قيس  
 فكان موضع البيت  
 الى يومنا هذا  
 فقالوا ربك يا آدم  
 قال ابن عباس قال  
 جبرئيل عليه السلام  
 على ذلك الى ايام  
 فقال الى الله  
 سبعون الف ملك  
 الى يوم القيامة  
 عليه السلام في  
 جيل الى قيس  
 فكان موضع البيت  
 الى يومنا هذا

[illegible]





في الثاني من الثمانين وهو سنة  
 على السبعين على يد ابي عبد الله  
 المشقة فافادها في كتابها  
 كصحب وصاحب دهر اوله  
 ودق في ركب احيى  
 شدة في ملكه في ركب  
 الله تاييد ملك الروم  
 قصر قاله انما في  
 انظر عليه صاحب  
 الاشهر



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

170 800 31

[illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible][illegible]

باغی و ناجی ان استغفار  
 ملاذ و ملاذ ان من الملأ و قیمة  
 مشاقتان من یحیی نفس و یضی  
 السلسلة فی حق و غیر ذلک من  
 انواع التذیب فقط اعن الاسلام  
 انشی و توحید فی کلهم و فی  
 حال فی القاموس و تخلص و فی  
 منشی بقدر الحاجة  
 ۱۲۱۳

وَكَا نُؤَاقِبُ ذَٰلِكَ يَوْمَ لَا يَخْرُجُ فِيهِ الْجَنَّةُ  
وہو نہ ایشان قبل ازان  
وَلَا يَكْتَفِي قَالُ فَهُمْ يَكُونُ رِجَالًا مِّنْ جِلْدٍ  
والتفات نمی کرد گفت ابو موسی پس ایشان نمی کشند بار بار می خورد پس با استاد  
يَخْلَاهُمُ الرَّاهِبُ حَتَّىٰ يَجَاءَ فَاخَذَ يَدَ  
کہ دوری آمد میان ایشان راهب تا آنکہ آمد راهب پس گرفت دست  
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ  
پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم را پس گفت  
هَذَا سَيِّدُ الْعَالَمِينَ هَذَا رَسُولُ رَبِّ  
این سردار جہانیانست این پیغمبر پروردگار  
الْعَالَمِينَ يَبْعَثُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ فَقَالَ  
جہانیانست فرستاد اورا خدا رحمت را برای جہانیان پس گفت  
لَهُ أَشْيَاخٌ مِّنْ قُرَيْشٍ مَا عَلَيْكَ فَقَالَ لَأَنَّهُمْ  
مرآن راهب را پسوان قریش چہ چیز آن کہ کرد نرا پس گفت راهب  
حِينَ أَشْرَفْتُمْ مِنَ الْعَقْبَةِ لَمْ يَبْقَ بِجَمْرٍ  
ووقتیکہ بالا بر آمدید ازین راہ میان دو کوه باقی نماند سفلے  
وَلَا شَجَرٍ وَلَا شَرَّ الْأَخْرِ سَاحِدًا وَلَا كَيْسِدَانِ  
درختی نہ بود نہ شجرہ نمکین نہ سجدہ کنندہ نہ کسیدان  
الْأَيْتِي وَإِنِّي أَعْرِفُهُ بِحَالِهِمُ السُّوءِ أَسْفَلَ  
مگر برای پیغمبر و ہر آیت من می شناسم اورا بحالہم

[illegible]



بِإِذْنِ اللَّهِ أَيْكُمْ وَلِيَّهُ قَالُوا أَبُو طَالِبٍ فَلَمْ يَزَلْ

يُنَاشِدُهُ حَتَّى رَدَّهُ أَبُو طَالِبٍ وَبَعَثَ

مَعَهُ أَبُو بَكْرٍ بِلَاكَ وَزَوْدُهُ الرَّاهِبُ

مِنَ الْكَلْبِ وَالزَّيْتُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

فِي جَامِعِهِ فِي أَبْوَابِ الْمَنَاقِبِ وَقَالَ

هَذَا أَحَدُ بَيِّنَاتِ حَسَنِ عَزِيمٍ لَا تَعْرِفُهُ إِلَّا

مِنْ هَذَا الْوَجْهِ

أَلْبَابُ الْعَاشِرِ فِي حَلِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ

قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَرَأَيْتُ خَدَّيْهِ

سَلَّمَ قَوْلُهُ وَزَوْدُهُ الرَّاهِبُ  
مِنَ الْكَلْبِ وَالزَّيْتُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ  
فِي جَامِعِهِ فِي أَبْوَابِ الْمَنَاقِبِ  
وَقَالَ هَذَا أَحَدُ بَيِّنَاتِ حَسَنِ عَزِيمٍ  
لَا تَعْرِفُهُ إِلَّا مِنْ هَذَا الْوَجْهِ  
أَلْبَابُ الْعَاشِرِ فِي حَلِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ  
قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَرَأَيْتُ خَدَّيْهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[illegible][illegible][illegible]



[illegible]

يضرب مشقة منكم في  
 ورواية الى الضان اذنية  
 وفي رواية بين اذنية  
 قال اهل اللغة الجمة كمن  
 اذنية فالجمة السقر الذي  
 نزل الى المسكين في الاذنية  
 بانزل الى غمة الاذنية  
 والمنة التي است بالمكن  
 قال القاضي والحق بين  
 غمة الروايات ان بار  
 الاذنية هو الكس  
 ١٢٤  
 يبلغ في نسخة  
 وهو الذي بيننا وفيه  
 جازية ما خلفه من  
 يضرب منكم في حال  
 بل ذلك الاختلاف  
 الاوقات فاذا غفل عن  
 فقتله لم يثبت العكس  
 واذ اغمس كانت الى  
 الاذنية فكان يقصر ويكسر  
 بحسب ذلك والعاقبة بين  
 والكس والفتح وراي  
 والاذن غمرا للدين  
 مني في سقما

ماسد لاهور  
 شيا علی جوہر  
 فلم ترک منہ  
 جانی راسر  
 القاء اسر  
 نورا اسر اسر  
 دما اسر اسر  
 علی الدعید  
 تم زین رسول اللہ  
 حق علی محمد  
 الفطانی

قَرَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 رَأْسَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ  
 الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَاحُ  
 رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْفَضْلِ  
 وَعَنْ قَتَادَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَسَاءَ هَلْ خَضِبَ

النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا إِنَّمَا  
 كَانَ شَيْءٌ فِي صَدْعِهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ  
 فِي الْبَابِ الْمَذْكُورِ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ  
 قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 قَدْ شَمِطَ مُقَدَّمَ رَأْسِهِ وَلِحْيَتَهُ

قَدْ شَمِطَ مُقَدَّمَ رَأْسِهِ وَلِحْيَتَهُ  
 قَدْ شَمِطَ مُقَدَّمَ رَأْسِهِ وَلِحْيَتَهُ

ماله انما على خضب النبي صلى الله عليه وسلم  
 قال قتادة قال سالت اساء هل خضب  
 النبي صلى الله عليه وسلم قال لا انما  
 كان شئ في صدع راسه رواه البخاري  
 في الباب المذكور وعن جابر بن سمرة  
 قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 قد شمت مقدم راسه ولحيته

واما كان البياض في عرقه  
 وفي الصدغين في الراس فذلك ان الذي  
 قال ابن عباس في صحيحه  
 قال قتادة قال سالت اساء هل خضب  
 النبي صلى الله عليه وسلم قال لا انما  
 كان شئ في صدع راسه رواه البخاري  
 في الباب المذكور وعن جابر بن سمرة  
 قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 قد شمت مقدم راسه ولحيته

ابن القين بعظمه او  
وعند الاساطير على خطا  
الخطا بالشك والظن  
بالعلم والدين  
افضل ما قاله الحكماء  
انفسهم انه

وَلَا بِالْقَصِيرِ وَعَنْ شُعْبَةَ عَنْ الْحَكَمِ قَالَ

سَمِعْتُ أَبَا جَحْفَةَ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَاجِرَةِ إِلَى الْبَطْحَاءِ

فَقَوَّضَا ثُمَّ صَلَّى الظُّهْرَ رَكْعَتَيْنِ وَالْعَصْرَ

رَكْعَتَيْنِ وَبَيَّنَّ يَدَيْهِ عَنَاءً قَالَ شُعْبَةُ

وَزَادَ فِيهِ عَمْرُو عَنْ أَبِيهِ أَبِي جَحْفَةَ قَالَ

كَانَ يَمْرُؤٌ مِنْ رَأْيِهَا الْمَرَأَةُ وَقَامَ النَّاسُ

فَجَعَلُوا يَأْخُذُونَ يَدَيْهِ فَمَيِّسُونَ بِهَا

وَجُوهَهُمْ قَالَ فَأَخَذَتْ يَدَيْهَا فَوَضَعَتْهُمَا

عَلَى رُجُلَيْهَا فَذَا هِيَ أَمْرٌ مِنْ التَّلْبِ وَالْحَبِيبِ

فولخرج رسول الله  
صلى الله عليه وسلم  
آه قال العلاء انقطاعا  
في شئ من الجارية  
رسول الله صلى الله عليه وسلم  
من فريضة من ادم  
بالا بطح من مكة بالهجرة  
الى البطحاء  
السبليل الواسع  
الفتاح في وقائق الحصى  
نظم في نظم الرعي  
رسم في رسم السقف  
عنه في فضاء من الحج  
والجليل في النصف من الحج  
وقوله فاختدت يدها فوضعت  
يها على رجليها فذا هي امر  
من التلب والحبيب  
المراد من التلب  
المراد من الحبيب

رَأَيْتُهُ مِّنَ الْمَسَاكِينِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ

در بروج از مشرک روایت کرد این هر دو حدیث را بخاری در صحیح بخاری

فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى

در کتاب انبیاء در باب صفات نبی صلی الله علیه و سلم

وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و روایت است از انس که گفت بود پیغمبر صلی الله علیه و سلم

وَسَلَّمَ ضَخْمَ الْيَدَيْنِ لَمْ أَر بَعْدَهُ مِثْلَهُ وَ

و سلم دستها دریدم بعد از حضرت مانند و

كَانَ شَعْرُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا

بود موی مبارک پیغمبر صلی الله علیه و سلم میان سبیل و

لَا جَدَّ وَلَا سَبْطَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ

و بعد از جد خاص و سبط محض روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری

فِي كِتَابِ الْبَلَاسِ فِي بَابِ الْجَعْدِ وَ عَنْ

در کتاب اللباس در باب الجعد و روایت است از

جَمِيدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَنَسًا عَنْ صِيَامِ النَّبِيِّ

جمید که گفت پرسیدم انس را از حال روزه پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا كُنْتُ أَحِبُّ

صلی الله علیه و سلم پس گفت انس ندیدم که خواهر یا برادر

أَن أَرَاهُ مِنَ الشَّهْرِ صَائِمًا إِلَّا لَيْلَتَهُ وَلَا مَقْطُرًا

آنکه من از آن ماه از او دیدم که روزه دار بود و نه قطع روزه

در کتاب انبیاء در باب صفات نبی صلی الله علیه و سلم  
در کتاب اللباس در باب الجعد و روایت است از جمید که گفت پرسیدم انس را از حال روزه پیغمبر صلی الله علیه و سلم پس گفت انس ندیدم که خواهر یا برادر آنکه من از آن ماه از او دیدم که روزه دار بود و نه قطع روزه



[illegible]

الْأَنْبِيَاءُ وَلَا مَسِيحٌ خَرَجَ وَلَا حَرْبٌ أَلَيْسَ

مِنْ رَّبِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وَلَا تَتَّبِعُوا فِي مَسْجِدِي مَيْسَكَةً وَلَا عَنَابَةً أَلْطِيفٌ

رَأَيْتُ مِنْ رَأْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رواه البخاري في صحيحه كتاب الصوم

فِي يَاسٍ مَا بُدِّكَ مِنْ حَتْوَةِ النَّبِيِّ صَلَّى

وَعَلَى قَتَادَةَ أَنَّ النَّاسَ خَدَّيْهِمْ إِنْ رَسُولٌ

لله صله الله عليه وسلم كان لا يفرح يد به

فِي شَيْءٍ مِنْ دُعَائِهِ إِلَّا فِي الْإِسْتِثْنَاءِ

در این دعا سه عدد کر در استسقا

استقفا

شيخنا من عماره الامام  
 الاستاذ فاما كتابي  
 في شرح صحيح البخاري  
 قال العلامة رحمه الله  
 في شرح صحيح البخاري  
 وظهره في الرفق في  
 دواعي الاستعداد وهو  
 سادس ما ذكره في كتاب  
 السابق في الباب السابق  
 فجميع الحق في هذا الكتاب  
 على صفة مخصوصة من  
 الدين كما يدل عليه

قوله في كتابي ما  
 اريد به كما هو في  
 السيرة النبوية في ذلك  
 استغنى عن الاستعداد  
 فانما هو في كتابي  
 كما هو في كتابي  
 في ذلك من الاستعداد  
 في ذلك من الاستعداد  
 في ذلك من الاستعداد  
 في ذلك من الاستعداد

[illegible]

ورواه مسلم في صحيحه في كتاب الفضائل  
 في باب خاتمة النبوة وعن جابر بن سمرة  
 قال رأيت خاتما في ظهر رسول الله صلى  
 الله عليه وسلم كأنه بيضة حمار رواه  
 في الباب المذكور وعن أبي بصير قال  
 دُعيت إلى النبي صلى الله عليه وسلم  
 وهو لا يخط في قبة كان بالهاجرة فخرج يلا  
 فتأذى بالصلاة ثم دخل فأنجز فضله  
 وضوء رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 فوقه الناس عليه يا خذون مني ثم دخل

من حور ابين خاتمة النبوة  
 فخر به على كذا نبوة  
 المكتوبه في كذا نبوة  
 هذا صحيح في كذا نبوة  
 ولعله والله اعلم  
 في شرح كتاب الخاتمة  
 وقال في كتاب الخاتمة  
 العنوة وقد اخرج الحاكم في المستدرک  
 عن أبي بصير بن فضال لم يثبت في  
 نبيا الا وقد كان عليه ثلاث النبوة  
 فانه شامس النبوة كما ثبت في كذا نبوة  
 وعلى من لا يكون وضع الخاتمة  
 بل لا يملكه الحكم ما اقبل

١٥٢

ورواه مسلم في صحيحه في كتاب الفضائل  
 في باب خاتمة النبوة وعن جابر بن سمرة  
 قال رأيت خاتما في ظهر رسول الله صلى  
 الله عليه وسلم كأنه بيضة حمار رواه  
 في الباب المذكور وعن أبي بصير قال  
 دُعيت إلى النبي صلى الله عليه وسلم  
 وهو لا يخط في قبة كان بالهاجرة فخرج يلا  
 فتأذى بالصلاة ثم دخل فأنجز فضله  
 وضوء رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 فوقه الناس عليه يا خذون مني ثم دخل

ورواه مسلم في صحيحه في كتاب الفضائل  
 في باب خاتمة النبوة وعن جابر بن سمرة  
 قال رأيت خاتما في ظهر رسول الله صلى  
 الله عليه وسلم كأنه بيضة حمار رواه  
 في الباب المذكور وعن أبي بصير قال  
 دُعيت إلى النبي صلى الله عليه وسلم  
 وهو لا يخط في قبة كان بالهاجرة فخرج يلا  
 فتأذى بالصلاة ثم دخل فأنجز فضله  
 وضوء رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 فوقه الناس عليه يا خذون مني ثم دخل

فِي كِتَابِ الْبَاسِ فِي بَابِ الْجَعْدِ وَعَنْ

[illegible]

اَنَسَ قَالَ دَخَلَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ عِنْدَنَا فَرَقٌ وَجَاءَ  
 ابْنُ بَقَارٍ وَرَدَّ فَجَعَلَتْ تَسْلُتُ الْعَرَقَ فِيهَا  
 فَاسْتَيْقِظَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ  
 يَا أَمَّ سَلِيمٍ مَا هَذَا الَّذِي تَصْنَعِينَ قَالَتْ  
 هَذَا عَرَقٌ تَتَّبِعُهُ فِي طَبِينَا وَهُوَ مِنْ  
 أَطْيَبِ الطَّيْبِ ذَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي حَبِيبِهِ فِي  
 كِتَابِ الْفَضَائِلِ فِي بَابِ طَيِّبِ عَرَقِهِ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَانَ حَبِيبُ بْنُ  
 خَدْرَةَ حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ بَنِي حَرْثِشِ

سله قولا  
 فقال عندنا  
 فرق و جات  
 ای بقار و رده  
 ام سلیم قال الام  
 انو دی فی شرح  
 الحدیث القریب  
 من بنو الروایه  
 فی بیان کلام انبی  
 صلی الله علیه و آله  
 پیوسته به این کتاب  
 فی باب طیب عرق  
 قوسقی انکلات  
 محرابی الله  
 علی بن خدیجه الزید  
 علی بن الحسن  
 و انویم عند بن  
 و فی حرقه بنی  
 در ۱۴

ملک و ملت کے لئے  
مصلحت کے لئے  
مصلحت کے لئے

مفتی محمد رفیع الرحمن صاحب دیوبند

مكتبة  
مجمع  
العلم  
بجامعة  
البحرين

پروگرامی که در آنجا قرار دارد و به شما نشان می‌دهد که چگونه می‌توانید به این کارها رسید.

سید الشہید علیہ السلام

بہارِ شریعت جلد ۱۰

عَلَيْهِ الْقَلْبُ فِي الْفَقْرِ  
عَلَيْهِ الْقَلْبُ فِي الْفَقْرِ

قَالَ كُنْتُ مَعَ أَبِي حَبِيبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ تَعَالَى

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا عَزَيْنَ مَالِكٌ فَلَمَّا اخْتَارَ

الْحَجَّارَةُ أَرْعَيْتُ فُضْمَنِي إِلَيْهِ سُبْحَانَ اللَّهِ تَعَالَى صَلَ

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَالِ عَلَى مِنْ عَمْرٍ ابْطِ

مَثَلُ رَجُلٍ مِثْلِكَ وَتَحَنُّنِ ابْنِ أَبِي عِمْرَانَ قَالَ كَانَ

رسول الله صلى الله عليه وسلم يعرف

بِاللَّيْلِ بِرِيحِ الطَّيِّبِ رَوَاهُمَا الدَّارِمِيُّ فِي أَوَّلِ سُنَّتِهِ

الْبَابُ الْخَامِسُ عَشَرُ فِي اخْلَاقِ النَّبِيِّ

بَارِئٌ مِنْهُمْ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَشَمَائِلُهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى  
وَبَيَانِ اخْلَافِ وَشَمَائِلِ سَيِّدِهِ

فِي سُورَةِ الْاٰنْجِيَانِ قِيَمًا رَّحِمَةً مِنَ اللّٰهِ لِيَتْلُوْهُمُ

در سوره آل عمران پس بسبب رحمت از خدا نترس گشتی برای ایشان

[illegible]

السلام على النبي وآله  
 والصلوة والسلام  
 على من لا نبي بعده  
 اللهم صل على محمد  
 وآل محمد  
 وسلم

و کنت فظا غليظ القلب لا تقتضوا من  
 حورك ساعف عنهم واستغفر لهم وشاورنا  
 في الامر فاذا عزمت فتوكل على الله ان الله  
 يحب المتوكلين وقال الله تعالى في  
 سورة القلم والقلم وما يسطرون ما انت  
 بنعمة ربك بمجنون وان لك اجرا غير ممنون  
 وانك لعلى خلق عظيم وعن عبد الله  
 ابن عمر قال لم يكن النبي صلى الله عليه وسلم  
 فاجشا ولا متخشا وكان يقول ان من  
 خياركم احسنكم اخلاقا وعن عائشة

در کتب معتبره  
 در کتب معتبره  
 در کتب معتبره

و کنت فظا غليظ القلب لا تقتضوا من  
 حورك ساعف عنهم واستغفر لهم وشاورنا  
 في الامر فاذا عزمت فتوكل على الله ان الله  
 يحب المتوكلين وقال الله تعالى في  
 سورة القلم والقلم وما يسطرون ما انت  
 بنعمة ربك بمجنون وان لك اجرا غير ممنون  
 وانك لعلى خلق عظيم وعن عبد الله  
 ابن عمر قال لم يكن النبي صلى الله عليه وسلم  
 فاجشا ولا متخشا وكان يقول ان من  
 خياركم احسنكم اخلاقا وعن عائشة

و کنت فظا غليظ القلب لا تقتضوا من  
 حورك ساعف عنهم واستغفر لهم وشاورنا  
 في الامر فاذا عزمت فتوكل على الله ان الله  
 يحب المتوكلين وقال الله تعالى في  
 سورة القلم والقلم وما يسطرون ما انت  
 بنعمة ربك بمجنون وان لك اجرا غير ممنون  
 وانك لعلى خلق عظيم وعن عبد الله  
 ابن عمر قال لم يكن النبي صلى الله عليه وسلم  
 فاجشا ولا متخشا وكان يقول ان من  
 خياركم احسنكم اخلاقا وعن عائشة

و کنت فظا غليظ القلب لا تقتضوا من  
 حورك ساعف عنهم واستغفر لهم وشاورنا  
 في الامر فاذا عزمت فتوكل على الله ان الله  
 يحب المتوكلين وقال الله تعالى في  
 سورة القلم والقلم وما يسطرون ما انت  
 بنعمة ربك بمجنون وان لك اجرا غير ممنون  
 وانك لعلى خلق عظيم وعن عبد الله  
 ابن عمر قال لم يكن النبي صلى الله عليه وسلم  
 فاجشا ولا متخشا وكان يقول ان من  
 خياركم احسنكم اخلاقا وعن عائشة



[illegible]

بشاره الی اینست و غیر ما من الامم  
 قطع نفس و فیروز از الحیرت  
 یفلو بنا و یفقدون فی ذلک  
 سنه کان اسفلون و اهل العلم  
 عالمین عند قال القاضی بده  
 الذکر بعد صحیح و لازم فیها  
 سنه فیروز الحیرت فیروز  
 قال الامام العسکری فی شرح  
 لکان ان یقوم من صلاه الخ  
 علیه

و چون از این کتاب و از این  
 و الاقتصار علی التمسک  
 رسول الله صلی الله علیه و آله  
 فی علمه و کلامه و کلامه  
 و چون از این کتاب و از این  
 و الاقتصار علی التمسک  
 رسول الله صلی الله علیه و آله  
 فی علمه و کلامه و کلامه

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَعَمْ كَثِيرًا كَانَ لَا يَفْقَهُ مِنْ  
 عَلَيْهِ  
 مَصَلَاةُ الْإِنِّ يَصِلُ فِيهِ الصَّبْحُ حَتَّى تَطْلُعَ  
 جایی ناز خود  
 الشَّمْسُ فَإِذَا طَلَعَتْ قَامَ وَكَانُوا يَتَخَذُونَ  
 کتاب  
 فَيَاخُذُونَ فِي أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ فَيَضْحَكُونَ  
 پس کلام می کردند  
 وَيَتَبَسَّمُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ  
 و تبسم می کردند  
 فِي كِتَابِ الْفَضَائِلِ فِي بَابِ تَسْمِيَةِ صَلَاحِ  
 کتاب الفضائل  
 وَكَانَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ قَالَ كُنْتُ أَمْشِي  
 و روایت است از انس بن مالک  
 مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ بَرْدٌ  
 همراه  
 فَجَوَّانِي غَلِيظُ الْحَاشِيَةِ فَأَذْرَكَ أَعْرَابِي فَجَدَّ  
 نجران  
 جَذْبَةً شَدِيدَةً حَتَّى ظَنَنْتُ إِلَى هَفْطِي عَاقِ  
 بان جاذبه شدیدی

حاشیه فی تفسیر این حدیث  
 ما قال الامام العسکری فی شرح  
 شرح صحیح مسلم فی کتاب  
 الحاشیه فی تفسیر این حدیث  
 ما قال الامام العسکری فی شرح  
 شرح صحیح مسلم فی کتاب  
 الحاشیه فی تفسیر این حدیث  
 ما قال الامام العسکری فی شرح  
 شرح صحیح مسلم فی کتاب

الباقية من سورة البقرة  
 قوله تعالى فبما رحمتك العظيمة  
 انزلنا القرآن على رسلك  
 من بين سبعين لسانا  
 قوله تعالى فبما رحمتك  
 العظيمة انزلنا القرآن على  
 رسلك من بين سبعين لسانا

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ أَثَرَتْ بِهِ  
 حَاشِيَةُ الرَّدِّ آيَةٍ مِنْ شِدَّةٍ جَذْبَتْهُ ثُمَّ قَالَ  
 مُزِيٍّ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَكَ فَالْتَفَتَ  
 إِلَيْهِ فَضَحِكَ ثُمَّ أَمَرَ لَهُ بِعَطَاءٍ وَ عَنْ  
 عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَمَّا كَانَ يَوْمُ حُنَيْنٍ أَثَرُ النَّبِيِّ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا فِي الْقِسْمَةِ أَعْطَى  
 الْأَقْرَعَ بْنَ حَابِسٍ مِائَةَ مَنٍّ الْأَيْلَ وَأَعْطَى  
 عِيْبَةَ مِثْلَ ذَلِكَ وَأَعْطَى أَنَا سَائِمِينَ أَشْرَافَ  
 الْعَرَبِ وَأَثَرُهُمْ يَوْمَ مَيْدِنَ فِي الْقِسْمَةِ قَالَ جُلُ  
 وَاللَّهِ إِنْ هَذِهِ الْقِسْمَةُ مَأْعَدِلٌ فِيهَا أَوْهَارُ  
 قِسْمِ بَنِي إِسْرَءِيلَ

قوله تعالى فبما رحمتك العظيمة  
 انزلنا القرآن على رسلك  
 من بين سبعين لسانا  
 قوله تعالى فبما رحمتك  
 العظيمة انزلنا القرآن على  
 رسلك من بين سبعين لسانا  
 قوله تعالى فبما رحمتك  
 العظيمة انزلنا القرآن على  
 رسلك من بين سبعين لسانا

قوله تعالى فبما رحمتك العظيمة  
 انزلنا القرآن على رسلك  
 من بين سبعين لسانا  
 قوله تعالى فبما رحمتك  
 العظيمة انزلنا القرآن على  
 رسلك من بين سبعين لسانا

[illegible]

[illegible]









نه نازی گزاردیم پس برآئین خودار آهستگی بر ما و ثابیت دار قدمای مارا

[illegible]

من الیوم فی سلسلۃ ذواہ الخاری فی حدیثی  
 فرستاده شد روایت کرد این حدیث را بخاری در

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

کتاب الانبیاء فی باب صفة النبی صلی الله علیه و آله

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ جَاءَتْ امْرَأَةٌ

در روایت است از سهل بن سعد که گفت آورد

يَبْرَدَةٌ قَالَتْ اَنْتِ رُفُونٌ مَا الْبُرْدَةُ فَقِيلَ لَكِنَّ

برده را گفت ای می دانید چیست برده پس گفته شد ادراک

هِيَ الشَّمْلَةُ مَسْنُوجَةٌ فِي حَاشِيَتِهَا قَالَتْ

برده شما ایستافته در آن شمله در حاشیه آن گفت آن زن

يَا رَسُولَ اللَّهِ اِنِّي كُنْتُ هَذِهِ بِيَدِي اَكُوهَا

یا رسول الله هرگز من این را بدست خود نپوشانم تا این برده را

فَاَخَذَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَحَتَا جَا

پس گرفت آن برده را پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالیکه حاجت بود

اِلَيْهَا فَخَرَجَ اِلَيْهَا وَانْهَارَ اَزَارُهُ فَقَالَ رَجُلٌ مِّنْ

برای آن برده پس بیرون آمد حضرت بسوی مادر حالیکه آن پارچه از او پاره بود پس گفت مردی که از

الْقَوْمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ اَكُنِيْهَا فَقَالَ نَعَمْ فَجَلَسَ

قوم بود یا رسول الله بپوشان مرا این پارچه را پس گفت آن غلام آرسا پیش

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَجْلِسِ ثُمَّ

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در مجلس نشست

رَجَعَ فَطَوَّاهَا ثُمَّ ارْسَلَ بِهَا اِلَيْهِ فَقَالَ لَهَا اَقْرَبِي

باز گشت پس برگردانده را بپوش فرستاد آن حضرت آن برده را و ای آن شخص پس گفت مرا در راه

در کتاب الانبیاء فی باب صفة النبی صلی الله علیه و آله  
در روایت است از سهل بن سعد که گفت آورد  
برده را گفت ای می دانید چیست برده پس گفته شد ادراک  
برده شما ایستافته در آن شمله در حاشیه آن گفت آن زن  
یا رسول الله هرگز من این را بدست خود نپوشانم تا این برده را  
پس گرفت آن برده را پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالیکه حاجت بود  
برای آن برده پس بیرون آمد حضرت بسوی مادر حالیکه آن پارچه از او پاره بود پس گفت مردی که از  
قوم بود یا رسول الله بپوشان مرا این پارچه را پس گفت آن غلام آرسا پیش  
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در مجلس نشست  
باز گشت پس برگردانده را بپوش فرستاد آن حضرت آن برده را و ای آن شخص پس گفت مرا در راه

خوب نگردی سوال کردی تو برای این برده از آن حضرت و تحقیق می دانی که آن حضرت بانه نمی گرداند

سائیکہ را پس گفت آن مرد سوگند بخدا سوال نکردم از آنحضرت مگر برای آنکه ناشعور

گفتم روزیکه بپرسم گفت سہل پس شدہ آن ہر دو کفن آن شخص و بیت

بھاری در صحیح بخاری در کتاب الدعویہ اور باب

الفصل الحادى عشر در بيان رايست از مسور بن محمد كه گفت سهراب بن بدرس بن محمد

لَقَدْ اٰتٰى اِيَّاهُ اِسْمًا رَاقِيًا

عادل گروہ مذہبی را قیام میں آنحضرت قسمت می کند آن قیام را پس سر

من رفیقہ  
یس بافتہ  
منیرہ  
صلی اللہ علیہ وسلم

در سراسر آنوقت پسر گفت: خنجر مرا ای پسر که من بخوانم برای ما

الدور عالمیہ وسلم را ایستاد سخت داشتیم این امر را و گفتیم ایانجو انم برای تو

\_\_\_\_\_

مجلس



[illegible]





مِنْ الْعَرَبِ قَالَ زَحَمَتْ رُسُلُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

از عرب بود که گفتند از مردان ایشان که در نزد رسول خدا

تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ حُنَيْنٍ وَفِي يَحْيَى نَعْلٌ

تعالی علیه و سلم در روز دانه حنین و در پای من نعل

كَيْفَ فَوَطِئْتُ بِهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

کشیف بود پس اتفاقاً گفتم از آن نعل بر پای مبارک خدا

اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَقَنَّى نَفْسَهُ يَسْوَطِي

الله تعالی علیه و سلم پس زد آنحضرت مرا و تنفست بنام خدا که در

بِيَدِهِ وَقَالَ يَسْمِعُ اللَّهُ أَوْ جَعَلَنِي قَالَ فَبِيَدِهِ

دست مبارک آنحضرت بود و گفت آنحضرت بسم الله در دهنم کردی مرا گفت آن مرد پس بگو یا شنیدم

لَا يَأْخُذُ أَقُولُ أَوْ جَعَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

لامت گذارم می گفتم در دل خود در دهنم کردم خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَبِتُّ بِكَلِمَةٍ كَمَا يَكْمُلُ اللَّهُ فَمَا أَصْبَحْنَا

علیه و سلم را پس گذارندیم شب ما چنانکه می دانند خدا پس چون بیدار گردیدیم

إِذَا نَحْنُ نَقُولُ يَفْعَلُ أَيْنَ فُلَانٍ قَالَ قُلْتُ هَذَا أَوَّلُ اللَّهِ

تاگاه مردی می گفت که است فلان گفت از مردی که گفتم اینست سواد بخدا

الَّذِي كَانَ مَعِيَ بِالْأَمْسِ قَالَ فَأَنْطَلَقْتُ

این بود از من دیروز گفت آن مرد پس می رفتم

وَأَنَا مَتَحَوِّفٌ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

در حالیکه من ترسان بودم پس گفت مرا پیشتر خدا

طالع قوز حوت  
رسول الله صلی الله علیه و آله  
تعالی علیه و سلم  
در روز دانه حنین  
بکلمه ای که در دهنم  
گذاردیم شب ما  
چنانکه می دانند  
خدا پس چون  
بیدار گردیدیم  
تاگاه مردی  
می گفت که است  
فلان گفت از  
مردی که گفتم  
اینست سواد  
بخدا

۱۴۳

رسول الله صلی الله علیه و آله  
تعالی علیه و سلم  
در روز دانه حنین  
بکلمه ای که در دهنم  
گذاردیم شب ما  
چنانکه می دانند  
خدا پس چون  
بیدار گردیدیم  
تاگاه مردی  
می گفت که است  
فلان گفت از  
مردی که گفتم  
اینست سواد  
بخدا

قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا  
 قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا  
 قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا  
 قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا

قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا  
 قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا  
 قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا  
 قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا

١٤٥

قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا  
 قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا  
 قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا  
 قال عليه السلام ان من لم يقرأ سورة الفاتحة في كل صلاة لم يقرأ شيئا

تَعَالَى عَلَيْكَ وَسَلَّمَ إِنَّكَ وَطِيتَ بِنَعْلِكَ عَلَى رَجُلٍ يَكْفُرُ  
 فَأَوْجَعْتَنِي وَفَجَعَلْتَ نَفْعَهُ بِالسَّوْطِ فَهَذِهِ  
 تَمَازُونُ بَعْدَهُ فَمَنْ هَآبِهَا وَعَنِ الزَّهْرَى  
 أَنَّ جَابِرَ بْنَ قَالَ مَا فِي الْأَرْضِ أَهْلُ عَشْرَةِ  
 آيَاتٍ إِلَّا قَلِيلٌ مِمَّا وَجَدْتُ أَحَدًا الشَّدَّ  
 نَفَقًا لِهَذَا الْمَالِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ فِي أَوَّلِ سَنَتِهِ  
 فِي بَابِ سَنَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَنْ أَبِي إِسْحَاقَ  
 عَنْ الْبَرَاءِ قَالَ قَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا أَبَا عَمَارَةَ  
 وَلَيْتَ يَوْمَ مَحَبَّتٍ قَالَ لَا وَاللَّهِ مَا قَلَى النَّبِيُّ

ابو بشار وادید از نقاب کافران روز دهم چنین گفت برادر من قسم بخدا پشت ندارد  
 از امامی که در آن وقت بود گفت برادر من قسم بخدا پشت ندارد  
 از امامی که در آن وقت بود گفت برادر من قسم بخدا پشت ندارد  
 از امامی که در آن وقت بود گفت برادر من قسم بخدا پشت ندارد

قَالَ الْبَرَاءُ كُنَّا وَاللَّهِ إِذَا اسْتَحْرَأَ الْبَاسُ نَفَقَ بِهِ

١٤٤  
 انتم صلي الله عليه وسلم  
 في موطن من الموطن وقد تظلموا  
 اجتمع المسلمون على ان لا يجزوا ان شيئا  
 انتم صلي الله عليه وسلم ولا يجزوا  
 انتم صلي الله عليه وسلم ولا يجزوا  
 ذلك عليه بكان العسكر البغضيان  
 من الطارث اخذين بجمام فبكتنه  
 كيقا فاحسن امره الى التقدم الى العدو  
 وانه منكم فبكتنه الى العدو  
 السابق وانهما علم

سَلَامٌ عَلَى رُسُلِهِمْ أَجْمَعِينَ  
 وَكَانَ إِذَا سَلَّمَ عَلَيْهِمْ قَامَ قِيَامًا مَعَهُمْ  
 وَكَانَ إِذَا سَلَّمَ عَلَيْهِمْ قَامَ قِيَامًا مَعَهُمْ  
 وَكَانَ إِذَا سَلَّمَ عَلَيْهِمْ قَامَ قِيَامًا مَعَهُمْ  
 وَكَانَ إِذَا سَلَّمَ عَلَيْهِمْ قَامَ قِيَامًا مَعَهُمْ

وَأَنَّ الشَّيْءَ عَمَّا لَكَ فِي بِيْعَاذِي بِهِ يَعْزِي النَّبِيَّ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَانَ النَّبِيُّ يَنْهَى النَّاسَ  
 عَنْهُ يَحْنُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ  
 إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَفْهَمَ مَعْنَاهُ  
 وَأَيُّهُ أَتَى عَلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمُوا عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا  
 رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْعِلْمِ  
 عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ  
 لَا يَجِبُكَ أَكَافُلَانِ جَاءَ جُلُوسَ إِلَى جَانِبِ  
 جِئْتَنِي بِحَدِيثٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْمَعُنِي ذَلِكَ وَكَتَبْتُ أَسْمِعُ

وَقَالَ الْإِمَامُ أَبُو حَنِيفَةَ  
 لَوْ أَنَّ النَّبِيَّ سَلَّمَ عَلَى النَّاسِ  
 بِجَبَابَةٍ لَمْ يَكُنْ يَنْهَى النَّاسَ  
 عَنْهُ يَحْنُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ  
 إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَفْهَمَ مَعْنَاهُ  
 وَأَيُّهُ أَتَى عَلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمُوا عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا  
 رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْعِلْمِ  
 عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ  
 لَا يَجِبُكَ أَكَافُلَانِ جَاءَ جُلُوسَ إِلَى جَانِبِ  
 جِئْتَنِي بِحَدِيثٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْمَعُنِي ذَلِكَ وَكَتَبْتُ أَسْمِعُ

وَقَالَ الْإِمَامُ أَبُو حَنِيفَةَ  
 لَوْ أَنَّ النَّبِيَّ سَلَّمَ عَلَى النَّاسِ  
 بِجَبَابَةٍ لَمْ يَكُنْ يَنْهَى النَّاسَ  
 عَنْهُ يَحْنُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ  
 إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَفْهَمَ مَعْنَاهُ  
 وَأَيُّهُ أَتَى عَلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمُوا عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا  
 رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْعِلْمِ  
 عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ  
 لَا يَجِبُكَ أَكَافُلَانِ جَاءَ جُلُوسَ إِلَى جَانِبِ  
 جِئْتَنِي بِحَدِيثٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْمَعُنِي ذَلِكَ وَكَتَبْتُ أَسْمِعُ

فَقَامَ قَبْلَ أَنْ أَقْضَى سُبْحَتِي وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَدَدْتُ  
 پس استاد پیش از آنکه گزافم نفل خود را و اگر یا نیت او را هرگز نکرده  
 عَلَيْهِ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 بر روی که تحقیق پسندید خدا صلوات الله علیه و سلم  
 لَمْ يَكُنْ كَسِرْدِ الْحَدِيثِ كَسِرْدِكُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ  
 نبود که پیافه می گفت سخن را مانند پیافه گفتن شما روایت کرد این حدیث را بخاری  
 فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ صِفَةِ  
 در صحیح بخاری در کتاب الانبیاء در باب صفت  
 النَّبِيِّ صَلَوَاتُهُ وَعَنِ الْبَرَاءِ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ  
 پیغمبر صلوات الله علیه و سلم روایت است از براء که گفت شنیدم  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُ فِي الْعِشَاءِ بِالْبَيِّنِ  
 صلوات الله علیه و سلم را که می خواند در نماز عشاء سورۃ البین  
 وَالزِّيْنُونَ وَمَا سَمِعْتُ أَحَدًا أَحْسَنَ صَوْتًا  
 و الزینون و شنیدم هیچکس را خوشتر از او ندا خوان  
 مِنْهُ أَوْ قِرَاءَةً رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي  
 از آنحضرت یا در قرات روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری در  
 بَابِ الْقِرَاءَةِ فِي الْعِشَاءِ  
 در نماز عشاء  
 الْبَابُ الثَّانِي عَشْرٌ فِيمَا كَانَ عَلَيْهِ النَّاسُ  
 باب دوازدهم در بیان حالتی که بودند بران مردم

در زمانهٔ جاهلیت از کمرایه و در بیان خود آمدن وی است

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى وَبَعَثَهُ وَكَوْنِهِ صَلَاحُ خَاتَمِ

النَّبِيِّينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ الْيُسُفِ هُوَ

گفت خدای تعالیٰ در سورہ الحجہ آن خدا

آنت اکوژستناد در ناخواندگان پیغمبرے از جمله ایشان بچانان رسول و

آیتہ و تزیینہ و تعلیم الکتب و الحکمة و ان کا

مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ وَالْآخِرِينَ مِنْهُمْ

لَا يَكْفُرُوا بِهِمْ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۚ ذَٰلِكَ فَضْلُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ

منا است میدادنا هر که میخواند و خدا خاند فضل عظیم است

عن عبد الله قال قال أناس لرسول الله  
روایت است از عبد الله که گفت گفتند مردم : پیغمبر خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْوَاعُ

محمد بن عبد الله عليه وسلم يا رسول الله اياك نعبد واياك نستعين

[illegible]







کلبه و قتل ولد و کن ابی الرضا قال  
سگ خود را می کشت و در خود را روایت است از ابی الرضا که گفت

[illegible]

۱۴۱۰  
شماره دوم و یکم و یکم و یکم و یکم  
و اما اینها علی الاطلاق  
نقشه

ثُمَّ جَاءَكَ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَقَدْ أُؤْتِيَ  
 پس بیاید بشما پیغمبرے اور وارنہ چیز سے را کہ با شما است برائیکہ ایمان آرید  
 بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ  
 پوسے و سرانہ نصرت کنید اورا گفت خدا ایا اقرار کردید و گرفتید  
 اِصْرِي قَالُوا أَأَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا أَنَا مَعَكُمْ  
 چنان سرا گفتند اقرار کردیم پس بود خدا ایم تہاے پس گواہ باشید و من با شما  
 مِنَ الشَّاهِدِينَ هَمَّ الْفَاسِقُونَ هَمُّنَ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ  
 از گواہانم پس انکہ ہر گزود بعد ازین خدا پس ان گروہ  
 هُمُ الْفَاسِقُونَ هَمُّنَ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ  
 ایشانند سرکشان روایت است از ابی ہریرہ کہ گفت گفتند  
 يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَتَىٰ وَجَبَتْ  
 ای پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم در کدام وقت واجب شد  
 لَكَ النُّبُوَّةُ قَالَ وَادَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَالْجَسَدِ  
 برای تو پیغمبرے فرمود آنحضرت کہ آدم در میان روح و بدن بود  
 رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي جَامِعِهِ فِي الْمَنَاقِبِ فِي بَابِ  
 روایت کرد این حدیث را ترمذی در جامع ترمذی در مناقب در باب  
 فَضْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ يَهْدِي أَحَدِيَّتَ حَسَنٍ  
 فضل پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم و گفت ترمذی این حدیث حسن  
 حَكِيمٌ غَرِيبٌ مِّنْ حَدِيثِ أَبِي هُرَيْرَةَ لَا نَعْرِفُهُ  
 صحیح غریب است از حدیث ابی ہریرہ نمی شناسم لہذا

ملکہ زلفانی  
 فن قول بعد  
 ذلک یابو  
 الیقان والیقید  
 بالادار والشداد  
 فادشک  
 ہم از فضیلت  
 ابی ہریرہ  
 سن الکفوف  
 قالہ البیضاوی  
 ۱۲۱۱

باجنگو  
 کانا سلسلہ  
 فاذا فرج عني ظلمهم  
 عا لہ اذا قال  
 باقی صفحہ ۱۸۶

۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

[illegible][illegible]

علی فبقیم معنی و قد و عبت عنه ما قال  
 پس قطع بشو و از من در حالیکه یاد میگیرم از آن روحی آنچه که گفت  
 و استیانا یقتل لی الملك ریبلا فیکلنی فاعنی  
 درگاه است لشکر میگرد برای من فرشته بیک مرد است پس سخن میگوید مرا پس یاد میکنم  
 ما یقول قالت عائشة رضی و لقد رأیتها یبذل علیه  
 چیز یاری گوید گفت عائشه رضی و تحقیق دیدم آنحضرت را که نازل میشد بر او  
 الوحی فی الیوم الشدید البرد فبقیم عنه وان  
 روحی در روز سخت سرد پس قطع میشد روحی از آنحضرت و حالیکه  
 حینیه لیتفصد عرقا واه البخاری فی اول  
 پیشانی مبارک آنحضرت می ریخت عرق را روایت کرد ابن حبه را بخاری در شرح  
 صحیحیه و رواه مسلم یحنا فی صحیحیه فی کتاب  
 صحیح بخاری در روایت کرد ابن حبه را مسلم بخاری در صحیح مسلم در کتاب  
 الفضائل و قال الله تعالی فی سورة البقرة  
 الفضائل و گفت الله تعالی در سوره بقره  
 یا ارسنک بالحق بشیرا و نذیرا و لا تسئل  
 بدرستی که ما فرستادیم ترا ای محمد راستی خبر خوش دهنده و ترساننده و پرسیده خواهی شد  
 عن اصحاب الحیم و قال الله تعالی فی سورة  
 از اهل و دوزخ و گفت خدای تعالی در سوره  
 ال عمران لقد من الله علی المؤمنین إذ بعث  
 از عمران محققان نعمت داد خدا بر مؤمنان چون فرستاد

[illegible]

مجلس الامور وادارة المال في دار السلطنة  
التي هي من اوقاف الدولة في دار السلطنة  
والتي هي من اوقاف الدولة في دار السلطنة



[illegible]

10/11/2020

شاہ ولی شاہ ولی شاہ ولی

المؤمنين بالله

دینار و ای ملک و این دو

العصاة باقار و قوله  
مفسر اللطيف

والله اعلم بالصواب

المفتي علي بن محمد  
باقر

وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِأَفْزِهِمْ وَسَبِيحًا مُمِيزًا

و خواننده بسوی خدا بهیچ او و چراغ روشن روایت است از

عَمَّارِ بْنِ كَيْسَارٍ قَالَ لَقِيتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرِو بْنِ

عطار بن یسار کہ گفت ملاقات کردم عبد اللہ بن عمرو بن

عالم را گفتن مرا خبرن مرا صفت پادشاه خدا

عن النبي صلى الله عليه وسلم في التوراة قال اجل

وَاللَّيْلُ مَوْصُوفٌ فِي التَّوْرَةِ بِبَعْضِ صِفَتِهِ

فَالْقُرْآنِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ

تَبَشِّرَا وَذَيْبَرًا وَخَيْرًا لِلْأَمَانِينَ أَنْتَ عَمْدِي

تو بندگی من هستی

مسی کردم تا توکل کنند و بدست سخن

لا حجاب فی الأسواق فلا یدفعنکم ربکم بالاسیئة  
به بلند کننده آواز در بازارها و دفع نمی کند بدی را

سَيِّئَةً وَلَٰكِنْ يَغْفِرُ وَيَغْفِرُ وَلَٰكِنْ يَغْفِرُ اللَّهُ

ای حصہ اور توڑ سیمینہ  
الہی علی علی المرتضیٰ  
بالیس من الزمہ و کما  
سکتہ المرتضیٰ

على انتهاز الفرج والاضح  
بمجانس الاخلاق واليقين  
تتجلى بعد العرفه كما  
تتجلى بعد العرفه كما

بقسط ای سنی الحقیقہ جانی و  
قولہ ولا علیط ای تاسی و

منه من السهم

میں نے کبھی نہ دیکھا تھا کہ ایک شخص  
 کو اس قدر غصہ ہو کہ اس نے اپنے  
 ہاتھوں سے اپنے گھر کی دیواروں  
 کو توڑ ڈالا ہو۔

عليه السلام  
والله اعلم  
بما ليس بالبين  
والله اعلم  
بما ليس بالبين

فما كان من ذلك الا انهم قد اختلفوا في ذلك  
على الناس في ذلك في ذلك في ذلك  
فما كان من ذلك الا انهم قد اختلفوا في ذلك  
على الناس في ذلك في ذلك في ذلك  
فما كان من ذلك الا انهم قد اختلفوا في ذلك  
على الناس في ذلك في ذلك في ذلك

فانما ايام الفطره  
فقدت وجبت  
منها وادخلت بعد  
الرسول صلى الله عليه وسلم  
فيها قوما ما يشق  
عليهم ولا جناح  
عليهم الا ان ياتوا  
بالماله او القسط

[illegible]

مفتاح الصلح على قلوبهم

صحيح المسند  
الامام النووي في شرح  
المعنى الحديثي في شرح  
الشيخ ابن القيم  
في معرفة الدواعي  
لما كان في سنة

وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلَتْ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ  
 اصحاب النار رواه مسلم في صحيحه في  
 كتاب الايمان في باب وجوب الايمان  
 بي سالة نبينا محمد صلعم الى جميع الناس و  
 قال الله تعالى في سورة الاحزاب ما كان محمد  
 ابا احد من رجالكم انما كان رسول الله وخاتم  
 النبيين وكان الله بكل شيء عليما  
 اني هزيرة ان رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 قال ان مثلي ومثل الانبياء من قبلي كمثل  
 رجل بنى بيتا فاحسنه وازجمله الا موضعا لبنه

ما كان محمد ابا احد من رجالكم  
 انما كان رسول الله وخاتم النبيين  
 اني هزيرة ان رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 قال ان مثلي ومثل الانبياء من قبلي كمثل رجل بنى بيتا

۱۹  
 واما قوله انما كان رسول الله  
 وخاتم النبيين فانه لا يخلو  
 عن معنى انما كان رسول الله  
 وخاتم النبيين فانه لا يخلو

قال في صحيح البخاري في صحيحه  
 في صحيح البخاري في صحيحه  
 في صحيح البخاري في صحيحه

[illegible]

مِنْ رَأْيِهِ فَجَعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ وَيَتَعَبُونَ  
 از گوشه پس شروع کردند مردم که گرد او می گشتند بآن و تعب می کردند  
 لَهُ وَيَقُولُونَ هَلْ دُضِعَتْ هَذِهِ اللَّبَنَةُ  
 از آن وی گفتند چرا دهناده شد این  
 قَالَ فَإِنَّ اللَّبَنَةَ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ  
 گفت ای کفرت پس من مثل آن ختمم و من تمام کننده روایت کرد این حدیث را بخاری  
 فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ خَاتَمِ  
 در صحیح بخاری در کتاب الانبیاء در باب خاتم  
 النَّبِيِّينَ وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ مَعَ تَغْيِيرٍ يَسِيرٍ فِي بَعْضِ  
 النبیین روایت کرد این حدیث را مسلم با تغییر اندک در بعض  
 الْأَقْطَافِ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْفَضَائِلِ فِي بَابِ  
 لفظها در صحیح مسلم در کتاب الفضائل در باب  
 خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مَعَ تَغْيِيرٍ يَسِيرٍ  
 خاتم النبیین روایت کرد این حدیث را ترمذی با تغییر اندک  
 عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ فِي جَامِعِهِ فِي الْمَنَاقِبِ  
 از ابی بن کعب در جامع ترمذی در مناقب  
 الْبَابُ الثَّالِثُ عَشَرُ فِي عِلَامَاتِ النَّبَوِيَّةِ  
 باب سیزدهم در علامات النبوة  
 وَالْعِجَزَاتِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ وَقَالَ  
 و المعجزات گفت خدای تعالی در سوره بقره و گفت

[illegible][illegible]

ان لکھنؤ ۱۹۳۰

[illegible]



[illegible]

اَوْصَدَرَتْ سِرْكَابُنَا وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كُنَّا  
 نَعْدُ أَهْلِيَّ بَرَكَةً وَأَنْتُمْ تَعْدُونَ نَهَايْتُمْ بِنَا كُنَّا  
 مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ  
 فَقَالَ قُلُوبُكُمْ أَطْلُبُوا أَفْضَلَ مِنْ مَاءٍ فَجَاءُوا  
 بِأَنَاءٍ فِيهِ مَاءٌ قَلِيلٌ فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِي الْأَنَاءِ ثُمَّ  
 قَالَ حَتَّى عَلَى الطَّهْرِ الْمُبَارَكِ وَالْبَرَكَةُ مِنَ اللَّهِ  
 فَلَقَدْ رَأَيْتُ الْمَاءَ يَنْدِمُ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِ رَسُولِ اللَّهِ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَقَدْ كُنَّا نَسْتَبِيعُ  
 الطَّعَامَ وَهُوَ يُوَكِّلُ رَوَى الْبُخَارِيُّ الْأَحْمَدُ  
 الثَّلَاثَةُ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ

سید  
 در حدیثی که در این باب است از  
 عبد الله که گفت بودیم  
 یا از کشتند  
 می شمردیم آیات را سبب برکت و شما  
 می شمارید آن آیات را سبب ترسانیدن بودیم  
 خدا صلی الله علیه وسلم در سفر  
 پس گفت آنحضرت می بینید زیاده مانده از آب را پس آوردند  
 پس کم شد آب  
 اندک بود پس در آورد آنحضرت دست مبارک خود را در آن ظرف پس  
 گفت آنحضرت می بینید بر آب مبارک و برکت از خدا است  
 پس بر کتف بنشینید و دیدم آب را که بیرون می آمد از میان انگشتان مبارک و پیوسته خدا  
 سید علیه وسلم و بر کتف بنشینید می شنیدیم  
 طعام را در آنکه آن خورده میشد روایت کرد بخاری این حدیثها  
 در صحیح بخاری در کتاب الانبیاء در باب  
 سید

علامات نبوت و روایت است از سلمه بن اکوع که گفت

کم شد تو شمای قوم و محتاج گشتند پس آمدند نزد یغیما صلوات الله

علیه وسلم در باره حکم محمد بن عثمان خود پس دستور می داد آنحضرت ایشانرا بنظر

پس خبر دادند حضرت عمرؓ را پس گفت حضرت عمرؓ بحیثیت سبب بقای شما بدوستان شما پس در اند حضرت عمرؓ

پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم پس گفت یا رسول اللہ

چہیت سبب بقای ایشان بعد از شران ایشان پس گفت پیغمبر خدا صلی اللہ

عالمی مسلم نمائندگان در مردم که پیارند زیادہ مانده

روادهم وبسط ليناك لطيع وجعلوا على السطيع

— — — — —

پیشوا استاد      پیغمبر      خدا      صلے      ابد      علیہ      وسلم      و دعا کرد

تَرْكُ عَلَيْهِ تَمَدُّدُهُمْ بِأَوْعِيهِمْ وَاسْتَقْبَالُ النَّاسِ

\_\_\_\_\_

62

10/10/1994

2000-01-01

... ..

1990

4-15-1962

المجلس الأعلى  
للشؤون الإسلامية

104-292

100-443887-100

SECRET

6711

44

1944

21

حَتَّىٰ فَرَعُوا ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 تا آنکه فارغ شدند پسر گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم  
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ رَوَاهُ  
 گواهی میدهم اینکه نیست معبود بر حق مگر خدا و بر آنیم من پیغمبر خدا ایم روایت کرد این  
 الْبُخَارِيُّ فِي حَيْثُ فِي بَابِ الشِّرْكَ وَكَانَ جَابِرُ  
 بخاری در صحیح بخاری در باب شریک و روایت است از جابر  
 أَنَّ أَبَاهُ تَوَفَّىٰ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ  
 که بر آئینه پدر وی مرد در حالیکه پدر وی وام بود پس آدم نزد پیغمبر صلی الله  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ إِنَّ أَبِي تَرَكَ عَلَيَّ دَيْنًا وَلَيْسَ  
 علیه وسلم پس گفتم بر آئینه پدر من گذاشت بر خود وام را و نیست  
 عِنْدِي إِلَّا مَا يَخْرُجُ خَلَّةً وَلَا يَبْلُغُ مَا يَجِبُ مِنْ سِنِينَ  
 نزد من مگر چیزی که بیرون آرد در خسته خدای دی و نمیرسد چیزی که بایرن می آورد آن وقت  
 مَا عَلَيَّ فَأَنْطَلِقَ مَعِيَ لِي لَا يَفْقِشَ عَلَيَّ الْغَرَمَاءُ  
 که بروست پس برو همراه من تا بخش بگوید مرا وام بخوان  
 فَمَشَىٰ حَوْلَ بَيْدِي بَيَّا دِرَ التَّمْرِ فَدَعَانِي أَخُو ثَمَرٍ  
 پس رفت آنحضرت گرد خرمی از خرمی ای نمر پس دعای برکت کرد آنحضرت پسر  
 جَلَسَ عَلَيْهِ فَقَالَ انْزِعُوهُ فَأَوْفَاهُمُ الَّذِي لَهُمْ وَ  
 نشست آنحضرت بر آن خرمی پس گفت بکشید خرمی را پس گزارد آنحضرت تمام حق وام بخوان را و  
 بَقِيَ مِثْلُ مَا آعَطَاهُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي حَيْثُ يَبْلُغُ  
 باقی ماند خرمی مانند مقدار که داد آنحضرت وام بخوان را روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری

بعضی اوله که در حدیث  
 او فتح اوله که در حدیث  
 و او جابری که در حدیث  
 قاله العلاء بن الرضا  
 و قال فی شرحه  
 و ان یسار  
 یا دارا ثم قال  
 فی الغم ب البید  
 فی وضع الذی یرواه  
 فی نظام است

[illegible]

تاریخ ۱۲۸۴  
مجلس ایالتی  
کتابخانه

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَعِيفًا عَرِثَ فِيهِ الْجُوعُ

صلی اللہ علیہ وسلم را ضعیف می شناسم در آنوقت گرسنگی را

فَقُلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ فَقَالَتْ نَعَمْ فَأَخْرَجَتْ

پس ایست نزد تو چیزے پس گفت ام سلیم آرسے هست پس بیرون آورد ام سلیم

أَقْرَاصًا مِنْ شَعِيرٍ ثُمَّ أَخْرَجَتْ خِجَارًا لَهَا فَلَقَتْ

آن خنجرے از جو پستیر بیرون آورد ام سلیم خار خود را پس پیچید

الْخَنَزِرَ بَعْضُهُ ثُمَّ دَسَّتهُ تَحْتَ يَدِي وَلَا تَتْنِي

آن را بعض آن خار پستیر پوشید آنرا زیر دست من و دستا من ساخت

بَعْضُهُ ثُمَّ أَرْسَلَنِي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

بعض خار پستیر فرستاد مرا بسوی پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَنَزَّهْتُ بِهِ فَوَجَدْتُ رَسُولَ اللَّهِ

علیہ وسلم گفت انس پس بردم آن را پس یافتیم پیغمبر خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَسْجِدِ وَمَعَهُ النَّاسُ

صلی اللہ علیہ وسلم را در مسجد در حالیکہ با آنحضرت مردم بودند

فَقُمْتُ عَلَيْهِمْ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

پس ایستادم نزد ایشان پس گفت مرا پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْسَلَكَ أَبُو طَلْحَةَ فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ

صلی اللہ علیہ وسلم ای فرستاده است ترا ابو طلحہ پس گفتم آرسے گفت آنحضرت

بَطْعًا فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

با طعاسے فرستاده است پس گفتم آرسے پس گفت پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ

پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم  
فرمودند که ای ابی طلحہ  
اگر تو مرا با شمشیر یا نیزه  
کشتی بجز خون منکسور  
را می در دلان من جاری  
می کردی و او فرمود که  
صلی اللہ علیہ وسلم فرمود  
الذی یجوز الاصلان فی غزوة

الاجلاس فی غزوة  
و فرمود صلی اللہ علیہ وسلم  
ارسلک ابو طلحہ فقلت نعم  
قال بطعک فقلت نعم  
علمان من عام الف و  
نحو چندی دیگر  
نماینده شریف  
را می فرستاده است  
با طعاسے



[illegible]

عن النبي  
قاعدة ثالثة في  
دفعه رواه الشيخان  
سعيد بن مسروق  
باب في جمع  
خدا في كان وما في باب  
ثم في جمع  
القطر في ناس من  
أيت باب في  
سليم في  
الجار والجار  
المسلمة في  
قوله فأنزلت

پیشینہ ۱۰ خدا علیہ السلام امدان چیز کی خواستہ ہو ۱۱  
 ۱۲ اَنْ یَقُولَ ثُمَّ قَالَ اِنَّكَ لَیْسَ بِاَشْرَءَ فَاَنْتَ لَیْسَ بِاَشْرَءَ  
 ۱۳ کہ گویے دعا کردی پھر گفت کہ تو بدتر از بدتر و بدتر از بدتر

هم فاكوا حتى شيعوا ثم خرجوا ثم قال اذن  
مروا كسر را پس بخورند تا آنكه سپید گردند پشتر گفت آغخت اذن ده

قَالَ اِنَّكَ لَعَشْرَةٌ فَاَكُلِ الْقَوْمَ كُلَّهُمْ وَتَسْبَحُوْا

ابن عبد الله قال لما خيروا خندق رايت يا نبي

إِلَى أَفْرَاقِي فَقُلْتُ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ فَإِنْ رَأَيْتُ

کس نے یہ سچے سچے کہیں کیا ہے؟

1

1

•

۲۲

[illegible]

[illegible]

۲۲

قُلْ اَعْلَمُ بِالْمُنَافِقِ  
 قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلرَّسُولِ  
 فَهُوَ عَدُوٌّ لِّىَ وَكَذٰلِكَ  
 اَتَّبَعْتُ مَشٰىرَ الْفٰسِقِ  
 اَلَمْ يَكُنْ لِّلرَّسُولِ  
 اَمْرٌ اِذَا دَعٰهُ اِلَىٰ  
 اَمْرٍ مِّنْ اَمْرِ اللّٰهِ  
 اَوْ اَمْرِ الرَّسُولِ  
 اَوْ اَمْرٍ مِّنْ اَمْرِ  
 اُمَّةٍ مِّنْ اُمَّةٍ  
 اَوْ اَمْرٍ مِّنْ اَمْرِ  
 اُمَّةٍ مِّنْ اُمَّةٍ  
 اَوْ اَمْرٍ مِّنْ اَمْرِ  
 اُمَّةٍ مِّنْ اُمَّةٍ

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

150

در باب غزوه خندق در حدیث این دو حدیث را بخوانید  
 در باب غزوه خندق در حدیث این دو حدیث را بخوانید  
 در باب غزوه خندق در حدیث این دو حدیث را بخوانید

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ <sup>اول را در کتاب البخاری</sup> وَكَأَيُّ كِتَابٍ الْأَنْبِيَاءُ  
 فِي بَابِ عِلَامَاتِ النَّبُوَّةِ وَتَأْيِيدِهَا فِي كِتَابِ <sup>در باب علامات نبوت و تأیید آن را در کتاب</sup>  
 الْمَغَازِي فِي بَابِ غَزْوَةِ الْخَنْدَقِ وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ <sup>المغازی در باب غزوه خندق و روایت این دو حدیث را مسلم</sup>  
 فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْأَشْرَةِ فِي بَابِ جَوَازِ اسْتِئْذَانِ <sup>در صحیح مسلم در کتاب الاشره در باب جواز استئذان</sup>  
 الضَّيْفِ الْخَوَاصِّ عَنْ مُجَاهِدٍ أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ كَانَ <sup>ضیف الخواص در حدیث است از مجاهد ابو هریره</sup>  
 يَقُولُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَيْ ذَرَّتْ الْأَشْجَلُ <sup>می گفت سوگند بخدا اینکه نیت مسعود بر حق گراو به تحقیق بودم که بر او ایضا می گوید</sup>  
 لَكَبْرَتِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْجُوعِ قَاتِلٌ كُنْتُ <sup>لکبرتی بر زمین از گرسنگی و سبب کسنگی بودن</sup>  
 لَا أَكَلْتُ شَيْئًا عَلَى بَطْنِي مِنَ الْجُوعِ وَلَقَدْ قَسَدَ <sup>که نه چیزی را بر شکم خود بر شکم خود و به تحقیق</sup>  
 يَوْمًا عَلَى طَرَفِهِمُ الَّذِي يَخْرُجُونَ مِنْهُ قَسْرًا <sup>روزی بر راه ایشان که بیرون می آیند از آن راه این گرسنگی و سختی</sup>  
 قَسْرًا لَكُنْ عَنْ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يَمَانًا <sup>پس پرسیدم از آیه از کتاب خدا یمانا</sup>

۳۰۵

در حدیث این دو حدیث را بخوانید  
 در حدیث این دو حدیث را بخوانید  
 در حدیث این دو حدیث را بخوانید

در حدیث این دو حدیث را بخوانید  
 در حدیث این دو حدیث را بخوانید  
 در حدیث این دو حدیث را بخوانید



1112





اشْرَبْتُ فَشَرِبْتُ فَمَا نَالَ يَقُولُ اشْرَبْتُ حَتَّى قُلْتُ  
بخور پس خوردم پس همیشه می گفت آنحضرت بخور تا آنکه گفتم  
 لَا وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا أَجِدُ لَهُ مَسْلَكًا قَالَ  
سوکند بدانیکه فرستاد ترا بحق نمی یابم برای این شیرهای نفوذ گفت آنحضرت  
 فَأَرَيْتِي فَأَعْطَيْتُهُ الْقَدَحَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَسَمِيَ وَشَرِبَ  
پس برده مرا پس دادم آنحضرت را قلعج پس ستود خدا را و بسم الله گفت و خورد  
 الْفَضْلَةَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الرِّقَاقِ  
راویانده را روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب الرقاق  
 فِي بَابٍ كَيْفَ كَانَ عَيْشُ النَّبِيِّ صَلَّى وَسَلَّمَ وَعَنْ  
در باب آنکه چگونه بود عیش پیشتر صلعم در روایت است از  
 الْمُقَدَّادِ قَالَ أَقْبَلْتُ أَنَا وَصَاحِبَانِي وَقَدْ  
امقداد که گفتم متوجه شدیم من و دو یاران من و تحقیق  
 ذَهَبَتْ أَسْمَاعُنَا وَأَبْصَارُنَا مِنْ ابْتِهَادِ فَجَعَلْنَا  
گم شد قوت شنوایی و بینایی ما بسبب گرسنگی پس شروع کردیم  
 نَحْرُضُ أَنْفُسَنَا عَلَى أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى  
که پیش بگردیم خود را بر اصحاب پیغمبر خدا صلعم  
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْهُمْ يَقْبِلُنَا فَأَتَيْنَا  
الله علیه وسلم پس نبود هیچ یکی از ایشان که پذیرد ما را پس آمدیم نزد  
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَنْطَلَقَ بِنَا إِلَى أَهْلِهِ  
پیغمبر صلعم الله علیه وسلم پس برد ما را بسوی اهل خود

سلام از خود  
 در باب اسما و غدا و ابواب  
 من الجسد و فتح بطبع  
 الجسد و الشجر و نور  
 فليس و تقبيلنا  
 جدول على ان الارض  
 غرض از انصاف  
 من انما يظن  
 من انما يظن  
 من انما يظن  
 سلام از خود  
 در باب اسما و غدا و ابواب  
 من الجسد و فتح بطبع  
 الجسد و الشجر و نور  
 فليس و تقبيلنا  
 جدول على ان الارض  
 غرض از انصاف  
 من انما يظن  
 من انما يظن  
 من انما يظن

پس ناگه سه مادران برآمدند پس گفت

پدوشید این شیرا میان ما گفت مقدار پس عید و شہید را پس شہید را پس شہید را

آوسی ازنا نصیب شود را

مجلسیہ دوسلم انجییب آنحضرت را گفت: مقدار دین می آید آنحضرت را بوقت ما، پس سلام بیکرد

سلام کردنی که سید را می گوید      برقیته را      و می شنود انبیا      پدیدار را      گفتند افراد پیش از انبیا

در مسجد پس نماز میگذارد و پستری آرد نزد شیر خود پس بخورد و آن شیر را بهیمن آمد نزد شیطان

تھے درحالیکہ غمزدہ ہوا نصیب خود را پس گفت شہ پان محمدی آید

نزد انصار ایس خدمت می کنند آنحضرت را و می باید آنحضرت خود ایشان نیست آشفته به راه حاجت

پایین - چرخ - پس از آنکه مردم آن پس خود را آزاد کردند و چون داخل شد آن شیخ

در شکوه و در دستم انگه نیست سوسن راه گفت مقدار و بشی داد مرا

410





عَرَفْتُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ رَوَى

وَأَصْبَحْتُ دَعْوَتَهُ ضَيْكْتُ حَتَّى الْقَيْتُ إِلَيْهِ

الْأَرْضِ قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

إِعْذَى سَوْآتِكَ بِأَمَقْدَادُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ

كَانَ مِنْ أَمْرِي كَذَا وَكَذَا وَفَعَلْتُ كَذَا فَقَالَ

النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا طَلَيْتُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ

اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَفَلَا كُنْتَ أَذْنَتِي فَتَوْفِظُ صَدْرِي

فِيهِ بَيِّنَاتٍ مِنْهَا قَالَ فَقُلْتُ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ

مَا أَبَا لِي إِذَا أَصْبَحْتُ وَأَصْبَحْتُهَا مَعَكَ مَنْ أَصَابَهَا

مِنَ النَّاسِ رَقَاهُ مُسْلِمٌ فِي صُحُفِهِ فِي كِتَابٍ

سورة الاحقاف

در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس  
 در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس  
 در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس  
 در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس

الْأَشْرِيَّةُ فِي بَابِ إِكْرَامِ الضَّيْفِ وَعَنْ أَنَسٍ  
 الْأَشْرِيَّةُ فِي بَابِ إِكْرَامِ الضَّيْفِ وَعَنْ أَنَسٍ

قَالَ أَصَابَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ قَحْطٌ عَلَى عَهْدِ  
 قَالَ أَصَابَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ قَحْطٌ عَلَى عَهْدِ

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَبَيْنَا هُوَ يُخْطِبُ  
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَبَيْنَا هُوَ يُخْطِبُ

يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِذْ قَامَ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
 يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِذْ قَامَ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

هَلَكْتُ الْكَوْاعُ وَهَلَكْتُ الشَّاءُ فَأَذْعُرُ اللَّهَ كَيْسَقِينَا  
 هَلَكْتُ الْكَوْاعُ وَهَلَكْتُ الشَّاءُ فَأَذْعُرُ اللَّهَ كَيْسَقِينَا

فَهَدَيْدِيهِ وَدَعَا قَالَ أَنَسُ وَإِنَّ السَّمَاءَ لَمِثْلُ  
 فَهَدَيْدِيهِ وَدَعَا قَالَ أَنَسُ وَإِنَّ السَّمَاءَ لَمِثْلُ

الزُّجَاجَةِ فَهَاجَتْ رِيحٌ أَنْشَأَتْ سَحَابًا ثَمَّ اجْتَمَعَ  
 الزُّجَاجَةِ فَهَاجَتْ رِيحٌ أَنْشَأَتْ سَحَابًا ثَمَّ اجْتَمَعَ

أَرْسَلَتِ السَّمَاءُ عِزَّيْهَا فَخَرَجْنَا نَحْوُ الْمَاءِ حَقِ  
 أَرْسَلَتِ السَّمَاءُ عِزَّيْهَا فَخَرَجْنَا نَحْوُ الْمَاءِ حَقِ

آتَيْنَا مَنَازِلَنَا فَلَمْ نُزَلْ نَمُطِرْ إِلَى الْجُمُعَةِ الْآخِرَى  
 آتَيْنَا مَنَازِلَنَا فَلَمْ نُزَلْ نَمُطِرْ إِلَى الْجُمُعَةِ الْآخِرَى

فَقَامَ إِلَيْهِ ذَلِكَ الرَّجُلُ أَوْ غَيْرُهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
 فَقَامَ إِلَيْهِ ذَلِكَ الرَّجُلُ أَوْ غَيْرُهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس  
 در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس  
 در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس  
 در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس

در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس  
 در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس  
 در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس  
 در بیان این که در این باب اگر چه الضیف و عن انس









عَلَيْهَا فَسَكَنْتَ رَوَاهَا الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِهِ

برو پس ساکن شد آن جعفر روایت این دو حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب

الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ عِلَامَاتِ النَّبِيِّ وَكَانَ صَلَاحُ

الانبياء در باب علامات نبوت در روایت استاذ صالح

ابْنُ حَيَّانَ عَنِ ابْنِ بَرِيدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ كَانَ

بن حیان و در روایت کرد از ابن بریده و در روایت کرد از پدر خود که گفت بود

النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خَطَبَ قَامَ فَطَافَ

پیغمبر صلی الله علیه وسلم چون خطبه میخواند می ایستاد پس در آن خطبه

الْقِيَامَ فَكَانَ يَشُقُّ عَلَيْهِ قِيَامُهُ فَأَنَّى يَجْزِعُ مَخْلُفَةً

قیام را پس سخت میشد بر آن حضرت قیام پس آمده شد آن درخت فرما

فَخَفِرَ لَهُ وَأُقِيمَ إِلَى جَنْبِهِ قَائِمًا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس زمین کند شد برای او و استاده کرده شد بسوی پناهی او قائم برای پیغمبر صلی الله علیه وسلم

وَسَلَّمَ فَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خَطَبَ

و سلم پس بود پیغمبر صلی الله علیه وسلم چون خطبه میخواند

فَطَالَ الْقِيَامُ عَلَيْهِ اسْتَدَّ إِلَيْهِ فَأَتَاكَ عَلَيْهِ فَمَجَّو

پس دراز میشد قیام بر آنحضرت پیش نهادی را آنحضرت بسوی آن جعفر پس میبرد بر زمین بگشاید

بِهِ رَجُلٌ كَانَ وَرَدَ الْمَدِينَةَ فَرَأَاهُ قَائِمًا لِي

آنرا مردی که در آمده بود بدید پس دید آنحضرت را استاده بسوی

جَنْبِ ذَلِكَ الْجَذْعِ فَقَالَ لِمَنْ بَلْبِ مِنْ النَّاسِ

پس فرمود آن جعفر پس گفت آن مرد شخصی را که نزد وی بود از مردم

لَوَ اَمْلِكُ اَنْ اَعْمِدَ نِي فِي شَيْءٍ يَفِي بِه  
 اگر اوستا اينكه هر چيزي را كه خواهم بگويم يا بخواهم بگويم  
 لَهُ فَيَسَّاسًا يَقُومُ عَلَيْهِ فَاِنْ شَاءَ سَبَّحَ مَا شَاءَ  
 براي آنكه بگويم يا بخواهم بگويم  
 وَاِنْ شَاءَ قَامَ فَبَكَرَ ذَلِكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 و اگر خواهم بياستد پس رسيد اين خبر پيغمبر  
 وَسَلَّمَ فَقَالَ اَتُوْنِي بِهِ فَاَتَوْهُ بِهِ فَاَمَرَ اَنْ يَصْنَعَ  
 و سلم را پس گفت آنحضرت بيا در اين مجلس را پس آوردند و عرض كردند و او را پس فرمود آنحضرت الله  
 لَهُ هَذِهِ الْمِرَاقِي الثَّلَاثُ اَوَّلُهَا رُبْعٌ هِيَ الْاَنَ فِي  
 براي آنحضرت اين زريناي سه يا چهار را  
 مِنْ بَرِّ الْمَدِينَةِ فَوَجَدَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 منبر پيغمبر است پس يافت پيغمبر الله عليه وسلم  
 فِي ذَلِكَ رَاحَةً فَلَمَّا فَارَقَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 در اين آسايش پس چون جداي كرد پيغمبر الله عليه  
 وَسَلَّمَ الْجَذْعَ وَعَمَدَ إِلَى هَذِهِ الَّتِي صُنِعَتْ لَهُ  
 و سلم از جذع و آنگاه كرد بسوي اين چيزي كه ساخته شد براي آنحضرت  
 جَزْعَ الْجَذْعِ فَمِنْ كَمَا تَحْتَ النَّاقَةِ حِينَ فَارَقَهُ  
 تا كشيديان كرد بنوع پس تا كرد چنانكه ناله ميكند داده شتر و ناله جداي كرد از آن بنوع  
 النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَرَعَمَ ابْنُ بَرِيْدٍ عَنْ  
 پيغمبر الله عليه وسلم پس از آنكه فرمود اين پيغمبر

أَيُّهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ سَمِعَ  
حِينَ الْجَذْعِ رَجَعَ إِلَيْهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَقَالَ  
اخْتَارَ أَنْ أُغْرِسَكَ فِي الْمَكَانِ الَّذِي كُنْتَ فِيهِ  
فَتَكُونَ كَمَا كُنْتَ وَإِنْ شِئْتُ أَنْ أُغْرِسَكَ فِي الْجَنَّةِ  
فَتَشْرَبَ مِنْ أَنْهَارِهَا وَتَعْيُونَهَا فَيَحْسَنَ ثَبْتُكَ وَ  
تَعْرِفَ كُلَّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّكَ وَتَحْلِكَ فَعَلْتُ  
فَرَعِمَ أَنَّهُ سَمِعَ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
وَهُوَ يَقُولُ لَهُ نَعَمْ قَدْ فَعَلْتُ مَرَّتَيْنِ فَسَأَلَ النَّبِيَّ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ اخْتَارَ أَنْ أُغْرِسَكَ  
فِي الْجَنَّةِ وَكَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
دَرَجَتِ

پدر خود آنکه بر او نیکو چهره  
صلی الله علیه وسلم چون شنید  
ناله جذع را باز گشت بسوی آن جذع پس نهاد دست مبارک خود را بر او و گفت  
بر گردین آنکه نشانم ترا در جانی که بودی تو در اینجا  
پس شوی بهمانکه بودی و اگر خواهی آنکه نشانم ترا در جنت  
پس نوشی از هر بهای جنت و چشمهای آن پس میگوید رستن تو و  
نگیری پس خوردن دوستان خدا از بارتو و حلق تو  
پس افتاد که روای حدیث آنکه آهسته آهسته از پیغمبر  
در مالیک آنحضرت میگفت برای آن جلع آرسه تحقیق کردم دوبار پس پرسید پیغمبر  
صلی الله علیه وسلم را پس گفت آنحضرت اختیار کرد که می نشانم او را  
در جنت حدیث است از ابن عباس که بر آئینه پیغمبر صلی الله علیه وسلم

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَخْطُبُ إِلَى جَذْعٍ قَبْلَ أَنْ يَخُذَ الْمَنِيرَ

خطبه میخواند بسوی پہلوی تنہ درخت خرابیش از آنکہ اختیار کنم منیر را

فَلَمَّا اخْتَذَ الْمَنِيرَ وَخَوَّلَ إِلَيْهِ حَتَّى اخْذَهُ فَاحْتَضَنَهُ

پس چون اختیار کرد منیر را و برگشت بسوی او لالہ کرد جذع پس در کنار گرفت آنحضرت

فَسَكَنَ وَقَالَ لَوْ لَمْ اخْضِنَهُ لَحَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ

پس ساکن شد جذع و گفت آنحضرت اگر در کنار نگرفتم او را ہر آئینہ نالہ کردست تا روز قیامت

وَفِي رِوَايَةِ الطَّفِيلِ بْنِ أَبِي كَعْبٍ عَنْ أَبِيهِ

در روایت طفیل بن ابی بن کعب از پدر اوست

فَلَمَّا جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَرِيْدُ

پس چون آمد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم در حالیکہ ارادہ میکرد

الْمَنِيرَ كَرَّ عَلَيْهِ فَلَمَّا جَاوَزَ خَارِجَ الْمَنِيرِ قَصَدَ وَ

منیر را برگشت از نزد آن جلع پس چون در گذشت از آن ماندہ مانگ گاو مانگ کرد و جلع تا آنکہ بر آمدہ شد جلع

الْشَّقِ فَرَجَعَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

شکافہ شد پس باز گشت بسوی آن پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

مَمْسُوكًا يَبْدِيهِ حَتَّى سَكَنَ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى الْمَنِيرِ قَالِ فَمَا

پس مسجہ کرد او را آنحضرت بہ بہت مبارک بود تا آنکہ ساکن شد جلع بہتر باز گشت آنحضرت بسوی منیر کہت راوی

إِذَا صَلَّى صَلَّى إِلَيْهِ فَلَمَّا هَدِمَ الْمَسْجِدَ أَخَذَ ذَلِكَ

چون میگزارد نماز را میگزارد بسوی آن پس چون منہدم شد مسجد گرفت آن

الْجَذْعَ أَبِي بَنٍ كَعْبٍ فَلَمْ يَزَلْ عِنْدَهُ حَتَّى بَلَ

جذع را ابی بن کعب پس ہمیشہ بود آن جلع نزدی تا آنکہ کہت شد

فَاَكَلَتْهُ الْاَكْضَةُ وَعَادَرُفَاتَا وَعَنْ أَبِي الْوَدَّاءِ  
پس خورد او را که کما چو بخوار و گردید ریزه ریزه و روايت است از ابی الوداء  
عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
و اوروايت کرد از ابی سعيد که گفت بود پيغمبر خدا صلی الله  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ إِلَى لِزْقٍ جِدْعٍ فَاتَاهُ رَجُلٌ  
عليه وسلم خطبه ميخواند بسوی يهلوی تنه درخت طرا پس آمد نزد آنحضرت مردی  
رُومِيٌّ فَقَالَ أَصْنَعُ لَكَ مِنْبَرًا تَخْطُبُ عَلَيْهِ فَصَنَعَهُ  
رومی پس گفت ای سازم برای تو منبر خطبه بتوانی برو پس ساخت برای آنحضرت  
مِنْبَرًا هَذَا الَّذِي تَرَوْنَ قَالَ فَلَمَّا قَامَ عَلَيْهِ النَّبِيُّ  
اینکه منبر گفت ابی سعيد پس چون استاد برد پيغمبر  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ حَتَّى يَجْذَعَ حَيْنِينَ  
صلى الله عليه وسلم در حالیکه خطبه ميخواند تا که گرد جلوع مانند ناله کردن  
النَّاقَةِ إِلَى وَلَدِهَا فَنَزَلَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
ماده شتر بسوی بچ خود پس فرود آمد بسوی آن جذع پيغمبر خدا صلی الله  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَضَمَّهُ إِلَيْهِ فَسَكَنَ فَأَمَرَهُ أَنْ يَجْفُو لَهُ  
عليه وسلم پس ضم کرد او را بسوی خود پس ساکن شد پس فرمود آنحضرت بچي جذع آنکه کند شتر زمين برای  
وَيَذْفَنَ وَفِي رِوَايَةٍ إِسْحَاقُ بْنُ أَبِي طَلْحَةَ عَنْ أَنَسِ  
و دفن کرده شود و روايت است اسحاق بن ابی طلحه است از انس  
ابْنِ مَالِكٍ فَلَمَّا قَعَدَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
بن مالک پس چون نشست پيغمبر خدا صلی الله عليه وسلم

سلام و غفران و رحمت  
 خداوند را بر شما باد  
 ای سعادت الباقی  
 قولادت مبارک و شاد  
 علی بن محمد بن علی بن علی  
 علیه السلام  
 التورای سعادت و ناز  
 زینا علی رسول صلی الله علیه و آله  
 علیه و آله و سلم قال من  
 انما من التورای سعادت  
 انتم

تَعَالَى فِي سُورَةِ الْقَمَرِ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ  
 وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعَرِّضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَعْتَبٌ وَ  
 كَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أُمَّةٍ مُّسْتَعْتَبَةٌ  
 ابْنِ مَرْيَمَ قَالَ انْشَقَّ الْقَمَرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِرْقَتَيْنِ فِرْقَةٌ فَوْقَ الْجَبَلِ  
 وَفِرْقَةٌ دُونَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 أَشْهَدُوا وَكَانَ أَبِي مَعْمَرٌ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ انْشَقَّ  
 الْقَمَرُ وَخَنَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَادَ  
 فِرْقَتَيْنِ فَقَالَ لَنَا أَشْهَدُوا وَكَانَ قَتَادَةُ عَنْ  
 أَنَسٍ قَالَ سَأَلَ أَهْلُ مَكَّةَ أَنْ يَبْلُغَهُمْ آيَةُ فَأَرَاهُمُ



و سلم الایمان و شهادت الی الله و رسولہ  
 و علی اهل البیت الطیبین الطاهرات  
 و علی سائر الانبیاء و اولاد عیبات  
 علیهم السلام و تعالی عنہم و علی  
 قائلہ و علیہ السلام و علی سائر  
 الایمان و شهادت الی الله و رسولہ  
 و علی اهل البیت الطیبین الطاهرات  
 و علی سائر الانبیاء و اولاد عیبات  
 علیهم السلام و تعالی عنہم و علی

[illegible]

70 100 150 200 250 300 350 400 450 500 550 600 650 700 750 800 850 900 950 1000

۴۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

صلى الله عليه وسلم  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة

صلى الله عليه وسلم  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة

صلى الله عليه وسلم  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة

صلى الله عليه وسلم  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة

ثُمَّ أَيْدِيَّتْ بِيَدَيْهِ فَمِنْ دَحَى قَلْبِهِ قَوْلُهُ إِيْمَانًا  
 فَمَسِلَ قَلْبِي ثُمَّ حُشِيَ ثُمَّ أَعِيدَ ثُمَّ أَيْدِيَّتْ  
 يَدَايَهُ دُونَ الْبَعْلِ وَفَوْقَ الْخِمَارِ أَيْضًا  
 فَقَالَ لَهُ الْخِمَارُ وَهُوَ الْبُرَاقُ يَا أَبَا حَمْرَةَ  
 قَالَ أَتَيْتُكُمْ يَوْمَ يَخْلُوعُ عِنْدَ أَقْصَى طَرَفِ  
 فَحُلِّتْ عَلَيْهِ فَأَنْطَلَقَ بِي جَبْرِئِيلُ حَتَّى لَقِيتُ  
 السَّمَاءَ الدُّنْيَا فَاسْتَفْتَيْتُ فَقِيلَ مَنْ هَذَا قَالَ  
 جَبْرِئِيلُ قِيلَ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قِيلَ  
 وَقَدْ أُرْسِلَ إِلَيْكَ قَالَ نَعَمْ قِيلَ فَمَنْ مَعَكَ  
 الْجَنَّةُ جَاءَ فَيَقْتُلُهَا فَلَا خَلَصَتْ قَدْ أَفِيضَ آدَمُ

صلى الله عليه وسلم  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة

صلى الله عليه وسلم  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة  
 وادخلني عند الله من الجنة

صفحه ۲۲۹

صلوات علیہ وسلم

الحمد لله رب العالمین

والصلاة والسلام علی محمد و آله الطاهرین

و علی سائر المرسلین

و علی من تبعهم باحسان

و علی من تبعهم باحسان

و علی من تبعهم باحسان

و علی من تبعهم باحسان

و علی من تبعهم باحسان

و علی من تبعهم باحسان

و علی من تبعهم باحسان

و علی من تبعهم باحسان

و علی من تبعهم باحسان

و علی من تبعهم باحسان

و علی من تبعهم باحسان

فَقَالَ هَذَا أَبُوكَ أَدَمُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ فَسَلَّمَتْ

علیه فرد السلام ثم قال مرحبا بالابن الصالح

و النبي الصالح ثم صعد حتى أتى السماء الثالثة

فاستفتى قيل من هذا قال جبرئيل قيل و

من معك قال محمد قيل و قد أرسل إليه

قال نعم قيل مرحبا به فينم اليه جاء فقفي

فلما خلصت اذ ايجي و عيسى و هما ابنا الخالة

قال هذا ايجي و عيسى فسلم عليهما فسلمت

فردا ثم قال مرحبا بالابن الصالح و النبي الصالح

ثم صعدني الى السماء الثالثة فاستفتى قيل

من هذا قال جبرئيل

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

فقال مرحبا به

ی ایڈریسین قال هذا ایڈریسین فسلیم علیہ  
 مسوی ایڈریسین گفت جبریل این ایڈریسین است پس سلام ده بروے

قلمی صحت اسرار علیہ و  
 سلطنتی مصلحت متا اس کے  
 اور میں قائل ہوں کہ  
 فرما جائے حکومت عالیہ پر  
 قائل ہوں کہ جاننے پر  
 والہ بیاض صحت خیر ہر علیہ  
 انسانی تہی قلموں میں اور میں  
 جہنمیت والا انصاف والا جان  
 اصحاب کما قائل کہ تو قائل  
 اعلیٰ شہرہ شہرہ  
 و شہرہ الامام  
 و میں نے قائل ہوں کہ  
 کہ ان اور میں علیہ السلام  
 اب انصاف صحت علیہ السلام  
 و سلم فان غور علیہ صحت  
 جہنم ان کیوں قائل صحت  
 و تا دبا دبا ہونے والا صحت  
 ابنا قائل ہوں کہ ان کیوں  
 اخوة و امراء اخوة و امراء  
 اسلام الامام علیہ السلام  
 ۱۲

فَسَلِّتْ عَلَيْهِ فَرْدٌ ثُمَّ قَالَ مَرْحَبًا يَا لَاحِ الصَّاحِبِ

پس سلام دوم بردے ہیں جواب سلام داد پستہ گفتند اور میں مرحبا بہ برادر صالح

وَالنَّبِيِّ الصَّاحِبِ ثُمَّ صَعِدَنِي حَتَّى أَتَى السَّمَاءَ

و پیغمبر صالح پستہ بالا برد مرا جبرئیل تا آنکہ آمد

الْخَامِسَةَ فَاسْتَفْتَيْتُهُ قَبْلَ مَنْ هَذَا قَالَ جِبْرِئِيلُ

پس طلبہ کرو جبرئیل کو شناساؤں در آسمان را گفته شد کیستہ این گفت جبرئیل منم جبرئیل

قَبْلَ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قَبْلَ وَقَدْ أُرْسِلَ

گفته شد و کیستہ ہاتھ گفت جبرئیل محمد است گفتہ شد آیا وہ تحقیق کیسے فرستادہ شد

إِلَيْهِ قَالَ نَعَمْ قَبْلَ مَرْحَبًا يَا مُحَمَّدُ فَفَنِمْنَا إِلَى جَاءَ

وہ وی گفت جبرئیل آئے گفتہ شد مرحبا بہ ہا تو کہیں خوش آمدنی است آمد

۱۱۱۱۱

فَلَمَّا خَلَصْتُ فَإِذَا هَارُونَ قَالَ هَذَا هَارُونُ

پس چون رسیدم پس ناگاہ ہارون پدید گفت جبرئیل این ہارون است

فَسَلِّمْ عَلَيْهِ فَسَلِّتْ عَلَيْهِ فَرْدٌ ثُمَّ قَالَ مَرْحَبًا

پس سلام دہ بردے پس سلام دہم بردے پس جواب سلام داد پستہ گفتند ہارون مرحبا

يَا لَاحِ الصَّاحِبِ وَالنَّبِيِّ الصَّاحِبِ ثُمَّ صَعِدَنِي حَتَّى

ہر برادر صالح و پیغمبر صالح پستہ برد مرا جبرئیل تا آنکہ آمد

أَتَى السَّمَاءَ السَّادِسَةَ فَاسْتَفْتَيْتُهُ قَبْلَ مَنْ هَذَا قَالَ

آمد جبرئیل آسمان ششم پس طلبہ کرو کناؤں در را گفته شد کیستہ این گفت

جِبْرِئِيلُ قَبْلَ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قَبْلَ وَقَدْ أُرْسِلَ

جبرئیل گفتہ شد و کیستہ ہاتھ گفت جبرئیل محمد است گفتہ شد آیا وہ تحقیق فرستادہ

جبرئیل

جبرئیل



قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمْ يَكُنْ لِي خَلْفَاءُ  
 بَعْدِي إِلَّا الْيَهُودُ وَالنَّصَارَةُ  
 وَكَانُوا يَكُونُونَ خَلْفَاءَ كُلِّ بَعْضِهِمْ  
 عَلَى بَعْضٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 وَكَانُوا يَكُونُونَ خَلْفَاءَ كُلِّ بَعْضِهِمْ  
 عَلَى بَعْضٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

إِلَيْهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ مُرَحَّبًا بِهِ فَنِعِمَّ إِلَيْهِ بِجَاءَ فَلَمَّا  
 خَصَصْتُ فَإِنَّهُ أَمُوسَى قَالَ هَذَا أَمُوسَى فَسَلِّمْ  
 عَلَيْهِ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ فَرَدَّ ثُمَّ قَالَ مُرَحَّبًا لَكَ  
 الصَّاحِبِ وَالنَّبِيِّ الصَّالِحِ فَلَمَّا تَجَاوَزْتَ بَيْتَ قَيْلَ  
 مَا يُبْكِيكَ قَالَ أَبْيُوكُنْ غَدًا مَا بَيْتٌ بَعْدِي  
 يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِهِ أَكْثَرُ مَنْ يَدْخُلُهَا  
 مِنْ أُمَّتِي ثُمَّ صَعِدَ بَيْنَ إِلَيْنِ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ  
 فَاسْتَفْتَمُ جِبْرِيلُ قَيْلَ مَنْ هَذَا قَالَ جِبْرِيلُ  
 قَيْلَ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قَيْلَ وَقَدْ لَمْ يَكُنْ  
 إِلَيْهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ مُرَحَّبًا بِهِ فَنِعِمَّ إِلَيْهِ بِجَاءَ فَلَمَّا

۲۳۳

پس بوی وی گفت آری گفت مرحبا به  
 رستم پس نگاه موسی بود گفت این موسی است پس سلام ده  
 بروی پس سلام دوم بروی پس کباب سلام داد پسر گفت مرحبا  
 صالح و پیغمبر صالح پس و تنگ گروستم از پیش موسی گریه موسی گفت غدا مردی  
 چه چیز می گریه کند ترا گفت موسی علیه السلام می گریم بسبب اینکه کودکی فرستاده شد  
 پس من  
 در آید و در بهشت از امت و ده اکثر از کسانی که در بهشت  
 از امت من بیشتر بالارد مرا جبرئیل بوی آسان  
 پس طلب کرد کشادگان در را جبرئیل گفت شد کیست این گفت جبرئیل منم جبرئیل  
 گفت شد و کیست با تو گفت جبرئیل محمد است گفته پس از او پرسید  
 پس بوی آنحضرت گفت جبرئیل آری گفت مرحبا به پس خوش آمدن آری پس  
 پس بوی آنحضرت گفت جبرئیل آری گفت مرحبا به پس خوش آمدن آری پس

قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمْ يَكُنْ لِي خَلْفَاءُ  
 بَعْدِي إِلَّا الْيَهُودُ وَالنَّصَارَةُ  
 وَكَانُوا يَكُونُونَ خَلْفَاءَ كُلِّ بَعْضِهِمْ  
 عَلَى بَعْضٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 وَكَانُوا يَكُونُونَ خَلْفَاءَ كُلِّ بَعْضِهِمْ  
 عَلَى بَعْضٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

دو شہزادوں آؤندے از می و آؤندے از شیر و آؤندے از شہد

[illegible]

۵۷  
 فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها  
 قال الامام ابو حنیفة بن ابی لیثمة  
 فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها  
 قال الامام ابو حنیفة بن ابی لیثمة  
 فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها

فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها  
 قال الامام ابو حنیفة بن ابی لیثمة  
 فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها  
 قال الامام ابو حنیفة بن ابی لیثمة  
 فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها

۲۳۵

فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها  
 قال الامام ابو حنیفة بن ابی لیثمة  
 فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها  
 قال الامام ابو حنیفة بن ابی لیثمة  
 فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها

فَاتَّخَذَ مِنَ اللَّيْلِ قَتَالًا هُوَ الصَّلَاةُ أَنْتَ عَلَيْهِمَا  
 وَأَمَّا تَكُ ثُمَّ فَرَجَتْ عَلَى السَّائِغَاتِ خَمْسِينَ  
 صَلَاةً كُلَّ يَوْمٍ فَرَجَتْ مَرَّةً تَكُ عَلَى مَوْسَى  
 فَقَالَ يَا أَمْرُتُ قَالَ أَمْرُتُ بِخَمْسِينَ صَلَاةً كُلَّ  
 يَوْمٍ قَالَ إِنَّ أَمَّا تَكُ لَا تَسْتَطِيعُ خَمْسِينَ صَلَاةً  
 كُلَّ يَوْمٍ وَاقِ وَاللَّهِ قَدْ جَرَّبْتُ النَّاسَ فَيَلَكُ وَ  
 عَالَجْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَشَدَّ الْعَسَاكِيَةِ فَأَرْجِعْ إِلَى  
 رَبِّكَ فَسَلِّهِ التَّخْفِيفَ لِمَتِّكَ فَرَجَتْ فَوَضَعَ  
 عَنِّي عَشْرًا فَرَجَتْ إِلَى مُوسَى فَقَالَ مِثْلَهُ فَرَجَتْ  
 فَوَضَعَ عَنِّي عَشْرًا فَرَجَتْ إِلَى مُوسَى فَقَالَ مِثْلَهُ

فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها  
 قال الامام ابو حنیفة بن ابی لیثمة  
 فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها  
 قال الامام ابو حنیفة بن ابی لیثمة  
 فی الصلوة ثم عرق بها حتى جففت عرقها

ثم في النقطه بنقطه  
الى السماء ثم الى ما شاء  
الله تعالى من اعلى حق  
استحي وقال العلامة  
النقش رزائي في ترجمه  
قولك الى السماء مشاركة  
الى الود على من زعم  
ان المعراج في الارتفاع  
لم يكن الا الى رتبة  
عليه انطق به الملكا  
قوله ثم الى ما شاء الله  
فما سئل

کَیْنِ اَرْضِیْ وَ اَسْلَمَ اَمَّا فَلَکَ جَاوِزٌ مُنَادٍ مِّنْکُمْ  
راضی بیاشم و تقسیم می کنم قرون ضار و کلت آنحضرت را پس و تنبیه کند شتم او را و او را بدیندا

قد جئيت الناس قبلك وعالجت بني إسرائيل  
 از موده ام مردم را پیش از تو و علاج کردم بنی اسرائیل را  
 اشد المعالجة فانرجع اليك فسله التخفيف  
 سخت ترین معالجه پس باز برگردم به تو پس بگو که تخفیف  
 لا متك قال سألت ربي حتى استخيت و  
 برای است خود گفتم آنحضرت سہال کردم از تو در کار خود تا آنکه  
 لكني ارضى واسلم قال فلما جاوزت نادى منك  
 لیکن من راضی بیایستم و تسلیم می گم چون گذار گشت آنحضرت پس و دیگر بگو شستم او را و او آواز دهنده

اَمْضَيْتُ فَرِيضَتِي وَخَفَفْتُ عَنْ عِبَادِي زَوَالًا

البخاري في صحيحه في كتاب الانبياء في باب

المختار من رسائله وقرآنه مع اختصاره وتعليقه

بَعْضُ الْكَفَاظِ فِي حَيْثُ فِي كِتَابِ الْإِيمَانِ

فِي بَابِ الْأَسْرَاءِ وَعَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ

سمعت جابر بن عبد الله أنه سمع رسول الله  
 واو لقت شفيهم جابر بن عبد الله  
 اسرا که برائید وی شنید از  
 پیغمبر و در

صلی اللہ علیہ وسلم یقول لما لدنہ بنی فوئیت

در حجر پس روشن گره انید خدا برای من ببیند المقدس را پس در اینستادم کفوی دوم ایستاد

عَنْ آبَاةٍ وَأَزْكَاءٍ نَفْذُ الْوَدَّ وَالزَّكَاةِ فِي

فِي كِتَابِ الْاَنْبِيَاءِ فِي قَابِ الْقِسْمِ الْاَوَّلِ وَزَوَّاهُ

در کتاب الانبیار در باب الاسراء و در سوره که در این حدیث را

خاضعة دون جبرك المهر وقدره غنيمته  
 في ذاك الزمان في حال في بلاد الحجاز  
 منكم انذره صلوة الياس من الغدوات  
 الحسنى عليه في الجادى القديس وقد نزل  
 الحسنى في رخ القدر في كونه سنة  
 من ذبالات الاله والحق في كونه سنة  
 واليه اطلبه الفخيلة في كونه سنة  
 عليه وسلم اذا اطلب على رقا

باب پنجم در بیان شفاعت کردگان از پیشگاه خداوند تعالی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَوْنُهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَوْنُهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مِنْ سُورَةِ بَنِي إِسْرَآئِيلَ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسُوحِدْهُ

فَمُودَاهُ عَنْ آدَمَ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ عُمَرَ

مَنْ تَتَّبِعْ مِنْبَعِي يَقُولُونَ يَا فُلَانُ اشْفَعْ يَا فُلَانُ

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

و هو قول طائفة من علماء الطوائف  
أنهم لا يقدرون على أن يكونوا  
أهل البيت في حق الله تعالى  
ولا أنهم أهل البيت في حق الله تعالى

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]



دوئل فرم قال ای اعلیٰ  
لا بد که بگذرد عذرا بکشد  
بکفره عاجز

[illegible][illegible]



کان در سلواد الفطرن کجا نزل العشر دفعه  
 عطا شدست در قول اهل الحشر دفعه  
 سهاک الله است فی السحر و اکیلی  
 فی صوره فنی الحشر و العطاره  
 عهد اشکوه آه اعاطالو العطاره  
 العطارانی

Handwritten notes in Urdu script, likely bleed-through from the reverse side of the page.

إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ فَيَقُولُ عَيْبِيُّ إِنَّ رَبِّيَ لَقَدْ غَضِبَ

[illegible]



است مرا ای پروردگار من بخش است مرا ای پروردگار من

امتداد ای هم در دکانها پخش پس گفته شود ای محمد در آرد از امتداد

کمالی در آنکه نیست حساب بر اینشان از در جانب و حق راست از

در پامی    بهشت    وایشان    شرکار مردند    در آنچه که    سداست

از درهای دیگر پستری گفت: آنحضرت سونگ بخدا بیکه نفس من در دست قدرت

برای تهیه ساقه میوه از دو جانب در

پہاڑیوں کے درمیان کے وادیوں پر چھوڑ دیا کہ وہ اپنا گھر بنائیں اور اپنا گھر بنائیں اور اپنا گھر بنائیں

روایت کرد این سیدین را بخاری در صحیح بخاری در کتاب

نفسی

بسم الله الرحمن الرحيم

در در مجلس اعظمی در صحیح مسلم در

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱





قوله قال نعم اسع  
 سمعته يقول ذلك وفيه  
 بطلان في باب المعجزة  
 القائلين بشفاعة  
 العصاة متمسكين بشفاعة  
 تامة فاستقيم بطلان  
 الشافعين واجب امانا  
 في الكفاية قد اذنت  
 الامامون  
 ٢٣٨  
 في كتاب الفقه  
 على قولهم ان  
 الحسين عليه السلام  
 هو القائم بالحق  
 في الدنيا والآخر  
 اجماعا لا ريب فيه  
 في كتاب الفقه  
 على قولهم ان  
 الحسين عليه السلام  
 هو القائم بالحق  
 في الدنيا والآخر  
 اجماعا لا ريب فيه

بِالشَّفَاعَةِ مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ  
 في صحيحه في كتاب الرقاق في باب صفة  
 الجنة والنار ورواه مسلم من قوله قلت  
 لعروبن دينار الى اخي الحديث مع تغير يسير  
 في بعض الفاظ في باب اثبات الشفاعة  
 المذكور وعن ابي سعيد قال قال رسول الله  
 صلى الله عليه وسلم انا سيد ولد آدم و  
 لا خسر وانا اول من تنشق الارض عنه  
 يوم القيمة ولا خسر وانا اول شافع واول شفع  
 ولا خسر واول اهل الجنة يوم القيمة ولا خسر

شفاعة از نمار كهنت ابو محمد آرسه روايت كرد ابن حديث را بخاري  
 صحيح بخاري در كتاب رفاق در باب صفة  
 جنت و نمار در روايت كرد ابن حديث را مسلم از قول او  
 لعروبن دينار الى اخي الحديث مع تغير يسير  
 بعض لفظها در باسند اشبات  
 المذكور عن ابي سعيد گفت آن سيد که فرمود شد در روايت است انا ابي سعيد  
 صلى الله عليه وسلم من اولاد آدم اولاد هم  
 لا خسر وانا اول من تنشق الارض عنه  
 برين نازانيت ومن اول آن شخص که شکافته شود درين  
 يوم القيمة ولا خسر وانا اول شافع واول شفع  
 بر روز قيامت و برين نازانيت ومن اول شفاعت کنندگان و نخستين مقبول شفاعت  
 ولا خسر واول اهل الجنة يوم القيمة ولا خسر در دست من خواهد بود بر روز قيامت و برين نازانيت



البريدية في تاريخها

فرمود کسیکه بگوید وقت شنیدن اذان این دعا را ای پروردگار

ابن دعوت "نامہ و محلاتہ والکھ

حضرت محمد رضا الہدیہ علیہ السلام را دوست و رفیقیت  
 و ہر انگیز از حضرت را در مقام

وَمِنْهُمْ مَن يَخُصُّكَ فِي الْغَيْبِ وَكَانَ صِدْقًا

لغة روضة البخاري في صحيحه في كتاب التفسير

في تفسير سورة بني اسرائيل وقال الله تعالى

فَاللَّهُ يَكْفِيكَ الْغَنَاءَ

در رکوع بیستم

فر رحمت برای عالمها رعایت است از اهل صلاح که گفتند بعد از ظهر

مجلس  
امام  
معلم  
و مسلم  
نظامی کده مردم نما  
ای  
آدمیان

فیسترمین مگر رحمت جو ہرستادہ شدہ روایت گردان حدیث را داری در شروعا

[illegible]

مجلسه علم و ادب  
در روز پنجشنبه ۱۳۰۲  
در محل اجتماعات  
مجلس شورای اسلامی

سَنِيَّةَ هَذَا الْخُرْمَاكَ دُنَاكَ فِي هَذَا التَّالِيفِ وَ  
سَنَنِ (اربی) این آخر آنست که خواستم آنرا درین تالیف و

كَانَ الْفَرَاغُ مِنْهُ بِتَوْفِيقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي شَهْرِ اللَّهِ  
شد فراغت ازین تالیف بتوفیق خدای برتر در بزرگ در ماه خدا

مُحَرَّمِ الْحَرَامِ مِنْ شَهْرِ السَّنَةِ السَّابِعَةِ مِنْ الْمِائَةِ  
محرم الحرام از جمله ماههای سال هفتم از صدی

الرَّابِعَةِ بَعْدَ الْأَلْفِ مِنْ هِجْرَةِ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ  
چهار بعد یک هزار سال از هجرت سردار جهان

صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَجَمْعِهِ وَأَمَّتِهِ  
درود بفرست خدای تعالی بر آن و آل و صاحب و استقامت

أَجْمَعِينَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ  
همگان و بر رشتگان و انبیاء و رسلان

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
بر رحمت خود ای ارحم الراحمین

خاتمة الكتاب

من جانب مطبع

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم لك الحمد والشكر ولك العظمة والكبرياء فصل وسلم على رسولك محمد المصطفى

و علی الله الاصفیاء و بحمدہ الاتقیاء بعد تسمیہ حمد و نعت برضا کر صوفی صفاء اہل بڑ و اتقا  
مغنی و منجیب مہاد کہ درین قرب زمان و حین توان کہ مردمان اہل ایمان از عطا  
و اتباع خدا و نبی پیغمبر متناہل و از اطوار و تبیان فضیلت و بیان حقوق مصطفی  
مشکاسد۔ جبکہ باین حالت پر ملائت کتاب کہ نور علی نور و موصل الی الہدے و ہدیہ  
للاولیاء و الاصفیاء المسی تبحر فی تحقیق الاتقیاء فی فضائل سید الانبیاء و اقرب و مترجم  
مع حواشی مفیدہ مولفہ مصنفہ عالم طینی فاضل ابو دعوی محب الامجد ابو الطیب است  
جناب حافظ مولوی محمد عبد الو احد صاحب مولوی غازی پوری سلمہ الباری  
تلمیذ ارشد شیخ اجل فخر ہند و ستان غفران مآب مسلم ہر شیخ و شاب جناب مولانا  
مولوی ابو الحسنات محمد عبد الحمی صاحب طباطبائی و جعل الجنة شواہد کھنوی  
فرنگی محلی بحسن اہتمام و صحت الاکلام مولانا مولوی محمد شبلی صاحب و مطبع اسلامی علی گڑھ  
اعطاء لعلخان بتاریخ ۱۵ ذیقعدہ سنۃ ۱۳۰۷ھ از حلیہ طبع آراستہ و ضمن عالم مرید

اللہم جملہ متداولا لا زکیاء و الصلوا \*

صورتہ ما حرة عمدتہ الکاملین۔ زبدۃ الماہرین العالم  
بالعلوم العقلیۃ۔ الجامع للکات الملکیۃ مولانا  
المولوی محمد شبلی سلمہ اللہ العلی القوی مقرظا  
علی تحفۃ الاتقیاء فی فضائل سید الانبیاء  
الہد لمن عز عن عقول العقلاء و مدارک الحکماء هو الذی یستلزم

يسوا منهم كما هو في الظاهر والخبر في البين أعز الأقياف فقد اناسيل الشريعة  
 السهلة السهلة وسن سنة يضاع كالبيضاء ما احل شئ الله وما اكثف ضائله  
 صلوات الله عليه وعلى اله واصحابه الذين بذلوا نفوسهم دون اشاعة الدين  
 المتين وعلى من تبعهم الى يوم الدين وبعد فات الكمال في كل حال تقبل  
 عند العقلاء بل هو عند ذي الجلال والكبرياء في شطره الغالب ونصيبه  
 الوافر المرسل ولا نبيا بعده للذين صعبوا النبي صلى الله عليه وسلم  
 ثم الذين هم بهالة واصحابه الذين نالوا الدرجة القصوى بالبر والتقوى  
 ثم الذين يأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر بالكتاب والسنة ثم  
 الذين يسلكون منهاج الصدق والصفاء ثم الذين يؤلفون الكتب  
 ثم انفسنا نزل النبي والمجتبى ومناقب اصحابه وآله الطاهرين ولا ولياء  
 ولا اتقياء فسيهان الذي اداني بعد الشفافي تعريف حقوق المصطفى  
 المقاضى عما حق رحمه الله تعالى هذه الرسالة الجيبة والمقالة الشريفة  
 التي سابقتها قليلة ومعانيها كثيرة وفي الظاهر مختصرة صغرى وفي الباطن  
 معنوية كبرى قصرت عن ادراك اوصافها اذهان الواصفين و  
 تخيرت في فهم فضائلها افهام المادحين كيف لا وقد ألف هذا الكتاب  
 الامير الكبير والهاكم اخبر بحارس الشريعة المحمدية حامي الملة الحنفية  
 المولى المعظم والاعظم في المعاصر ولا ما جدد مولانا السخا فظ

ابوالطیبان محمد عبد الواحد التلیذ الالشد من تلامذة  
 الشیخ الاجل فی الفضلاء حمزة العلماء مولانا الحاج الحافظ المحسن  
 محمد عید الحی اللکوی اسکته الله الفردوس بفضل الشیخ والجل  
 فسماه بتخفة الاتقیاء فی فضائل سید الانبیاء قد اورد فی الاختصار  
 العیضة والار الشریفه مبانیه کانتها الیاقوت والمرجان ومغانیه  
 لمیدرکه قبله الشیخ ولاجان حقائقه یعلمها الاصفیاء ولطائفه  
 یدرکها الاتقیاء ربنا تقبله بقبول حسن والقی حسنه فی قلوب  
 کملاء الزمن واجعله مثلاً ولا یبین العلماء والفضلاء بحمده النبی  
 سید الانبیاء وانا الراعی رحمة ربه القوی محمد شیلی ابن مولانا  
 الحاج المولوی ولی الله صاحب ادام الله تعالی

الموی الاعظم گدھی

قطعه سال دلا وزیر تالیف کتاب مولوی محمد عبد الواحد صاحب  
 از تنلیج طبع عالی جناب مولوی محمد عبد الواحد صاحب شمشاد لکهنوی  
 نیمبر مدرسه چشمه رحمت اسکول غازی پور

کردتالیف سیرت نبوی	مولوی عبد الواحد از فضلا
گوست امروز بهیقی ثانی	در تصانیف لغت و حمد و ثنا
وه چه زیبا کتاب جمع نمود	بهر تفریح قلب اهل صفا

<p>حرف حرفت است معدن انوار لفظ لفظ است کان صنو و ضیا کاغذش صاف از رخ حور نور ایمان ز طسدر آن پیدا</p>	<p>حرف حرفت است معدن انوار لفظ لفظش خال حور و سطرش زلف از دلاویزی بیانش پیرس</p>
<p>گفت شمشاد سال تالیفش سحفه الثقیب و راه منب</p>	<p>گفت شمشاد سال تالیفش سحفه الثقیب و راه منب</p>
<p>از ستایج طبع گرامی جناب حایف مولوی محمد علی صاحب وکیل قاری حقی صدیقی رئیس موضع سرولی ضلع غازی پور قطعه سال انجام سحفه الثقیب از سنده پیکاره محمد علی</p>	<p>از ستایج طبع گرامی جناب حایف مولوی محمد علی صاحب وکیل قاری حقی صدیقی رئیس موضع سرولی ضلع غازی پور قطعه سال انجام سحفه الثقیب از سنده پیکاره محمد علی</p>
<p>سپهر فلک عالی جهان فضل و علو درین دیار نباشد که بعلم چو شامل نبوی از کتاب و سنت او جو دسته ایست از گلهای خلد با شعله که سحفه زحق آمد برای شان بر رو به ختم آمده چون آن رساله نیکو</p>	<p>حبیب ماکه ز نولی ست عبده اجزا خداش با دنگهان که در زمانه ما نمود جمع به ترتیب نیکو حسن بیان که بین ثنائی و انیسیت کاین رساله فیض بالتقیار رسانید فردی جان بخشش قتاد و در دل قاری خیال تاریخش</p>
<p>نحو اند مصرع پاکیزه ملهم فیهی فضائل نبوی را بیان بود و بگو سحفه ۱۳۰۸</p>	<p>نحو اند مصرع پاکیزه ملهم فیهی فضائل نبوی را بیان بود و بگو سحفه ۱۳۰۸</p>

از نسیج فکر عالیجناب مولوی صدرالدین احمد صاحب کفیی رئیس غازی پور  
خلعت الصدق جناب شیخ حافظ محمد عبداللہ صاحب حنفی صدیقی  
قطعه سال نزول تحفہ اتقیا از صدرالدین کفیی

سہ ماہ

جان خرو جهان علم روح شریعت مددگار	پیش مولوی تہسین خود بود اعتلا مجمل
شہرت نام نایش گشتہ بعد آہد است	آمدہ نولیش مقام ہر پیام آب و گل
فصل رسول اور را پیغمبر و صاحب	پیدہ بسبک کر کشید دست بیانش غم
تحفہ اتقیا نیش نام کرد وزیر ہر مقام	ترجمہ اش چو نور ساخت با سہ و متصل
تحفہ اتقیا ولاہ است چنان شہرت	کامدہ پیش قیمتش نقد تمام مفصل
قاری خوش بیان سر قلم سال خور	آفتابین سرور غیب دید مرا شہر فصل

کفیی خوش نوا ابو عمر سال ششم آن  
تحفہ اتقیا بود حامی جان قلب دل

سہ ماہ

از نسیج فکر گہر یار جناب حکیم سید محمد ایوب صاحب قنار  
رئیس قصبہ مہمان ضلع او نام ملک او و ہر مقام شہر غازی پور  
پدید قطعہ سال انجام تحفہ اتقیا مولوی عبدالواحد از محمد ایوب

مولوی عبدالواحد آنکہ فصل  
اندرون ضلع شد بلند لوا



<p>نیستم گر چه دید صوری او بحر قرآن و قلزم سنت ز و بر آور و منتظم فرمود تحفه اقیانان دانش نام از محمد علی والاحسان سرچشم خیال چون بر دم</p>	<p>شهرتش جلوه نمود بسا خوش نموده بسینه اش ماوا دور و دشمن سیر یک جا زا تقیاس از اسرار خدا مارا بهر تاریخ شد بمن ایسا آمد از با نفهم بگوشتش ندا</p>
	<p>صاحب اینست مصرع تاریخ تحفه اقیانان و سیر و لا شماره</p>
<p>قطعه تاریخ طبع کتاب از کلاک گهر سلک جناب مولوی حکیم محمد عبد الغنی صاحب غازی پوری</p>	
<p>علاسه روح افلاک و محدث وصفش آمد برون ز تحت تالیف نمود خوشش کتابچه</p>	<p>موسوم باسم عبید و اچر هم ز اید است و نیز عباد کش خلق زمانه است حساس</p>
	<p>مطبوع چو گشت سال طبعش پیدا است زارمغان ز اید ۱۳۰۹ هـ</p>

## صحت نامه تحفة الانبياء في فضائل سيد الانبيا

صحيح	غلط	١	٢	صحيح	غلط	١	٢	صحيح	غلط	١	٢
ابن	ابن	١	١٣١٤	امسوا	امسوا	٢	٣٥	ابواب	ابواب	٣	٣
الاسلام	الاسلام	٨	١٣٥	يبري	يبري	٢	٣٤	ايات	ايات	٤	٢
عزته	عزته	٥	١٤٥	اجنابا	اجنابا	٩	٣٩	طلمة	طلمة	٤	٤
العرق	العرق	٣	١٥٧	جرج	جرج	٤	٥٠	او	او	٩	٤
فترك	فترك	٣	١٧٣	يجز	يجز	٢	٥٣	شبية	شبية	٢	٨
نعم	نعم	٣	١٧٩	رايتني	رايتني	٣	٥٤	اكا	اكا	٤	٥
قال	قال	٤	١٤٠	اشد	اشد	٢	٥١	آف	آف	٤	٥
انه	انه	٤	٥	املا	املا	١	٩٩	ولا	ولا	٢٧	٩
سو	سو	٤	١٤١	استانين	استانين	٣	٩٠	خيس	خيس	٥	٥
مين	مين	١	١٨٠	قار	قار	٩	٥	املكم	املكم	٤	٥
لقدري	لقدري	٩	١٨٢	يبيد	يبيد	٢	٩٢	الفيه	الفيه	٥	١٣
رسول	رسول	٤	١٨٥	ياي	ياي	٤	٩٥	مكم	مكم	٢	١٤
نطع	نطع	٨	١٩٢	هشام	هشام	٢	٤٣	فيما	فيما	٢	٥
لايخش	لايخش	٤	١٩٤	وقال	وقال	٤	٤١	عن	عن	٢	١٤
اداب	اداب	٨	١٩٩	وجه	وجه	٩	٨٣	عراة	عراة	٩	٥
وانطلقت	وانطلقت	١	٢٠١	كان	كان	٢	٨٣	جبريل	جبريل	٩	١٩
عدي	عدي	٨	٢١٩	ايوم	ايوم	٤	٩١	جبريل	جبريل	١٠	٥
للمقدس	للمقدس	١٠	٢٢٢	يتولد	يتولد	٨	٩٢	ابطالك	ابطالك	١٠	٢٣
ايتت	ايتت	١	٢٢٩	يردا	يردا	١٠	٥	بندكرو	بندكرو	٢	٢٢
استاذن	استاذن	٣	٢٢٧	بايعهم	بايعهم	٢	٩٢	تحيه	تحيه	٩	٥
				مضيت	مضيت	٢	٩٤	بلي	بلي	٢	٢٤
				شرح	شرح	١	١٠٣	الاد	الاد	٤	٥
				عندك	عندك	١	١٠٥	يعل	يعل	٢	٢١
				وارجاء	وارجاء	٥	١٠٨	فرزنا	فرزنا	٨	٢٢
				المختلفين	المختلفين	٢	١١٠	سالتني	سالتني	٢	٢٣
				الكلم	الكلم	٨	١١٥	فتحيته	فتحيته	١٠	٥
				لدا	لدا	٤	١١٨	لدا	لدا	١٠	٥

صحت نامه ترجمه تحفة الاتقياء فی فضائل سید الانبیاء

ردیف	غلط	صحیح	ردیف	غلط	صحیح	ردیف	غلط	صحیح
۱	روایت	روایت	۱۰	پس	پس	۱۱	پس	پس
۲	پند	پند	۱۲	رست	رست	۱۳	پس	پس
۳	س	س	۱۴	داد	داد	۱۵	روایت	روایت
۴	ادایت	ادایت	۱۶	معجزات	معجزات	۱۷	و سلم	و سلم
۵	و سلم	و سلم	۱۸	سرا	سرا	۱۹	گزار	گزار
۶	گزار	گزار	۲۰	بود	بود	۲۱	من	من
۷	من	من	۲۲	می گزاردیم	می گزاردیم	۲۳	گزار	گزار
۸	گزار	گزار	۲۴	خرج	خرج	۲۵	بیرون	بیرون
۹	بیرون	بیرون	۲۶	پانزاد	پانزاد	۲۷	مسلمانان	مسلمانان
۱۰	مسلمانان	مسلمانان	۲۸	نشنگ	نشنگ	۲۹	بمعیش	بمعیش
۱۱	بمعیش	بمعیش	۲۹	خوشنود	خوشنود	۳۰	ببخند	ببخند
۱۲	ببخند	ببخند	۳۰	تزد	تزد	۳۱	دبر من	دبر من
۱۳	دبر من	دبر من	۳۱	سرا	سرا	۳۲	بستر	بستر
۱۴	بستر	بستر	۳۲	باز آ	باز آ	۳۳	و سلم	و سلم
۱۵	و سلم	و سلم	۳۳	ولادت	ولادت	۳۴	جنت	جنت
۱۶	جنت	جنت	۳۴	پله	پله	۳۵	ازد	ازد
۱۷	ازد	ازد	۳۵	بفرست	بفرست	۳۶	سوی	سوی
۱۸	سوی	سوی	۳۶	را	را	۳۷	سیر	سیر
۱۹	سیر	سیر	۳۷	در از زانه	در از زانه	۳۸	روی	روی
۲۰	روی	روی	۳۸	بلند	بلند	۳۹	و سلم	و سلم
۲۱	و سلم	و سلم	۳۹	فراموش	فراموش	۴۰	شناختیم	شناختیم
۲۲	شناختیم	شناختیم	۴۰	استقام	استقام	۴۱	دزد	دزد
۲۳	دزد	دزد	۴۱	نسل	نسل	۴۲	آوردید	آوردید
۲۴	آوردید	آوردید	۴۲	نیاید	نیاید	۴۳	خواهم کرد	خواهم کرد
۲۵	خواهم کرد	خواهم کرد	۴۳	بدین	بدین	۴۴	خدا	خدا
۲۶	خدا	خدا	۴۴	کردم	کردم	۴۵	پس منضم	پس منضم
۲۷	پس منضم	پس منضم	۴۵			۴۶		

بقیه هاشیه صفحه ۱۱۱

کالنج بالدهقان لابن الشیراز من الاحادیث

و ثبت بالدلائل الکلیه انه صلوات الله علیه

و غیر علی الی جمیع بل افضل العالمین

میدانم سیر ولد آدم بی نوع الانسان

لیس بحیدل هو افق لتوفیق معانی

الاحادیث و السلام اعلم بالصواب

و سلم فی دعوة بفتح الدال و کسرها

فی الیومین طعم الله فیها

و کما یلک الذراع تعبه لانا نعمل

نضوا و خوف علی الله و اسرع

# فهرس ما في تحفة الاقبياء في فضائل سيد الانبياء من

## ابواب

الباب الاول في شفقة سيدنا محمد صلى الله عليه وعلى اله واصحابه وسلم على امته

الباب الثاني في بيان محبة الله تعالى بالنبى صلى الله عليه وعلى اله واصحابه وسلم

الباب الثالث في اكرام النبى صلى الله عليه وسلم بقتال الملائكة معه صلوات

الباب الرابع في الصلوة على النبى صلى الله عليه وسلم والسادم عليه

الباب الخامس في توقيف النبى صلى الله عليه وسلم

الباب السادس في حكم المحبة بالنبى صلى الله عليه وسلم

الباب السابع في اتباع النبى صلى الله عليه وسلم

الباب الثامن في بيان ان النبى صلى الله عليه وسلم افضل الانبياء

والموسلين عليهم صلوات رب العالمين

الباب التاسع في دعوة سيدنا ابراهيم عليه السلام لمبعث النبى صلى الله

عليه وسلم وفي اول شان النبى صلواتهم وميلادهم

الباب العاشر في حلية النبى صلى الله عليه وسلم

الباب الحادي عشر في اخلاق النبى صلى الله عليه وسلم واثباته

بيان الوحي الذي عشرين فيا كان عليه الناس في جاهلية من الضلالة وفي

الى رسول الله صلى الله عليه وسلم وبعثه وكونه

الباب الثالث عشر صلواتهم على انبياء

الباب الرابع عشر في المعرف في علامات النبوة والمعجزات

الباب الخامس عشر في شرايع

صلواتهم عليه وسلم رعاية النبى صلى الله عليه وسلم وكونه

حجة للعالمين





